



وکیل صوراسرافیل با ستااست  
@sooreisrafil

۴ - ۸۸۳۳۴۲۲۳ - ۲۱  
۰۹۱۲۰۱۵۲۸۰۵

صفحه ۹

# صوراسرافیل

فریده غیرت در گفت و گو با صوراسرافیل

## کودکان کار سرمایه های خاموش

صفحه ۳



شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۶ | ۱۷ جون ۲۰۱۷ | تنها نشریه مستقل حقوقی- اقتصادی کشور | سال سوم | شماره ۸۶ | ۱۲ صفحه

### در دفاع از حقوق کودک کار

یادداشت
محمد صالح ترقه‌کار - وکیل پایه یک دادگستری

در تعبیر لطیفی از احادیث نبوی است که یکی از بهانه‌های نظر لطف پروردگار به اهل زمین وجود کودکان معصوم است. آنها که حمایت و بهداشت و تامین بزرگترها را پشتوانه رشد و بالندگی خود می‌خواهند. اما و اما... مباد بر ما روزی که کار طاقت سوز کودکان معصومی که دوران شادی و رشد آنهاست بر ایمان عادی شود. چهره غمبار کودک کاری که برای امرار معاش بزرگترش یا بقای خودش به کار خشن و نامناسب تن داده است در تصویر روزمرگی‌هایمان گم شود. کار تفریح کودک نیست. زندگی کودک با کودکی و نه کارگری عجین است. جهان فهمیده که این پدیده مذموم چقدر برای سرنوشت کودک کار سنگین است و نمی‌خواهد این سرنوشت برای معصومیت‌های لگدمال شده باز و باز تکرار شود. ۱۲ ژوئن روز جهانی لغو کار کودک در شرایطی که امروز ۲۱۵ میلیون کودک در جهان مشغول کارند روز تلخ و سنگینی است. کار برای رسید نعمت است و ...



تصاویر: ش. و. ۹

شاپور اسماعیلیان  
**حذف ظرفیت حرفه و کالت یا مثله کردن حق دفاع؟!؟**

در میز کرد صور اسرافیل بررسی شد  
**وکالت در اغماء، حذف آزمون و پذیرش بی حصر**

لیلا ارشد  
**کودکان کار و مسیر ناهموار آینده**

### سرمقاله



نفا فرامرزیان  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول

### فراغوش شدگان در خیابان

چشمان سیاه بزرگش، زلف بلندی که باد آن را روی صورت آفتاب سوخته‌اش پراکنده از او تابلوی زیبایی خلق کرده است. «خانم گل بدم خدمتتون؟» صدایی بود که من را بعد از لحظاتی کوتاه دوباره به پشت چراغ قرمز برگرداند، معصومانه و ملتسمانه نگاهم می‌کند. دختری دیگر کنار ماشین‌های ایستاده اسفند دود می‌کرد. برخی بی‌توجه به اصرارهایشان، برخی هم به آنها لبخند می‌زدند. گلی بر می‌دارم، لبخند کم رمقی می‌زنم و تصویرهایی که رها می‌کنم، دخترکان و پسرکانی که می‌توانستند در شرایطی متفاوت به دنیا می‌آمدند، در رفاه و آرامش در حال بازیگوشی مستانه‌ای خود باشند. این سکاسی است که در کلانشهرها هر روز تکرار می‌شود. کودکانی که به‌جای مدرسه، بازی و کودکی در خیابان به دست‌فروشی، فال‌فروشی و کارهای سخت دیگر مشغول هستند. بیش از هر چیز در این واقعیت تلخ خیابان‌ها این کودک‌کست که می‌میرد. بعد از جنگ و با سیاست‌گذاری‌هایی که با خلق پول بدون تولید، افزایش سطح قیمت‌ها و تورم افسارگسیخته، دهک‌های پایین با عدم تعادل بنیادین در ساختار دخل‌وخرج خود رو به رو شدند که یکی از پیامدهای آن می‌تواند عرضه کار کودک به بازار باشد. ...

من کابل صفحه ۸

صفحه ۱۲

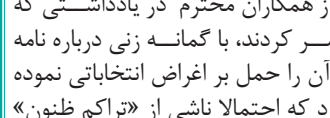
صفحات ۷۶

صفحه ۹

ادامه در صفحه ۵

### چهارشنبه

### «من مدوّد نیستم» همّا داودی هستم



دکتر مه‌داودی  
شاپور رئیس اسکودا

روز گذشته یکی از همکاران محترم در یادداشتی که فضای مجازی منتشر کردند، با گمانه زنی درباره نامه محرمانه اسکودا، آن را حمل بر اغراض انتخاباتی نموده و با بیان نظرات خود که احتمالا ناشی از «تراکم ظنون» رایزنان انتخاباتی بوده است، اینجانب را «مدوّد» خواندند. به دلایل ذیل فرمایش ایشان را متضمن توهین دانسته و بجاست با تنقیح مناط از ماده ۲۳ قانون مطبوعات، این جوابیه را در کانال خود و تمام گروه‌هایی که یادداشت مذکور را «فوروارد» کرده اند، منتشر و فوروارد فرمایند. مدوّد بودن یعنی «صندلی نگهبان» و «صندلی نگهبان» بودن برای مدیر دیگری که بدلالی امکان ادامه حضور در پست مدیریتی را ندارد. کاری که می‌گویند پوتین در انتخابات روسیه انجام داد و زمینه‌های انتخاب مدوّد را که از همفکران خود بود فراهم کرد تا او هم همچنان برای انتخابات بعد، زمینه را برای بازگشت پوتین به قدرت مساعد نگه‌دارد. مدوّد بودن یعنی «مهره» بودن در بازی قدرت. اما لازم به ذکر است اینجانب در همه ایام مدیریت خود در حوزه وکالت، نه مهره کسی بوده‌ام و نه وابسته به جناح‌ها یا جریان‌ها خاص. مستقل بوده‌ام و هستم و در تمام طول فعالیت خود در کانون یا اسکودا مستقل عمل کرده‌ام. بر همین اساس:

- ۱- اگر از هر یک از همکاران، پیشنهاد یا برنامه قابل تأییدی دیده‌ام، قطع نظر از سایه روشن‌های روابط شخصی، آن را تأیید کرده‌ام و متقابلا در ردّ نظراتی که فکر می‌کرده‌ام با ایراد و ضعف مواجه است، بی‌ملاحظه خلاف امانت، مخالفت کرده‌ام. چرا که فکر می‌کنم این صندلی‌های «موقت» جز امانت وکلا نیست.
- ۲- در تمام این مدت به پشتوانه توان علمی خود و با اتکا به لطف پروردگار، صادقانه برای جامعه وکالت قدم برداشته و تمام توان خود را به کار بسته و بر این امر می‌بالم و از افتخارات این است که اولاد دروغ مدارانه و کاسب کارانه و از سر کاهلی یا کوتاهی عمل نکرده‌ام و وامدار هیچ کس نیستم و ثانیاً در تمام این شش سال، یک تصمیم که از لحاظ علمی اشتباه باشد، اتخاذ نکرده‌ام و این چنین است که می‌توانم با قاطعیت در هر زمانی از عملکرد خود دفاع نمایم.
- ۳- کارشکنی‌هایی در همه جا وجود داشته و دارد و برای من هم کم نبوده است. از جمله در انتخابات قبلی اسکودا که شاهد بودیم برخلاف صراحت ماده ۱۶ اساسنامه، در محل سالن رأی گیری و همزمان با رأی گیری، چه تبلیغات مذمومی توسط تشکل یا افرادی علیه اینجانب به اجرا درآمد.
- ۴- متأسفم که در این دوره، هنوز خیز و خیزش انتخاباتی شروع نشده (البته برای یک عده) تبلیغات و تخریب‌های زود هنگام آغاز شده است. کاش اجازة دهیم اول کاندیداهای قطعی معلوم شوند، بعد فرصت کافی برای تخریب آنها هست.
- ۵- اینجانب به هزار دلیل به شخص استاد بهمن کشاورز احترام می‌گذارم و ایشان را فردی بسیار محترم می‌دانم و هیچ چیز جز احترام، بزرگ تواضع و ادب از ایشان ندیده‌ام و گویا ادب با سرشت ایشان درآمیخته است. از محضرشان بسیار آموخته‌ام و خواهم آموخت. اما اگر بر فرض بخواهم در انتخابات پیش روی، ورود نمایم تنها و تنها بر اساس «توان علمی و مدیریتی» خود و براساس ملاحظات کاملاً شخصی می‌توانم این تصمیم را بگیرم و مهره یا مدوّد و صندلی نگهبان هیچ شخص نبوده و نیستم. ضمن اینکه این امر از ساحت استاد کشاورز هم به دور است، به نوبه خود ...

تأیید و صفحه ۱۰

### چهارشنبه

### پیش گویی، با رنگ و لعاب حقوقی



مهدی داودی  
وکیل دادگستری

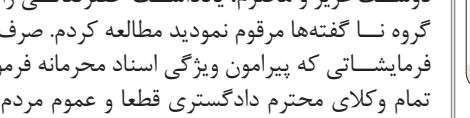
جناب آقای دکتر حسن کیا دوست عزیز و محترم، یادداشت حضرت‌تعالی را که در گروه نا گفته‌ها مرقوم نمودید مطالعه کردم. صرف‌نظر از فرمایشاتی که پیرامون ویژگی اسناد محرمانه فرمودید و تمام وکلای محترم دادگستری قطعاً و عموم مردم عادی اکثر، از آن آگاه هستند. به این نتیجه می‌توان رسید این مطالب نیازی به تعبیر و تفسیر ندارد و اصل موضوع پیش گویی در مورد آینده اسکودا است پس رنگ و لعاب هم نمی‌خواهد. اینکه جلسه اسکودا در فاصله شش ماه منقذ شود یا نه ماه و یک سال، براساس عقیده و نظر تمام کانون‌های عضو است. بدیهی است چنانچه همه اسباب گرد همایی فراهم نشود این اتفاق محقق نخواهد شد استحضاردارید. بعد از نظر کانون‌های عضو، هیاتی با نام هیات اجرایی وجود دارد. این هیات مرکب از نمایندگان کانون‌ها است. در اسکودا تصمیم فردی اتخاذ نمی‌شود یا از کانون‌های عضو استمراج می‌شود که نمونه بارز آن همین نامه‌ی است که محضر مبارک است یا از هیات اجرایی کسب تکلیف می‌شود. جالب اینکه نماینده کانون محترم مرکز که بنده بواسطه کرامات ایشان نام شریف شان را می‌برم .

رئیس محترم دانشگاه آزاد تهران واحد مرکزی آقای دکتر مالکی هستند. بنابراین اسکودا نظر شخصی به هیچ‌یک از کانون‌های محترم ابلاغ و اعلام نموده است. آنچه نگارش شده کسب نظر اکثریت بوده است. مشق دموکراسی پذیرفتن نظر اکثریت است. پس چنانچه چنین عقیده‌ی داشتند همه می‌پذیریم و مطالبه علت نمی‌نمایم. ممکن است تصمیم به علت آلودگی آب تهران بوده و ممکن است به علت مسموم بودن هوا، در هر حال نظر جمع است و درخور احترام می‌باشد ولی تا آنجا که بنده می‌دانم به دلیل نقض در مطالب دستور جلسه بوده است- اکنون با عرایض معروض جا دارد در مورد پیش گویی گفته شود- دوست عزیز، چرا باید از حضور جناب جندقی و جناب دکتر شهبازی نیا و سرکار خانم دکتر داودی و سایر بزرگان کانون‌های استانی نگران باشیم. نباید ترس به دل راه دهیم. متولیان و بزرگان کانون‌ها می‌دانند چه افرادی حتی استحقاق کاندیداتوری دارند. تا چه رسد به اینکه به آنان رای داده شود. از همه مهمتر شنیده شده است در دور قیل و پیش از امضا قسم‌نامه در کانون مرکز که منتی به اعطای رای به دکتر مالکی رئیس محترم دانشگاه آزاد تهران مرکزی شود. کسانی با آقایان جندقی و دکتر شهبازی‌نیا، مذاکره کردند و کاندیداتوری برای ریاست اسکودا رایب ایشان توصیه کرده بودند. آن‌سان نپذیرفتند - پس اگر در دور قبل مورد تأیید و تصدیق بودند الان هم هستند. بهتر است دلواپس نباشید. دوست عزیز، آنچه ذهن بنده حقیق را مشغول نموده، این است که، جنابعالی و سایر دوستان دانشگاه آزاد چه ویژگی در آقای مالکی دیده‌اید و دیده‌اند که تصور می‌کنند. دیگران توطئه و دشمنی می‌نمایند تا ایشان بر کرسی اسکودا تکیه نزنند. خدا گواه است برخی مناصب در دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی و غیره بر اساس شایسته‌سالاری تقسیم نشده که با تکیه بر این قبیل صندلی‌ها خیز برای دیگر مناصب و مناقب بردارند. سخن به درازا نمی‌کشد. در مورد جناب آقای دکتر کامران آقایی باید گفت؛ خصائص و خلایق این استاد ستودنی است. چون اهل معامله و رای فروشی نیستند و برای بزرگان حرمت قائل هستند و بزرگان را پلکان بالا رفتن نمی‌نمایند یاد گذشته را در خاطر دارند. به همین جهات بسیار قابل احترام می‌باشند. در خاتمه به عرض می‌رسانم، عبارت محرمانه در مکاتبات صرفاً جنبه محرمانه برای غیروکلا محترم دارد و این عبارت ناظر به وکلای محترم دادگستری نیست. اگر بود امروز نامه نزد جنابعالی نبود. ارادتمند

تأیید و صفحه ۱۰

### پنجشنبه

### نامه محرمانه اسکودا!



حسن کیا  
وکیل دادگستری

اسناد سری از بار معنایی قانونی تعریف شده‌ای بهره مند بوده و با اسناد و نامه‌های «محرمانه» تفاوت دارد. نقض مضمون اسناد سری که واقعا سری محسوب می‌شوند بی تردید جرم است و نقض نامه‌های محرمانه دو گونه: نوع اول نامه‌های خصوصی و شخصی است که بی‌شک، نقض حریم خصوصی است و در این حد آثار دارد. نوع دوم نقض نامه‌های «خودخوانده»ی محرمانه است، که افشای آن نه جرم است نه تخلف و نه نقض حریم خصوصی، بلکه اعلان کاری است که نهاد موظف به اعلان و شفاف‌سازی؛ به دنبال پنهان کاری بی‌هدف و یا غالباً هدفمند است. امروز، نامه چند صفحه‌ای اسکودا به روسای کانون‌ها با تأکید بر محرمانه بودن و دور نگه داشتن مفاد آن از سایت‌ها و تلگرام و محیط مجازی! به دستم رسید که حسب وظیفه خود در شفاف‌سازی و نقد به اطلاع همکاران محترم می‌رسانم. اتحادیه یا اسکودا از کانون‌ها به جد و اصرار خواسته است همایش هیات عمومی کانون‌های وکلا که همواره و هر شش ماه برگزار می‌شود. برای اولین بار در طول تاریخ اش برگزار نشود... جهت اطلاع خوانندگان، قرار بود این همایش پس از سال‌ها در تهران (توسط کانون مرکز) تشکیل شود. بدتر از آن، اعلام گردید موضوع قابل توجهی در دستور جلسه آینده همایش اتحادیه نیست و نیازی به تشکیل جلسه وجود ندارد. واقعا دستور و مشکلات خاصی نیست و همه چی حل است!

گمانه‌زنی حقیر از این بدعت بی‌ظنیر: شاید هوای تهران در تیر ماه صفای همایش بهاری سریعین و خرم آباد و سندانج را ندارد، پس چه بهتر که به تعویق بیافتد و البته حتماً مشکل خاصی هم جامعه وکالت ندارد؟ فشار بی‌سابقه در از بین بردن ظرفیت آزمون وکالت، برنامه پنجم توسعه، آیین نامه تعرفه حق‌الوکاله و آیین نامه تشکیل موسسات حقوقی و نحوه تبلیغ و اهمیت ندارد و آن دستوره‌های خاطره‌آمیز هیات عمومی و همایش چند صد میلیونی اتحادیه در گذشته بسیار حیاتی‌تر بود و نباید قیاس کرد! خیر....

ظاهراً تشکیل این همایش تأثیر گذار در شهر "تهران" امکان لابی و هماهنگی برای "تعیین هیات ریسه اتحادیه در اجلاس اتی" اصل مطلب و جان کلام است. ترس از اتفاقات انتخابات قبل موجب این تصمیم عجیب و ظریف شد؟(همچنین به دنبال آن هستند. دکتر شهبازی نیازی به عنوان رقیب استاد مالکی و حتی ممکن است استاد جندقی ساخته شود تا راه برای خانم دکتر داودی که الفت بیشتری دارد به عنوان (مدوّدوف) باز شود و جای واقف دارم استاد شهبازی نیا همسان دکتر کامران آقایی و امثال وی نیستند و مدیران کانون‌ها نیز هوشیار و متفاوتند. تن دادن یا تن ندادن کانون‌ها به این درخواست خلاف مصالح وکلا و بی تفاوتی به مصیبت‌های تحمیل‌شده بر وکالت در این مدت برای رئیس شدن یا نشدن فلانی در اتحادیه و... جهان سومی عمل کردن از چشمان تیز بین جامعه وکالت به دور نخواهد بود و صحت و قاطعیت استقلال تصمیم شورای اجرایی وکانون‌ها میزان هوشیاری، عزت و استقلال نفس مدیران محترم را خواهد رساند. جناب استاد کشاورز به یک سوال پاسخ بدهید لطفاً: شما نایب و امین وکلا هستی یا سرپرست و کفیل وکلایی که وضع شان هر روز بدتر می‌شود و عده‌ای ناخواسته به دنبال صندلی؟! نامه را خودتان عیناً به اطلاع اربابان واقعی کانون‌ها و موکلین تان برسانید و نهرواسید!؟

تأیید و صفحه ۱۰

### پنجشنبه

### نامه محرمانه اسکودا!



حسن کیا  
وکیل دادگستری

اسناد سری از بار معنایی قانونی تعریف شده‌ای بهره مند بوده و با اسناد و نامه‌های «محرمانه» تفاوت دارد. نقض مضمون اسناد سری که واقعا سری محسوب می‌شوند بی تردید جرم است و نقض نامه‌های محرمانه دو گونه: نوع اول نامه‌های خصوصی و شخصی است که بی‌شک، نقض حریم خصوصی است و در این حد آثار دارد. نوع دوم نقض نامه‌های «خودخوانده»ی محرمانه است، که افشای آن نه جرم است نه تخلف و نه نقض حریم خصوصی، بلکه اعلان کاری است که نهاد موظف به اعلان و شفاف‌سازی؛ به دنبال پنهان کاری بی‌هدف و یا غالباً هدفمند است. امروز، نامه چند صفحه‌ای اسکودا به روسای کانون‌ها با تأکید بر محرمانه بودن و دور نگه داشتن مفاد آن از سایت‌ها و تلگرام و محیط مجازی! به دستم رسید که حسب وظیفه خود در شفاف‌سازی و نقد به اطلاع همکاران محترم می‌رسانم. اتحادیه یا اسکودا از کانون‌ها به جد و اصرار خواسته است همایش هیات عمومی کانون‌های وکلا که همواره و هر شش ماه برگزار می‌شود. برای اولین بار در طول تاریخ اش برگزار نشود... جهت اطلاع خوانندگان، قرار بود این همایش پس از سال‌ها در تهران (توسط کانون مرکز) تشکیل شود. بدتر از آن، اعلام گردید موضوع قابل توجهی در دستور جلسه آینده همایش اتحادیه نیست و نیازی به تشکیل جلسه وجود ندارد. واقعا دستور و مشکلات خاصی نیست و همه چی حل است!

گمانه‌زنی حقیر از این بدعت بی‌ظنیر: شاید هوای تهران در تیر ماه صفای همایش بهاری سریعین و خرم آباد و سندانج را ندارد، پس چه بهتر که به تعویق بیافتد و البته حتماً مشکل خاصی هم جامعه وکالت ندارد؟ فشار بی‌سابقه در از بین بردن ظرفیت آزمون وکالت، برنامه پنجم توسعه، آیین نامه تعرفه حق‌الوکاله و آیین نامه تشکیل موسسات حقوقی و نحوه تبلیغ و اهمیت ندارد و آن دستوره‌های خاطره‌آمیز هیات عمومی و همایش چند صد میلیونی اتحادیه در گذشته بسیار حیاتی‌تر بود و نباید قیاس کرد! خیر....

ظاهراً تشکیل این همایش تأثیر گذار در شهر "تهران" امکان لابی و هماهنگی برای "تعیین هیات ریسه اتحادیه در اجلاس اتی" اصل مطلب و جان کلام است. ترس از اتفاقات انتخابات قبل موجب این تصمیم عجیب و ظریف شد؟(همچنین به دنبال آن هستند. دکتر شهبازی نیازی به عنوان رقیب استاد مالکی و حتی ممکن است استاد جندقی ساخته شود تا راه برای خانم دکتر داودی که الفت بیشتری دارد به عنوان (مدوّدوف) باز شود و جای واقف دارم استاد شهبازی نیا همسان دکتر کامران آقایی و امثال وی نیستند و مدیران کانون‌ها نیز هوشیار و متفاوتند. تن دادن یا تن ندادن کانون‌ها به این درخواست خلاف مصالح وکلا و بی تفاوتی به مصیبت‌های تحمیل‌شده بر وکالت در این مدت برای رئیس شدن یا نشدن فلانی در اتحادیه و... جهان سومی عمل کردن از چشمان تیز بین جامعه وکالت به دور نخواهد بود و صحت و قاطعیت استقلال تصمیم شورای اجرایی وکانون‌ها میزان هوشیاری، عزت و استقلال نفس مدیران محترم را خواهد رساند. جناب استاد کشاورز به یک سوال پاسخ بدهید لطفاً: شما نایب و امین وکلا هستی یا سرپرست و کفیل وکلایی که وضع شان هر روز بدتر می‌شود و عده‌ای ناخواسته به دنبال صندلی؟! نامه را خودتان عیناً به اطلاع اربابان واقعی کانون‌ها و موکلین تان برسانید و نهرواسید!؟

تأیید و صفحه ۱۰





رئیس مرکز آمار و فناوری قوه قضائیه گفت: **ورود ۵ میلیون و ۵۸۵ هزار پرونده به دستگاه قضا** روند گردش پرونده‌ها در سال ۹۵ در دستگاه قضایی که همان پرونده‌های تکراری است ۱۱.۹۴۴.۹۲۸ پرونده است که به طور میانگین می‌توان گفت هر پرونده دو بار بین شعب در جریان بوده است. از این تعداد حدود ۵ میلیون و ۵۸۵ هزار پرونده غیر تکراری (یکتا) بوده است. وی افزود: در سال ۹۵ در دادسرای عمومی و انقلاب، ۴ میلیون و یکصد هزار پرونده وارد شده است که حدود ۲ درصد در مقایسه با سال ۹۴ افزایش پیدا کرده است.

### مرخصی ۱۵ روزه زندانیان از سوی رئیس قوه قضاییه

آیت الله املی لاریجانی، رئیس قوه قضاییه، به مناسبت لیالی قدر با صدور بخشنامه‌ای بیه واحدهای قضایی و دادسراهای سراسر کشور دستور داد تا به زندانیان محکوم با رعایت شرایط و اخذ تأمین مناسبت ۱۵ روز مرخصی داده شود. به نقل از روابط عمومی قوه قضاییه متن کامل بخشنامه رئیس قوه قضاییه به شرح ذیل است: بخشنامه به واحدهای قضایی و دادسراهای سراسر کشور؛ به مناسبت فرا رسیدن لیالی قدر و در پیش بودن عید سعید فطر و با هدف بهره مندی معنوی بهتر زندانیان از این فرصت و نیز آثار مثبت و سازنده حضور زندانیان در کنار خانواده و به منظور نیل به اهداف عالی در بازسازی اجتماعی و اخلاقی زندانیان و نیز برقراری روابط عاطفی بین زندانیان و اعضای خانواده آنها مقتضی است به زندانیان محکوم با رعایت شرایط ذیل و اخذ تأمین مناسب ۱۵ روز مرخصی داده شود. این مرخصی به مدت ۱۵ روز دیگر نیز قابل تمدید خواهد بود.

- الف - زندانیان محکوم به حبس**
۱. محکومین به حبس ابد به شرط تحمل حداقل ۵ سال حبس.
  ۲. محکومین به حبس بیش از ۱۰ سال به شرط تحمل حداقل یک سال حبس.
  ۳. محکومین به حبس از ۵ تا ۱۰ سال به شرط تحمل شش ماه حبس.
  ۴. محکومین به حبس از یک سال تا ۵ سال به شرط تحمل حداقل دو ماه حبس.
  ۵. محکومین به حبس کمتر از یکسال به شرط تحمل حداقل یک ماه حبس.
- تبصره - محکومین به حبس یا حبس و جزای نقدی که باقی مانده محکومیت آنها کمتر از شش ماه باشد، مرخصی منتهی به آزادی اعطاء می‌شود.

- ب - زندانیان محکوم به جزای نقدی**
۱. محکومین به جزای نقدی که باقیمانده محکومیت آنها بیش از یکصد و بیست میلیون ریال باشد به شرط تحمل حداقل دو ماه حبس.
  ۲. محکومین به جزای نقدی که باقیمانده محکومیت آنها بیش از هفتاد میلیون ریال تا یکصد و بیست میلیون ریال باشد، به شرط تحمل حداقل یک ماه حبس.
- تبصره - محکومین به جزای نقدی که باقیمانده محکومیت آنها تا هفتاد میلیون ریال باشد مرخصی منتهی به آزادی اعطاء می‌شود.

**ج - محکومین جرائم غیر عمدی و محکومین مالی**

زندانیانی که به لحاظ مجز از پرداخت دیه در جرائم غیر عمد بازداشت هستند و همچنین دارندگان محکومیت‌های مالی، صرف نظر از مدت اقامت در زندان از مرخصی موضوع این بخشنامه برخوردار خواهند بود.

تبصره - در مورد محکومین موضوع این بند که دارای شاک‌های متعدد می‌باشند، چنانچه در زمان بهره‌مندی از مرخصی یا تمدید آن موفق به اخذ رضایت برخی از شکات گردند، تمدید مجدد مرخصی بمنظور اخذ رضایت از سایر شکات بلا مانع است.

### د - مفاد این بخشنامه شامل مرتکبین جرائم ذیل نخواهد بود

محکومین جرائم سرعت‌های مسلحانه و مقرون به آزار، جاسوسی، اقدام علیه امنیت کشور، آدم ربایی، جرائم باندی و سازمان یافته، تجاوز به عنف، دایر کردن مراکز فساد و فحشاء، اسید پاشی، اخلاق در نظام اقتصادی، قاچاق مشروبات الکلی، محکومین به قصاص و اعدام و حدود شرعی، محکومین دارای سه سابقه محکومیت به ارتکاب همان جرم، محکومینی که به شرارت مشهورند، قاچاق مسلحانه و یا عمده مواد مخدر و روان گردان‌ها و سایر محکومینی که اخلاق و رفتار آنها در زندان به گونه‌ای بوده که بنا به نظر دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری یا رئیس زندان یا شورای طبقه بندی شایستگی برخوردار از مرخصی را ندارند.

تبصره ۱ - در مورد محکومان مواد مخدری که میزان محکومیت آنان بیش از پنج سال باشد، ترتیبی اتخاذ گردد هر چهل و هشت ساعت یکبار خود را به مراجع انتظامی محل سکونت خویش معرفی نمایند.

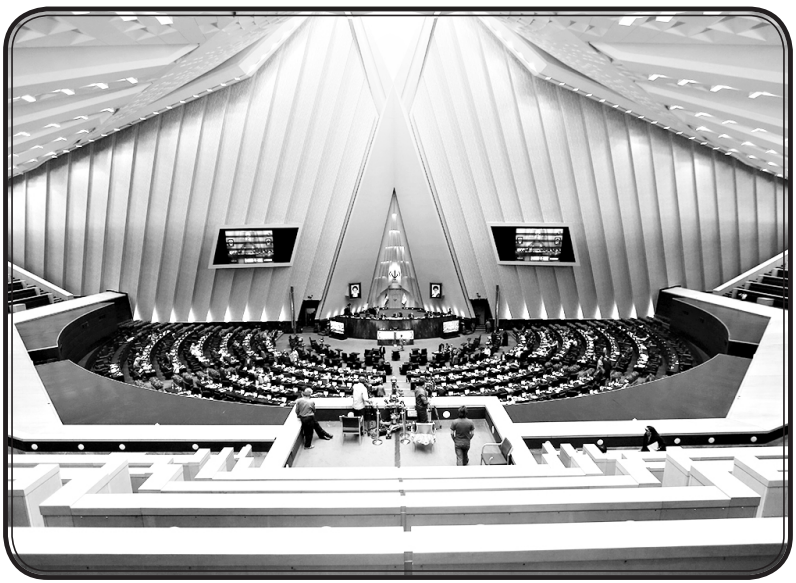
تبصره ۲ - منظور از قاچاق عمده مواد مخدر و روان گردان‌ها عبارت است از:

- ۱- بیش از ۱۰۰ کیلوگرم تریاک و ملحقات آن، موضوع بند ۶ ماده ۵ قانون اصلاح قانون مجازات با مواد مخدر.
  - ۲- بیش از ۲۰۰ گرم هرویین و روان گردان‌ها و ملحقات آنها موضوع بند ۶ ماده ۸ قانون مذکور.
- دادستان‌های سراسر کشور ملزم به اجرای این بخشنامه بوده و بر حسن اجرای آن نظارت خواهند نمود.

### عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی؛

# قانون اعطای مجوز و کالت به متقاضیان باید اصلاح شود

بهارستان در هفته‌ای که گذشت



محمد کاظمی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی از تشکیل کمیته ای با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی، قسوه قضاییه و کانون وکلا به منظور تعیین تکلیف طرح جامع وکالت خبر داد. این نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه حقوقی - قضایی باشگاه خبرنگاران جوان؛ با اشاره به آخرین وضعیت تعیین تکلیف طرح جامع وکالت در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: برای بررسی این طرح باید کمیته ای با حضور نمایندگان کمیسیون قضایی مجلس، قوه قضاییه و کانون وکلا تشکیل تا اقدامات لازم انجام شود.

وی با بیان اینکه تاکنون از سوی قوه قضاییه، کانون وکلا طرحی مبنی بر اجرای این موضوع به ما مطرح نشده است، گفت: در تلاش هستیم تا قوانین موجود در کانون وکلا را در حوزه اعطای مجوز به فارغ‌التحصیلان رشته حقوق اصلاح کنیم.

کاظمی با بیان اینکه سال گذشته (۱۳۹۵) یک هزار و ۷۰۰ متقاضی درخواست پروانه وکالت بودند، مطرح کرد: متأسفانه بیش از نیمی از افرادی که موفق به اخذ پروانه وکالت شدند قاضی بوده و با اینکه در بازه زمانی ۵ ساله در شرکت وکلای دیگر فعالیت کرده بودند.

عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: با شرایط موجود و تعداد فارغ التحصیلانی که در رشته حقوق وجود دارد قانون موجود در این خصوص باید به نفع دانشجویان تغییر کند.

### وظایف ارگان‌های دولتی جهت حمایت از کودکان

حسن نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس گفت: در جریان ادامه بررسی جزئیات لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان موادی مرتبط با تعیین وظایف سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها مشخص شد. این نماینده در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه وظایف مربوط به تشکیل پلیس اطفال نیز مشخص شد، تصریح کرد: وظایف مسئولان امر در تمام ماموریت‌های اجتماعی مددکاران و نگهداری در بهزیستی حسب اجرای این قانون برای تأمین امنیت کودکان و اطفال و نوجوان مشخص شد.

وی افزود: بر اساس مواد مصوب؛ گزارش‌دهی جرایم علیه اطفال و نوجوانان در معرض خطر به سازمان بهزیستی کشور نیز محول گردید، سازمان زندان‌ها نیز موظف به تشکیل بانک اطلاعاتی شد تا اطفال و نوجوانان را تحت سرپرستی سازمان مشتمل بر اسامی و شرایط شناسایی و تهیه به بهزیستی جهت انجام اقدامات حمایتی اعلام کند.

همچنین ضمن همکاری با سازمان بهزیستی کشور، اطفال و مراجعانی که پدر یا سرپرست قانونی آنها در زندان به سر می‌برند، در صورت درخواست والدین یا سرپرست قانونی به سازمان یاد شده معرفی می‌شوند تا بر اساس قانون کودک نیازمند، مورد حمایت قرار گیرد. سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، گفت: در یکی از مواد نیز به

## اطلاعیه معاونت حقوقی ریاست جمهوری درباره سند ۲۰۳۰

# لطفا مومنان را آزار ندهید

حجت‌الاسلام انصاری، معاون حقوقی رئیس جمهور توضیحاتی در خصوص سند ۲۰۳۰ ارائه کرد. به گزارش ایسنا، متن اطلاعیه منتشر شده در این خصوص به شرح زیر است: لطفا مومنان را آزار ندهید، جامعه اسلامی به حق نگران نقض حدود و ضوابط شرعی در امر آموزش می‌باشد، شایعات پیرامون سند ۲۰۳۰ و گمانه زنی‌ها درباره مفاد آن که متأسفانه گاهی با اهداف غیر اخلاقی انتخاباتی هم صورت می‌گیرد، سبب تشویش برخی از هموطنان شده است. لذا بر خود لازم دیدم صرف نظر از محتوا و مفاد سند مذکور که در نوشتار دیگری به تبیین آن خواهم پرداخت نکاتی چند به منظور رفع نگرانی ملت اخلاق مدار و با غیرت ایران عزیز به عرض برسانم.

۱. سند ۲۰۳۰، یک برنامه کاری است، طبق قواعد حقوق بین الملل، برنامه کاری سندی است که حاوی هیچ تعهد حقوقی برای دولت‌ها نیست. این سند و مانند آن در حقیقت یک

برنامه ای را تنظیم و اجرا کند. به نوعی که کانون های اصلاح و تربیت برای دختران و پسران به صورت جداگانه تعبیه شود، همچنین وظایف وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز درمورد این کودکان مشخص شد تا ضمن واگذاری آنها به بهزیستی آیین‌نامه را ظرف سه ماه تنظیم و تهیه کنند.

محمد رضا پورابراهیمی در گفت وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، در تشریح نشست روز یکشنبه ۲۱ خرداد کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، گفت: در نشست امروز کمیسیون جزئیات لایحه مالیات بر ارزش افزوده که کلیات آن در جلسات گذشته تصویب شده بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نماینده مردم کرمان و راور در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه در نشست امروز ماده یک لایحه مذکور با حضور مسئولان سازمان امور مالیاتی و سایر مسئولان مربوطه مورد بحث و بررسی قرار گرفت، افزود: در ماده یک لایحه پایانه فروشگاه‌های با صندوق مکانیزه فروش، تعریف شده که بر این اساس پایانه ای شامل سخت افزار و نرم افزار با امکان اتصال به سامانه سازمان که قابلیت های لازم از قبیل ثبت خرید و فروش کالا و خدمات و هزینه را حسب نوع و اندازه فعالیت واحد کسب و کار دارد.

وی با اشاره به اشخاص مشمول این لایحه ادامه داد: تمامی صاحبان مشاغل (صنفا و غیرصنفا) موضوع فصل چهارم باب سوم قانون مالیات های مستقیم و فروشگاه های زنجیره ای (اعم از حقیقی و حقوقی) مشمول این لایحه می شوند.

پورابراهیمی یادآور شد: مشمولان به ترتیبی که حسب اهمیت و اندازه و نوع فعالیت آن ها با رعایت ماده (۲۵) این قانون توسط سازمان اولویت بندی و اعلام می شود. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: کمیسیون اقتصادی در جلسات بعدی جزئیات لایحه را به تفکیک بررسی و گزارش را برای بررسی در صحن به هیئت ریسه تقدیم می کند.

نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس مطرح کرد **چشم‌انداز روشن دستگاه قضا با اجرای برنامه توسعه‌ای چهارم**

فهاد تجری نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس با مثبت ارزیابی کردن تدوین برنامه های توسعه چهارم قضایی در دستگاه قضا، گفت: اجرای برنامه های توسعه ای در قوه قضاییه سخت تر از دستگاه های دیگر است، زیرا برنامه ها در دستگاه های دیگر به شکل ناقص اجرا شده مجدد در دستور کار اجرای سال های آینده قرار گیرد، بنابراین ایجاد یک برنامه ضرورتی انکار ناپذیر است و دستگاه قضایی باتوجه به نیازها و اقتضاعات خود باید



پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون معاهدات و کنوانسیون‌های متعددی را امضا نموده که حاوی موارد مغایر با شرع یا قوانین موضوعه بوده است. در عین حال با اعلام تحفظ، عدم تعهد خود را نسبت به موارد مغایر با شرع رسماً به ثبت رسانده و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای محترم نگهبان به آن‌ها ملحق شده است. این کنوانسیون‌ها که جنبه الزام‌آور دارند به استناد ماده ۹ قانون مدنی ایران جزء قوانین رسمی کشور محسوب می‌شوند. از آن جمله می‌توان به کنوانسیون حقوق کودک مصوب اسفند ماه ۱۳۷۲ مجلس

برنامه ای را تنظیم و اجرا کند. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی **ضرورت استقرار دستگاه هشداردهنده در ورودی مجلس و نیروی ویژه ضد تروریستی**

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در تشریح جلسه فوق‌العاده این کمیسیون گفت: مقرر شد برنامه جامع تأمین امنیت در ابعاد مختلف طراحی و اجرا شده و آموزش همه‌جانبه نیروها به صورت جدی پیگیری شود.

سیدحسین نقوی حسینی در گفت وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، گفت: رئیس کمیسیون در ابتدای جلسه ضمن تشریح موضوع تروریسم تکفیری و ابعاد آن گفت که جمهوری اسلامی مستحکم تر از این است که چند نفر تروریست بی ریشه، تأثیری بر آن بگذارد.

این نماینده مردم در مجلس دهم ادامه داد: سردار گرگی زاده اعلام کرد که مکاتبات طی سال های گذشته مکرراً انجام شده چنانچه برای مثال پیشنهاد نصب دستگاه هشداردهنده در ابتدای ورودی مجلس داده شده بود ولی مجلس به آن عمل نکرد همچنین محل مراجعات مردمی، متفاوت با ورودی های دیگر طراحی شده است چون در این قسمت مردم

قوه قضاییه به صورت کامل و جامع نمی تواند اهداف و برنامه های خود را اجرایی کند، تعامل قوه مجریه و مجلس نیز درخصوص اجرای برنامه های توسعه ای باید وجود داشته باشد

عادی رفت و آمد می‌کنند. نماینده مردم ورامین ادامه داد: داعش در سرزمین ما شکست خورده و در حال تکثیر و توزیع در کشورهای دیگر است چنانچه اینکه اقدامات فوری از قبیل استقرار دستگاه هشداردهنده باید انجام شود همچنین برنامه جامع تأمین امنیت در ابعاد مختلف باید طراحی و اجرا شود.



شورای اسلامی اشاره کرد. متن اعلام تحفظ در کنوانسیون کودک عیناً متن اعلام تحفظ در سند ۲۰۳۰ است، با این تفاوت که سند ۲۰۳۰ اساس الزام آور نیست و برخلاف کنوانسیون‌های فوق‌الذکر، قانون جمهوری اسلامی محسوب نمی‌شوند. ۵. علیرغم الزام آور نبودن سند و اعلام تحفظ، به منظور بازبینی بیشتر سندن، جناب آقای دکتر جهانگیری معاون اول رئیس محترم جمهور، طی بخشنامه مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ دستور توقف هرگونه اقدام در کار گروه مربوط به سند را صادر نمودند.



فریده غیرت در گفت‌وگو با صوراسرافیل

# کودکان کار سرمایه‌های خاموش



با توجه به اوضاع کنونی جهان و اهمیت یافتن فزاینده سود در چرخه کاروسرمایه باعث شده است بسیاری از معادلات همانند سابق نباشد و این بهم خوردگی مناسبات قبل در کشورهایی که قانون نقش کلیدی را بازی نمی‌کند بیش‌تر از کشورهای توسعه یافته

به چشم می‌آید. وجود مشکلات اجتماعی همانند فقر، نبودن سرپرست مناسب، بیماری، اعتیاد والدین و دلایلی دیگر در این کشورها باعث شده است که کودکان به صورت فزاینده‌ای از جانب صاحبان کار با دستمزد کم و بدون هیچ ضمانتی کاری و بیمه‌ای مورد ستم قرار می‌گیرند. کودکانی که در سنی هستند که نیازی مبرم به شادابی، بازی و جنب‌وجوش با همسالان خود دارد تا اینکه بتواند در زمینه رشد جسمی و روحی مسیر مناسبی را طی کند، اما با بروز چنین مشکلاتی و عدم توجه زیاد نهادهای رسمی به آن باعث شده است که کودکان از اولین حق خود که آموزش باشد محروم بمانند و تنها یک زندگی پر از درد و رنج و آواره‌گی را تجربه نمایند. در همین رابطه صوراسرافیل با یکی از فعالین حقوق زنان و کودکان گفت‌وگویی انجام داده است. مشروح آن در پی می‌آید.

شیلان خاکی

**خانم غیرت در ابتدا تعریفی از کار کودک و دیدگاه شما به عنوان یکی از فعالین حقوق کودک داشته باشیم؟**

در رابطه با کودکان کار بحثهای زیادی صورت گرفته و شاید توجهاتی هم شده یا نادیده گرفته شده. کودکان کار بچه‌هایی هستند که در سنینی که نمی‌باید به‌کارگیری

شوند، به خدمت گرفته می‌شوند. این کودکان بعضا محصول پدران و مادران معناد، یا فرزندان طلاق یا خانواده‌هایی که به‌طور قطع از نظر اقتصادی در سطح پایین هستند. این کودکان لطیف که باید کودکی کنند در این دوران سیر نمی‌کنند و سرعتر از زمان موعد وارد مسئولیت‌های می‌شوند که جامعه که به آنها تحمیل می‌کند. آمارهایی که سازمان‌های جهانی در رابطه با کودکان کار ارائه کرده‌اند حدود ۲۵۰ میلیون کودک کار بین ۵ تا ۱۴ ساله است که نزدیک به ۱۲۰ هزار از آنها وارد بازار کار می‌شوند. این کودکان فاقد شناسنامه و هویت از امکانات تحصیل و رفاه تعریف شده، در دوران کودکی بی‌بهره هستند. ایران هم از سال ۱۳۷۳ به کنوانسیون حقوق کودک پیوست. تعریفی که ما در کشورمان درباره‌ی کودک داریم با تعریفی که کنوانسیون حقوق کودک ارائه کرده تفاوت دارد. کنوانسیون، افراد زیر ۱۸ سال را کودک اعلام کرده است، هر چند در کشور ما اگر افراد زیر ۱۸ سال مرتکب خلافی شوند در زندان‌هایی به عنوان کانون اصلاح تربیت نگهداری می‌شوند ولی تعریف ما از تعریف کنوانسیون حقوق کودک متفاوت است. در ایران انجمن‌ها و NGO ها و موسسه‌هایی در حوزه خدمت، رفاه و حقوق کودکان کار فعالیت می‌کنند. مثلا در تهران انجمن خانه خورشید واقع در دروازه غار شوش در این حوزه فعال است که لازم است برای تداوم کار موسسات این‌چنینی متفاوت است. در ایران انجمن‌ها و NGO ها و موسسه‌هایی در حوزه خدمت، رفاه و حقوق کودکان کار فعالیت می‌کنند. مثلا در تهران انجمن خانه خورشید واقع در دروازه غار شوش در این حوزه فعال است که لازم است برای تداوم کار موسسات این‌چنینی متفاوت است.

**خانم وکیل! آیا می‌شود خوشبینانه به کار کودک هم نگاه کرد؟ مثلا کودک کاری که در کنار خانواده در امنیت به سر می‌برد و به اقتصاد خانواده کمک و حس مسئولیت‌پذیری در او رشد می‌کند، آیا این روند مثبتی نیست؟**

بله حرف شما صحیح است ما کودکانی را داریم که در کنار پدر و مادر مشغول کار هستند، مثلا فروشنده بقالی پدر است یا در کار مزرعه به خانواده کمک می‌کند که نسبت به کودکانی که در خیابان و کارگاه‌های غیراستاندار مشغول به کار هستند، متفاوت هست چون هم امنیت روانی و جانی دارند و هم به اقتصاد کمک می‌کنند و هم حس وظیفه‌شناسی و استقلال در وجود آنها شکل می‌گیرد. وقتی اجبار وجود دارد و خانواده در مضیقه است و نمی‌تواند امکاناتی را برای کودک مهیا کند کار کودک اجبارا لازم می‌شود. کودکان سرمایه‌های خاموش هستند. کودکان به عنوان ضعیف‌ترین قشر جامعه نیازمند حمایت بیشتری هستند زیرا آنها توان حمایت از خود را ندارند. حمایت باید از طرف قانونگذار، مجریان قانون و تمام کسانی که با مسائل جامعه سر و کار دارند، صورت گیرد.



حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع



حق اشتغال و کسب

اصولاً، کار، جوهره انسان است و هر شخصی که قدرت کار کردن را پیدا می‌کند، باید قادر باشد در شغلی که مایل است و صلاحیت آن را دارد، اشتغال ورزد؛ به همین دلیل است که در اصل بیست و هشتم آمده است:

«دولت، موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.»

بدین ترتیب، در جامعه‌ای که قسط و عدل در آن حاکم باشد، باید هر کسی به میزان توانایی خود قادر باشد در شغلی مناسب شأن، مشغول شود و اصولا بیکار ماندن و نبودن فرصت‌های کاری، برخلاف اصل یاد شده می‌باشد.

حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه

اصل بیست و نهم که تصریح می‌کند: «در برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی...»

مفاد این اصل این است که عموم مردم، حتی خارجیانی که در کشور ما زندگی می‌کنند، به صرف شهروندی حق دارند از این حقوق برخوردار باشند و «دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

حق برخورداری از آموزش رایگان

از آنجا که آموزش و پرورش نقش مهمی در تکامل معنوی و مادی انسان و نیز کشور دارد، اهتمام خاصی به آن در قانون اساسی ایران شده است. اساس اصل سی‌ام اشعار می‌دارد:

«دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...»

به نظر می‌رسد، این حق، خاص شهروندان تابع ایران است؛ چرا که از واژه «همه ملت»، اتباع ایران استفاده شده است؛ پس وظیفه دولت در این زمینه، به خارجیان تعلق نمی‌گیرد. گذشته از این، دولت موظف است:

«وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور، به طور رایگان گسترش دهد.»

مفاد این عبارت این است که در امر تحصیلات عالی، دولت اجبار به برقراری تحصیل رایگان برای همه افراد کشور ندارد، بلکه وظیفه او تا حدی است که نیازهای کشور برطرف شود.

حق برخورداری از مسکن و سرپناه

مسکن، ضروری‌ترین نیاز انسان است و بدون آن، زندگی دشوار و یا ممکن خواهد بود از نظر اصل سی و سوم:

«داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

با دقت در این اصل، نیز به دست می‌آید که حق برخورداری از مسکن متناسب، خاص شهروندان ایرانی است؛ ولی این امر منافات با این ندارد که دولت، در صورت امکان، به رفع نیازمندیهای خارجیان فاقد مسکن هم بپردازد. نکته دیگر اینکه روستائینان و کارگران در این زمینه، از اولویت برخوردارند.

حق دادخواهی عادلانه

دستگیری از ستم دیده، نه تنها یک وظیفه دینی؛ بلکه روش انسانی است. اصولاً فطرت بشری اقتضا دارد که اگر به کسی ستم شد، هر کس که قدرت دارد باید از او دفع ستم کند که این خود، نوعی نهی از منکر است. چنانچه در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«اگر کسی شنید که شخصی مسلمانان را به کمک می‌طلبد، ولی وی پاسخ او را ندهد، مسلمان نخواهد بود.»

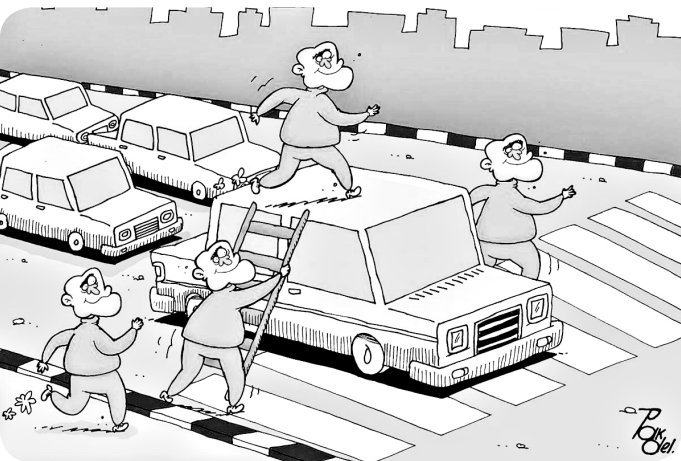
به همین دلیل است که هر انسانی حق دارد در قبال ستمی که به او وارد شده، از دیگران - به خصوص دولت که قدرتی برتر است - دادخواهی و تظلم کند. به این دلیل، اصل سی و چهارم اشعار می‌دارد:

«دادخواهی، حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی، به دادگاه‌های صالح رجوع نماید.»

بنابراین، از وظایف حکومت است که برای رجوع مردم ستم‌دیده، دادگاه‌های صالح را در تمام نقاط کشور ایجاد کند تا مردم به مراجعه به آنها، استیفاي حق کنند. از این نظر، «همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند...» و حتی «هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون، حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.» در این زمینه، همه شهروندان - حتی خارجیان، نیز - حقوق مساوی با ایرانیان دارند.

## همراهی نهادهای حاکمیتی و فعالان مدنی در شکل‌گیری نهاد ملی حقوق شهروندی

بشر ملل متحد اعلام شد که پس زمینه ایجاد نهاد مستقل ملی برای پیشبرد حقوق شهروندان خود را فراهم آورد. سال ۱۳۸۹ اولین بار این توصیه به ایران شد و سال ۹۴



مجدداً این توصیه در یو پی آر دوم ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل مطرح شد. در قطعنامه‌های صادره علیه ایران طی این سال‌ها نیز این امر مورد تأکید واقع شده است. فکر شکل‌گیری نهادی برای صیانت از حقوق شهروندی اولین بار در اواخر دور دوم دولت آقای خاتمی مطرح شد به این صورت که برخی از حقوقدانان شورای علمی معاونت حقوقی وقت ریاست جمهوری پیشنهاد کردند به موازات کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران در موضوع حقوق بشر، لایحه‌ای در زمینه حقوق شهروندی نیز تهیه شود. این ایده در همان معاونت حقوقی پیگیری شد و لایحه‌ای تدوین گردید حاوی لیستی از حق‌های شهروندی و هم چنین پیش‌بینی نهاد ملی پیگیری کننده این موضوع. لایحه مزبور در ماه‌های پایانی دولت آقای خاتمی تهیه شد، اما شاید با این ذهنیت که در مجلس رای نخواهد آورد و توسط سایر قوا همراهی نخواهد شد، از سوی رئیس‌جمهور پیگیری نشد و پایگانی گردید. دولت کنونی پس از آنکه به این نتیجه رسید که گزیده‌های از حقوق شهروندان مقرر در مقررات ایران را در قالب یک منشور معرفی کند و تأکید اصلی‌اش بر اجرای همه مقررات باشد نه تدوین یک لایحه قانونی خاص که در آن کلی گوئی شود، برای سازوکار مرتبط با منشور ترجیح داد که به توصیه حقوقدانان مختلف از شکل‌دهی سازوکارهای عریض و طویل اداری اجتناب کند و فقط یک دستیار رئیس‌جمهور را برای این امر فعال سازد تا او با بهره‌مندی از ظرفیت‌های دستگاه‌های مختلف حاکمیتی و غیر دولتی موجبات تحرک بخشی لازم در موضوع حقوق شهروندی را فراهم سازد. اما در ادامه حرکت منوجه شد که اگر نسبت به شکل‌دهی نهاد ملی حقوق شهروندی اقدام نکند احتمالاً بزودی مراجع دیگر حاکمیتی با توجه پیگیری توصیه شورای حقوق بشر ملل متحد اقدام خواهند کرد و معلوم نیست نتیجه تلاش مزبور شکل دهی به یک نهاد واقعا دارای ساختار

مستقل و کارکرد واقعی دفاع از حقوق شهروندان باشد. هم چنین دریافت که قوه قضائیه با توجه به دارا بودن ستاد حقوق بشر حاضر نیستند تن به همکاری با کمیسیون حقوق بشراسلامی ایران بدهند تا کمیسیون تقویت شود و بتوانند نقش فراگیر و نظارتی خود بر عملکرد همه دستگاه‌های حاکمیتی را به نحو موثر ایفا کند. بر همین اساس با بهره‌مندی از تلاش‌های مطالعاتی انجام شده قبلی در کشور از جمله در دولت‌های گذشته و با مطالعه موازین و تجربیات دیگر کشورها و توجه به چالش‌هایی که از حیث همکاری نهادهای حاکمیتی با یک نهاد مستقل ملی وجود دارد و با تأکید بر اینکه به ظرفیت‌های شکل گرفته تاکنون در کشور از جمله در کمیسیون حقوق بشراسلامی ایران آسیب زده نشود و ظرفیت‌های نهادهای شده وارد اختلافات احتمالی آتی در فرایند تصمیم‌گیری‌های نهادهای حاکمیتی در این موضوع قرار نگیرد و با پیش‌بینی مشارکت نمایندگان اکثر نهادهای حاکمیتی موثر در نهاد ملی حقوق شهروندی به عنوان ناظر، نسبت به تدوین لایحه مزبور اقدام کرد. پیش‌نویس لایحه مزبور طی چند ماهه آخر سال گذشته تدوین شده و نظر مشورتی اساتید و حقوقدانان مختلف نیز اخذ گردیده است تا در ماه‌های آتی روند بعدی برای تصویب در دولت و سپس ارجاع به مجلس را طی کند.

اگرچه معلوم نیست واقعا نهادهای حاکمیتی مختلف به ویژه مجلس و قوه قضائیه و حتی خارج از قوای سه گانه از جمله شورای نگهبان چه نوعی برخوردی نسبت به ایده شکل‌دهی نهاد مزبور و مصوبه آتی مجلس انجام خواهند داد آنچه مهم است اینکه تلاش برای شکل‌گیری نهاد ملی پیگیری کننده حقوق شهروندی آن هم با ساختار و کارکرد نسبتاً مستقل از نهادهای حاکمیتی می‌تواند اراده و عزم واقعی اجرای حقوق شهروندان در ایران را نشان دهد و تقویت کند که این امر جدای از رفع بسیاری از موارد نقض حقوق مردم و بهبود رضایتمندی آنها در سطح داخلی، در عرصه بین‌المللی نیز به عنوان دستاوردی مثبت محسوب خواهد شد و رشد مردم سالاری در ایران را به نمایش در خواهد آورد و چیز به بسا همین تلاش‌ها باشند که واقعا ملی باشد و ورای اختلافات حزبی و جناحی و سیاسی و قومی و مذهبی و جنسیتی و... اراده ارتقایی حقوق شهروندان و رفع دردهای آنان را در عمل نشان دهد.

منبع: کمیسیون حقوق بشر اسلامی



## ورشکستگی موسسه‌های اعتباری و طمع مشتریان

کیست که نداند نظام کسب و کار پرمخاطره بوده و تضمین صد در صدی برای کسب سود وجود ندارد و لاجرم هر چه فعالیت اقتصادی پر ریسک‌تر باشد، امکان متضرر شدن نیز بیشتر است.

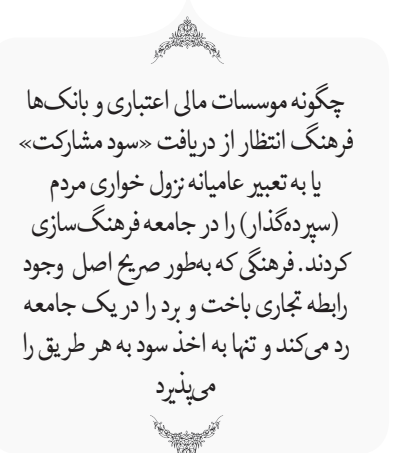
از جهتی دیگر نیز این مساله قابل تامل است که چگونه موسسات مالی اعتباری و بانک‌ها فرهنگ انتظار از دریافت «سود مشارکت» یا به تعبیر عامیانه نزول خواری مردم (سپرده‌گذار) را در جامعه فرهنگ‌سازی کردند. فرهنگی که به‌طور صریح اصل وجود رابطه تجاری باخست و برد را در یک جامعه رد می‌کند و تنها به اخذ سود به هر طریق را می‌پذیرد. شریک یا همان بانک مجبور است تحت هر شرایطی سودی را که پیش‌بینی کرده است به مشتری بدهد و مشتری بدون اینکه خود بداند به امر نزول خواری می‌پردازد. در این شرایط هر فردی که به دنبال دریافت سود بدون قید و شرط، راحت و بدون دغدغه است پول خود را در بانک می‌گذارد و سود ماهیانه برای وی واریز می‌گردد بدون اینکه مشتری اراده ای برای فعالیت اقتصادی کرده باشد یا خواهد با بانک در این زمینه شریک شود.

همه آنچه گفتیم از مسوولیت نهادهای نظارتی و کارکرد ناصواب نظام کسب و کار به طور عام و نظام بانکی به طور خاص نمی‌کاهد اما نقش دیگر کنشگران این تئاتر سراسر باخت، که همان سپرده‌گذاران اغوا شده است را نباید نادیده گرفت. چه، با بررسی سطحی این موسسات به عمق فاجعه کمبود نقدینگی موسسات مالی می‌توان پی برد و قطعاً سرمایه زندگی خود را در این راه زایل نکرد. چگونه می‌توان از موسسه‌ای که حتی بانکی امید به سودی اغوا گر برای مثال ۳۰ درصد داشت و لحظه ای این پرسش را مطرح نکرد که بانک یا موسسه مالی چقدر باید فعالیت کسب و کار سوده داشته باشد تا برای وی یک ریال بیش از ۳۰ درصد ارزش افزوده ایجاد کند. در این دوره به نسبت رکود کدام کسب و کاری را می‌شناسید که بتواند سودی فراتر از ۳۰ درصد را کسب کند تا بتواند آن را در اختیار سپرده‌گذار به طور تضمینی قرار دهد؟ اما در نهایت سوالی که مطرح می‌شود این است که مسئول و پاسخ‌گوی اصلی این بی‌نظمی، بد عادت‌ی و نارضایتی کیست؟ سپرده‌گذار؟ نهاد نظارتی؟ بانک‌ها و موسسات یا مجموعه نظام کسب و کار ایران؟

ریسک بالایی را نیز به دنبال دارد ولی متأسفانه نظام پولی ایران، هم مشتری و هم بانک را بد عادت کرده است که به ریسک توجه نکنند و تنها متوقع از دریافت سود باشد و گویی اساساً زیان در مناسبات کسب و کار وجود ندارد. زیرا مشتری که سرمایه خود را



به عنوان سپرده پرداخت کرده است خود را محق می‌داند که نه تنها اصل پول بلکه سود ما حاصل از فعالیت اقتصادی را دریافت کند. اما



می‌کشد.

سپرده و سرمایه آنها را جذب نمایند، خود یکی از بارزترین این ابزارهای غیر علمی است. به همین منظور موسسات مالی و حتی در برخی مواقع بانک‌هایی که از لحاظ نقدینگی در وضعیت مناسبی نیستند، با سوده‌های اغواکننده و نامتعارف مشتریان را به سمت

مبنای بانکداری اسلامی شراکت در سود و زیان میان بانک و مشتری و در بستری سراسر اعتماد است. در این راستا هر آنچه به عنوان سود هر یک از طرفین دریافت کنند، بین هر دو تقسیم می‌گردد و به همین‌گونه در صورتی که ضرری حاصل شود، تقسیم ضرر باید برای هر دو طرف صورت گیرد. نکته مهم در این مساله این است که مشتری و بانک خود باید ناظر فعالیت شریک باشند و به حصول سود یا زیان آگاهی داشته باشند که این خود برخی ریسک‌ها را کاهش می‌دهد.

در نظام بانکی ایران پیرو نظام بانکداری اسلامی، هر چند اصل تقسیم سود و زیان به طور نظری وجود دارد ولی هیچ‌گاه در عمل اجرایی نشده است. به عبارت دیگر هیچ‌گاه در مشارکت میان بانک و مشتری که در قالب تسهیلات (وام) صورت می‌گیرد، مشتری نمی‌تواند به طرق معمول و متعارف از بانک درخواست کند که در مبلغ سر رسید بازنگری صورت گیرد و پول کمتری بپردازد به این دلیل که مشتری زیان کرده است و به این طریق زیان به بانک هم وارد شود.

از سوی دیگر نیز بانک‌ها هرگز نمی‌توانند در نرخ سود خود در سپرده‌گذاری‌ها کاهشی ایجاد کنند و با توجه ضرر، زیان خود را به مشتری منتقل نمایند. این بد عادت‌ی بانکی سالیان متمادی است که در روابط میان مشتری و بانک تاثیر گذاشته و به هر دو طرف فشار وارد می‌کند و در عین حال سپری کارآمد برای کاهش این فشار نیز جدایی از تقسیم سود و زیان پیش بینی نشده است. از طرف دیگر، بانک‌ها و موسسات مالی حاصل از خصوصی سازی اواخر دهه ۷۰ شمسی که در یک رقابت ناعادلانه با بانک‌های دولتی قرار گرفته‌اند، برای جذب مشتری مجبور هستند که به روش‌های مختلفی دست زنند. طرح سوده‌های جذاب و غیرواقعی که آن را به رخ مشتریان می‌کشند تا از این طریق

مبنای بانکداری اسلامی شراکت در سود و زیان میان بانک و مشتری و در بستری سراسر اعتماد است. در این راستا هر آنچه به عنوان سود هر یک از طرفین دریافت کنند، بین هر دو تقسیم می‌گردد و به همین‌گونه در صورتی که ضرری حاصل شود، تقسیم ضرر باید برای هر دو طرف صورت گیرد. نکته مهم در این مساله این است که مشتری و بانک خود باید ناظر فعالیت شریک باشند و به حصول سود یا زیان آگاهی داشته باشند که این خود برخی ریسک‌ها را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر نیز بانک‌ها هرگز نمی‌توانند در نرخ سود خود در سپرده‌گذاری‌ها کاهشی ایجاد کنند و با توجه ضرر، زیان خود را به مشتری منتقل نمایند. این بد عادت‌ی بانکی سالیان متمادی است که در روابط میان مشتری و بانک تاثیر گذاشته و به هر دو طرف فشار وارد می‌کند و در عین حال سپری کارآمد برای کاهش این فشار نیز جدایی از تقسیم سود و زیان پیش بینی نشده است. از طرف دیگر، بانک‌ها و موسسات مالی حاصل از خصوصی سازی اواخر دهه ۷۰ شمسی که در یک رقابت ناعادلانه با بانک‌های دولتی قرار گرفته‌اند، برای جذب مشتری مجبور هستند که به روش‌های مختلفی دست زنند. طرح سوده‌های جذاب و غیرواقعی که آن را به رخ مشتریان می‌کشند تا از این طریق

از سوی دیگر نیز بانک‌ها هرگز نمی‌توانند در نرخ سود خود در سپرده‌گذاری‌ها کاهشی ایجاد کنند و با توجه ضرر، زیان خود را به مشتری منتقل نمایند. این بد عادت‌ی بانکی سالیان متمادی است که در روابط میان مشتری و بانک تاثیر گذاشته و به هر دو طرف فشار وارد می‌کند و در عین حال سپری کارآمد برای کاهش این فشار نیز جدایی از تقسیم سود و زیان پیش بینی نشده است. از طرف دیگر، بانک‌ها و موسسات مالی حاصل از خصوصی سازی اواخر دهه ۷۰ شمسی که در یک رقابت ناعادلانه با بانک‌های دولتی قرار گرفته‌اند، برای جذب مشتری مجبور هستند که به روش‌های مختلفی دست زنند. طرح سوده‌های جذاب و غیرواقعی که آن را به رخ مشتریان می‌کشند تا از این طریق



**جزئیات دعوت به همکاری بانک آینده**  
بانک آینده برای تکمیل کادر کارشناسی خود در مقاطع و رشته‌های مورد نیاز مندرج در متن خبر، دعوت به همکاری می‌نماید.  
بانک آینده به عنوان یکی از بانک‌های خصوصی کشور با ویژگی‌های متمایز در عرصه بانکداری پیشرفته و با اعتقاد به سرمایه انسانی به عنوان برجسته‌ترین شایستگی کلیدی برای ایجاد مزیت رقابتی، از افراد متعهد، متخصص، مجرب و با انگیزه، از بین دانش آموختگان رشته‌های ذیل و برای مشاغل کارشناسی، دعوت به همکاری می‌نماید.  
واجدین شرایط فوق در صورت دارا بودن شرایط عمومی ذیل:

کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار (MBA) با گرایش محصول و بازار با حداقل ۳ سال تجربه در تحقیقات بازاریابی و مدیریت توسعه محصول: ۱ نفر  
کارشناسی ارشد اقتصاد و دارای حداقل ۳ سال تجربه در حوزه تحلیل اقتصاد کلان آمار کاربردی و مسلط به نرم افزارهای آماری-کاربردی: ۱ نفر  
کارشناسی ارشد مدیریت استراتژیک دارای حداقل ۳ سال تجربه موثر در برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت استراتژی بانکی: ۱ نفر  
کارشناسی ارشد مهندسی صنایع با تجربه در زمینه طراحی محصولات و خدمات بانکی: ۱ نفر

مقاضیان محترم در صورت برخورداری از روحیه ارزش آفرینی و تجربه کافی، می‌توانند درخواست خود را از طریق ثبت نام در فرم دعوت به همکاری حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۱ تکمیل فرمایند.

بدیهی است پس از بررسی درخواست‌های واصله، از مقاضیان واجد شرایط، برای انجام مصاحبه تخصصی، دعوت لازم به عمل آورده می‌شود. قضاوت خواهند فرمود که ثبت نام افراد، تعهدی برای بانک در جهت استخدام ایجاد نمی‌نماید.

پیشاپیش، از این که بانک آینده را برای ادامه فعالیت بعدی خود انتخاب می‌نمائید، ابراز خرسندی نموده و امید است، در صورت رسیدن به توافق، شرکای خوبی برای یکدیگر و طرف‌های مورد اعتمادی برای مشتریان و سایر ذی‌نفعان بانک باشیم.



راه اندازی بخش ویژه «بسته‌های غیر نقدی» باشگاه مشتریان

بخش ویژه «بسته‌های غیر نقدی» باشگاه مشتریان بانک ایران زمین در راستای معرفی کسب و کارهای اینترنتی و ارائه خدمات و محصولات متنوع به اعضا باشگاه راه اندازی شده است.

به گزارش روابط عمومی بانک ایران زمین، اعضای باشگاه مشتریان بانک ایران زمین، از طریق این بخش می‌توانند، بسته‌های ویژه‌ای که شرکت‌ها و فروشگاه‌های بزرگ آنلاین ارائه کرده‌اند، استفاده کنند. در همین راستا اعضای باشگاه می‌توانند از طریق کد های اختصاصی، از بسته‌های ویژه نت برگ، گروه محصولات غذایی چکاو و فروشگاه آنلاین مدیسه استفاده کنند.

**نحوه اطلاع از بسته‌های غیر نقدی:**  
روش اول : بعد از ورود به سایت باشگاه مشتریان، در بخش کاربری می‌توانید بخش «بسته‌های غیر نقدی» را مشاهده و اگر از طریق گوشی تلفن همراه وارد صفحه اختصاصی خود شدید، منوی ورود به بخش کاربری در بالا گوشه سمت چپ قرار دارد.

روش دوم : شما می‌توانید با عضویت در ربات ایران زمین، پس از ثبت نام به بخش‌های مختلف باشگاه دسترسی داشته باشید.



ارتباط تلفنی با معاون اداری و توسعه منابع انسانی بانک شهر

جلسه ارتباط مستقیم تلفنی با مدیران بانک شهر، این هفته با حضور معاون اداری و توسعه منابع انسانی برگزار می‌شود. به گزارش مرکز ارتباطات و روابط عمومی بانک شهر، جلسه ارتباط مستقیم تلفنی این هفته، با حضور سعید کیانی، معاون اداری و توسعه منابع انسانی این بانک و هیات همراه، در سامانه نظارت و ارتباطات مردمی ۸۶۵۵ برگزار می‌شود. بر این اساس، شهروندان، مشتریان و همکاران می‌توانند روز چهارشنبه ۳ خرداد از ساعت ۱۰ تا ۱۲ از طریق شماره تماس ۸۶۵۵ هرگونه پرسش، انتقاد، پیشنهاد، شکایت و تقدیر خود از عملکرد این حوزه را مطرح کنند.

گفتنی است، سامانه ۸۶۵۵ به منظور رسیدگی به درخواست‌ها، شکایات، انتقادات و پیشنهادهای مشتریان، همکاران و شهروندان بانک شهر، راه‌اندازی شده است که از این طریق هر هفته یکی از مدیران و یا معاونان بانک، پاسخگوی موضوعات حوزه مربوطه می‌باشند.

## بانک مرکزی و آرامش بعد از طوفان کاسپین



دادند و زمانی که در نتیجه ادغام چند موسسه اعتباری غیرمجاز در موسسه اعتباری کاسپین، کار پرداخت سپرده‌های مردم در موسسات اعتباری ادغام‌شده با مشکل روبه‌رو شد و این موسسه با توسل به بهانه‌های مختلف از خود در پرداخت سپرده‌های مردم سلب مسوولیت کرد، دامنه بحران مدیریت‌نشده به برپایی تجمعات اعتراض‌آمیز مردم کشید که متأسفانه در عصر دهکده جهانی ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی صدای این اعتراضات که به اعتبار نظام بانکی ما ضربه زد در سراسر جهان انعکاس پیدا کرد و خدا می‌داند چه پیامدهایی برای نظام بانکی آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر ما به همراه خواهد داشت. بحران سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین هرچه بود، با اقدام رییس کل بانک مرکزی در تامین منابع لازم برای پرداخت وجوه سپرده‌گذاران فروکش کرد و باید امیدوار بود در مدت زمان اعلام‌شده پول‌ها به طور کامل به آنها پرداخت شود اما باید دید رییس کل محترم بانک مرکزی برای سپرده‌گذاران صدها موسسه مالی و اعتباری دیگر که در سطح کشور به جذب منابع مردم و انجام فعالیت‌های شبه‌بانکی مشغولند و چون آتش زیر خاکستر هر آن ممکن است سرنوشت سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین در مورد آنها تکرار شود، قبل از تبدیل شدن به یک بحران بزرگ، چه راه‌حلی اندیشیده است.

مسئله تجربه‌های به دست آمده از بحران و ادغام فرشتگان در کاسپین حاوی درس‌هایی بوده که به طور منطقی می‌تواند در حل بحران‌های مشابه آینده به مسوولان بانک مرکزی کمک کند تا از وارد آمدن ضربه‌های بیشتر به اعتبار نظام بانکی ما در داخل و خارج کشور جلوگیری کند. بانک مرکزی باید کاری کند تا آرامشی که بعد از طوفان کاسپین به وجود آمد، پایدار بماند.

اندک و بدون هرگونه توجیه اقتصادی یکی پس از دیگری در سطح کشور سر برآوردند و این پدیده قارچ‌گونه تا به آنجا پیش رفت که حتی تعدادی موسسات با عنوان تعاونی با مجوز وزارت تعاون در گوشه و کنار کشور اجازه فعالیت پیدا کردند و با دادن سوده‌های کاملاً غیرمتعارف، به جذب سپرده‌های مردم پرداختند.

ظاهراً قرار نبود موسسات اعتباری یا موسسات تعاونی فعالیت‌های بانکی انجام دهند و ... به رقبای فارغ از هرگونه قید و بند نظارتی بانک مرکزی برای بانک‌های رسمی کشور تبدیل شوند اما با نفوذ و رسوخ روزافزون سیاست آن هم از نوع پوپولیستی آن در حوزه‌های اقتصادی، پولی و بانکی کشور این اتفاق افتاد و موسسات مالی و اعتباری و تعاونی که حمایت‌های برخی نهادها و ارگان‌ها و کانون‌های قدرت را پشت سر خود داشتند، کار بی‌قانونی و افسارگسیختگی مالی و بانکی را به جایی رساندند که در دولت یازدهم بانک مرکزی برخورد با این موسسات را با سیاست انحلال و ادغام در دستور کار قرار داد اما متأسفانه همان‌طور که پیشتر ذکر آن رفت، اجرای این سیاست‌ها یکی به دلیل غفلت‌ورزی در به راه انداختن یک جریان اطلاع‌رسانی شفاف، هدفمند و برخوردار از قابلیت تاثیرگذاری بر افکار عمومی و دیگری به دلیل فقدان یک استراتژی مشخص و در واقع عدم آشنایی کافی با مدیریت بحران، نه‌تنها نتیجه‌ای از اجرای آن به دست نیامد بلکه گردانندگان برخی از همان موسسات اعتباری و تعاونی با بهره‌گیری از فضای به وجود آمده در جامعه، با بی‌پروایی به جذب سپرده‌گذار و پرداخت نرخ سوده‌های به مراتب بالاتر از نرخ سود بانک‌های مجاز و شناسنامه‌دار ادامه

دادند و زمانی که در نتیجه ادغام چند موسسه اعتباری غیرمجاز در موسسه اعتباری کاسپین، کار پرداخت سپرده‌های مردم در موسسات اعتباری ادغام‌شده با مشکل روبه‌رو شد و این موسسه با توسل به بهانه‌های مختلف از خود در پرداخت سپرده‌های مردم سلب مسوولیت کرد، دامنه بحران مدیریت‌نشده به برپایی تجمعات اعتراض‌آمیز مردم کشید که متأسفانه در عصر دهکده جهانی ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی صدای این اعتراضات که به اعتبار نظام بانکی ما ضربه زد در سراسر جهان انعکاس پیدا کرد و خدا می‌داند چه پیامدهایی برای نظام بانکی آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر ما به همراه خواهد داشت. بحران سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین هرچه بود، با اقدام رییس کل بانک مرکزی در تامین منابع لازم برای پرداخت وجوه سپرده‌گذاران فروکش کرد و باید امیدوار بود در مدت زمان اعلام‌شده پول‌ها به طور کامل به آنها پرداخت شود اما باید دید رییس کل محترم بانک مرکزی برای سپرده‌گذاران صدها موسسه مالی و اعتباری دیگر که در سطح کشور به جذب منابع مردم و انجام فعالیت‌های شبه‌بانکی مشغولند و چون آتش زیر خاکستر هر آن ممکن است سرنوشت سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین در مورد آنها تکرار شود، قبل از تبدیل شدن به یک بحران بزرگ، چه راه‌حلی اندیشیده است.

در ارتباط با موضوعات مرتبط با تامین کالاهای اساسی و مواد خوراکی مسود نیاز مردم هم در راس هرم مدیریت وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه به چشم می‌خورد. حالا عده‌ای معتقدند عامل بیگانگی برخی از مدیران ارشد اجرایی با مدیریت بحران در نداشتن دکترین مدیریتی است یعنی در واقع به درستی نمی‌دانند باید از چه راهکاری برای اداره حوزه‌های تحت مسوولیت خود پیروی کنند تا جایی که اجازه می‌دهند بحران تا پشت دفتر کارشان نزدیک شود و بعد به فکر چاره‌جویی برای رفع بحران بیفتند. به‌طور مثال در حال حاضر مدتی است موضوع گرانی سرسام‌آور گوشت قرمز به یک بحران در سید غذایی اکثریت گروه‌های کم‌درآمد و حقوق‌بگیر جامعه تبدیل شده اما وزارتخانه جهاد کشاورزی که مسوولیت کلی تامین محصولات کشاورزی و دامی و غذای کشور را برعهده دارد، دانما از خود سلب مسوولیت می‌کند و مسوولیت گرانی و کمیابی گوشت قرمز را به گردن سایر نهادها و سازمان‌ها می‌اندازد. چرا؟ به دلیل آنکه وزیر جهاد کشاورزی ما با وجود داشتن یکی از طولانی‌ترین تجربیات وزارتی در دولت‌های مختلف هنوز استراتژی مدیریتی مشخصی برای اداره وزارتخانه تحت امر خود تدوین نکرده است. وزیر صنعت و معدن هم که از دوره دولت دهم یک عنوان بی‌مسئله‌ی تجارت هم به آن اضافه کرده‌اند و وظیفه و ظاهر وظیفه بخش تجارت این وزارتخانه باید ساماندهی و تنظیم بازار کالاهای اساسی موردنیاز مردم از محصولات داخلی و وارداتی باشد، به دلیل نداشتن استراتژی مشخص نه وضعیت صنعت و معدن کشور را سامان بخشیده و نه نظم و نسقی بر تجارت و بازرگانی داخلی و خارجی کشور برقرار کرده است و تمام بخش‌های این وزارتخانه و وزارت جهاد سازندگی همچون گذشته‌های دور به روش آزمون و خطاهای مکرر اداره می‌شود.

باید گفت نظام بانکی ما هم از این قاعده کلی مستثنی نیست. در دوره دولت‌های مختلف خصوصاً در دولت‌های نهم و دهم بنا به دلایلی نامعلوم و شاید هم معلوم برای خود مسوولان آن دولت، موسسات مالی، اعتباری با سرمایه‌های

اعلام تصمیم بانک مرکزی درخصوص پرداخت حدود سه هزار میلیارد تومان به سپرده‌گذاران موسسه اعتباری کاسپین به توفانی که با تجمع اعتراض‌آمیز این سپرده‌گذاران در مقابل بانک مرکزی و مجلس و جاهای دیگر برپا شده بود، موقتاً پایان داد و چنانچه بانک مرکزی به وعده خود در مدت‌زمان اعلام شده به طور کامل عمل کند، متقابلاً باید شاهد فرو نشستن کامل آن باشیم. اما در عین حال در حالی که تصمیم رییس کل بانک مرکزی در این مورد قابل تقدیر و ستایش است، باید بررسییم اگر برای بانک مرکزی تامین مالی پرداخت وجوه سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین از راه فروش دارایی‌های غیرنقدی آن موسسات امکان‌پذیر بوده چرا قبل از آنکه این پرداخت‌ها و تسویه‌حساب‌ها به یک غائله تبدیل شود، دست به این کار نزنند؟ چرا مدیران اجرایی ما با وجود چند دهه تجربه‌های مدیریتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آورده‌اند، هنوز با مدیریت بحران تا این حد فاصله دارند و تنها وقتی جدی و فراگیر می‌شود، به فکر پیدا کردن راه‌حل برای آن می‌افتند...

اعلام تصمیم بانک مرکزی درخصوص پرداخت حدود سه هزار میلیارد تومان به سپرده‌گذاران موسسه اعتباری کاسپین به توفانی که با تجمع اعتراض‌آمیز این سپرده‌گذاران در مقابل بانک مرکزی و مجلس و جاهای دیگر برپا شده بود، موقتاً پایان داد و چنانچه بانک مرکزی به وعده خود در مدت‌زمان اعلام شده به طور کامل عمل کند، متقابلاً باید شاهد فرو نشستن کامل آن باشیم. اما در عین حال در حالی که تصمیم رییس کل بانک مرکزی در این مورد قابل تقدیر و ستایش است، باید بررسییم اگر برای بانک مرکزی تامین مالی پرداخت وجوه سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین از راه فروش دارایی‌های غیرنقدی آن موسسات امکان‌پذیر بوده چرا قبل از آنکه این پرداخت‌ها و تسویه‌حساب‌ها به یک غائله تبدیل شود، دست به این کار نزنند؟ چرا مدیران اجرایی ما با وجود چند دهه تجربه‌های مدیریتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آورده‌اند، هنوز با مدیریت بحران تا این حد فاصله دارند و تنها وقتی جدی و فراگیر می‌شود، به فکر پیدا کردن راه‌حل برای آن می‌افتند...

اعلام تصمیم بانک مرکزی درخصوص پرداخت حدود سه هزار میلیارد تومان به سپرده‌گذاران موسسه اعتباری کاسپین به توفانی که با تجمع اعتراض‌آمیز این سپرده‌گذاران در مقابل بانک مرکزی و مجلس و جاهای دیگر برپا شده بود، موقتاً پایان داد و چنانچه بانک مرکزی به وعده خود در مدت‌زمان اعلام شده به طور کامل عمل کند، متقابلاً باید شاهد فرو نشستن کامل آن باشیم. اما در عین حال در حالی که تصمیم رییس کل بانک مرکزی در این مورد قابل تقدیر و ستایش است، باید بررسییم اگر برای بانک مرکزی تامین مالی پرداخت وجوه سپرده‌گذاران فرشتگان و کاسپین از راه فروش دارایی‌های غیرنقدی آن موسسات امکان‌پذیر بوده چرا قبل از آنکه این پرداخت‌ها و تسویه‌حساب‌ها به یک غائله تبدیل شود، دست به این کار نزنند؟ چرا مدیران اجرایی ما با وجود چند دهه تجربه‌های مدیریتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آورده‌اند، هنوز با مدیریت بحران تا این حد فاصله دارند و تنها وقتی جدی و فراگیر می‌شود، به فکر پیدا کردن راه‌حل برای آن می‌افتند...





**در صورت صدور حکم بر فسخ بیع؛ آیا رد ثمن و مبیع نیاز به تقدیم دادخواست دارد نظریه مشورتی قانون مدنی**

سوال: در صورت صدور حکم بر فسخ بیع؛ آیا رد ثمن و مبیع نیاز به تقدیم دادخواست دارد؟

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۴۱ - ۱۸۳۴/۱۳۸۴

همان‌طور که طبق ماده ۳۶۲ قانون مدنی، به مجرد عقد بیع مشتری مالک مبیع و بائع مالک ثمن می‌شود و عقد بیع بائع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید، با وقوع فسخ عقد، آثار حقوقی مذکور منتفی می‌شود و در نتیجه مبیع به مالکیت بائع برمی‌گردد. به عبارت دیگر، چون به صراحت ماده ۴۵۹ قانون مدکور، از حین فسخ، مبیع مال بائع می‌شود، خریدار قانوناً ملزم است که آن را به مالک مسترد نماید. بنابراین، در فرض صدور حکم بر فسخ بیع و با لازم‌الاجراء شدن حکم دادگاه اجرای مفاد آن مستلزم استرداد عوضین است و نیاز به تقدیم دادخواست دیگری از جانب طرفین نیست

**در جرایم ارتكابی مستلزم پرداخت ديه اصل تناسب تامین كیفی بالزوم جبران خسارت مصدوم باید رعایت شود**

سوال: فردی متهم است به ایراد جرح عمدی با چاقو و به دلالت نظریات پزشکی قانونی صدمات وارده به شاکي مستلزم پرداخت ديه می‌باشد و دلایل موجود در پرونده از جمله نظریه پزشکی قانونی و اقرار صریح متهم جملگی دلالت بر توجه اتهام به متهم موصوف دارد و متهم قریب به یک سال است به جهت عجز از تودیع وثیقه در بازداشت به سر می‌برد و پرونده به جهت عدم وصول نظریه نهایی پزشکی قانونی شاکي با لحاظ شدت صدمات وارده به وی منتهی به اتخاذ تصمیم نهایی و صدور حکم نگردیده و این سؤال مطرح می‌شود که آیا دادگاه مکلف است در اجرای ذیل ماده ۲۴۲ از قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره یک آن با لحاظ گذشت یک سال از بازداشت متهم نامبرده را با تبدیل قرار خفیفتر آزاد نماید و یا اینکه با لحاظ حقوق شاکي خصوصی و لزوم جبران خسارت وی و پرداخت ديه او از محل وثیقه ادامه بازداشت متهم بلامانع است و در واقع ذیل ماده ۲۴۲ تبصره آن صرفاً مربوط به جنبه عمومی جرائم بوده و منصرف از مواردی است که قرار تأمین کیفری برای جبران خسارات شاکي صادر شده؟ لطفاً در خصوص سؤال مطرح‌ه این دادگاه را ارشاد فرمائید.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه شماره ۸/۱/۱۳۹۵ - ۲۲/۹۵/۷

در مواردی که مجازات قانونی جرم ارتكابی از سوی متهم غیر از حبس باشد، نظیر مواردی که مجازات قانونی پرداخت ديه است، از شمول ماده ۲۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی خارج است و در این موارد اتخاذ تصمیم در مورد نوع قرار تأمین با لحاظ اصول کلی مربوط به قرارهای تأمین و از جمله اصل تناسب تأمین با قاضی ذیربط خواهد بود، بنابراین در فرض سؤال که اتهام مطرح‌ه ایراد جرح عمدی با چاقو می‌باشد و معنی‌علیه تقاضای مجازات تعزیری و نیز پرداخت ديه توسط متهم را دارد، هر چند از حیث جنبه تعزیری با توجه به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ جرم ایراد جرح عمدی با چاقو دارای حداقل و حداکثر میزان حبس نیز می‌باشد، و لکن با توجه به اینکه علاوه بر مجازات مزبور، متهم در صورت محکومیت، ديه را نیز که مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از انواع مجازاتها است، باید پرداخت نماید، بنابراین مورد مطرح‌ه از شمول ماده ۲۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری خارج بوده و قرار تأمین صادره باید با لحاظ اصل تناسب و رعایت قواعد و اصول کلی حاکم بر قرارها مورد توجه و اعمال نظر باشد، بدیهی است که در صورت اعلام گذشت شاکي خصوصی و اسقاط شکایت از حیث ديه، اعمال مقررات ماده ۲۴۲ قانون اخیرالذکر الزامی خواهد بود.

در صورت امکان، تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی بر دو اجرای عدالت، در مورد بند یک ماده (۱۶)، اجازه اختیار همسر خواهد داد. به هر حال در تمام موارد مذکور، این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هر گاه مردی با داشتن همسر، بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشد. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

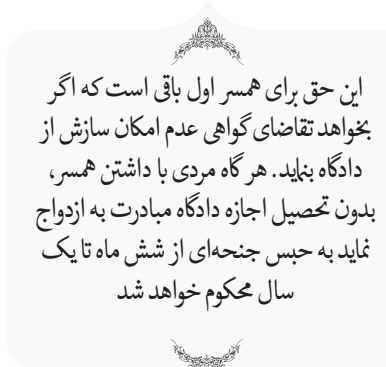
عبارت "علل و دلایل تقاضای" دلالت بر همه بندها دارد. در غیر این صورت باید می‌نوشت. "و رضایت نامه همسر اول". همچنین عبارت "یک نسخه از تقاضنامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد" دلالت بر دادرسی دارد اگر ماده ۱۷ فقط ناظر به بند یک بود نیازی به رسیدگی نداشت فقط باید هویت و صحت و اصالت رضایت نامه بررسی می‌گردید.

ب. عبارت "تحقیق از زن فعلی" که هم بر زن پیشنهادی برای ازدواج که در واقع زن بالقوه است و هم دلالت بر همسر اول دارد. در هر حال تحقیق راجع به رضایت نامه توجیه ندارد و بیشتر منصرف به عدم قدرت همسر و تمکین، ابتلاء به بیماری، جنون و امراض صعب‌العلاج و موارد دیگرست.

ج. به استناد آیه شریفه ۳ و ۱۲۸ سوره النساء که مقرر داشته است "فان ختمت الا تعدلوا ذواحدة" و "لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء" که به نوعی امر تعدد زوج را تعلق به محال گردیده است و اطلاق و عموم عبارت دلالت بر تمامی موارد مذکور دارد. به همین جهت در قسمت میانی ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده نیز آمده است "به هر حال در تمام موارد مذکور" موید همین برداشت است.

د. در ماده ۱۷ قانون مذکور چندین اقدام پیش بینی شده است که عبارت از انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید قید در مورد در قسمت اخیر حاکی از این است که در اینجا ملاحظه رضایت نامه مد نظر بوده است. تفسیر هیأت تجدید نظر بی توجهی به روح مفاد و مفهوم و منطوق ماده ۱۷ ناظر به ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده و تفسیر به رأی و برداشت و استنباط نادرست از قانون است، و جالب تر آن استدلال سطر ۷ تا ۹ با سطر ۱۰ تا ۱۳ در تعارض و تناقض است. و با نص آیه شریفه نیز مغایرت دارد.

ه. صدر ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده دلالت بر اصل عدم تعدد همسر دارد مگر در موارد استثنایی باید محدود و مضیق در نظر آید. بنابراین عبارت "در مورد سایر بندهای ماده مزبور چنین شرطی وجود ندارد" ضمن اینکه با مدلول ماده مغایرت دارد. به معنی این است که در سایر موارد ضرورتی به ملائت و عدالت در بین همسران نیست و لازم نیست دادگاه بررسی



**این حق برای هسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بپاید. هر گاه مردی با داشتن همسر، بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد**

کند آیا همسر اول مبتلا به بیماری و عدم توانایی در ایفای زناشویی و عقیم بودن و غایب و مفقودالامر و غیره نمی‌باشد. استنباط نادرست و غیرعقلایی و ایجاد بی‌عدالتی و بی‌نظمی در جامعه است که با اهداف جامعه ناسازگار است.



## با عدم تمکین زوجه، ازدواج مجدد زوج مشروط به احراز تمکن مالی نیست

از کلمه‌های پس و پیش جدا نوشت. بنابراین در سطر ۶ دادنامه نخستین "اینکه" نادرست است. ۷. نشانه جمع فارسی "ها" و "ان" می‌باشد. سزاوار است، نامهای مفرد فارسی و حتی کلمه های عربی با نشانه های مزبور جمع بسته شود. در سطر ۴ و ۵ دادنامه بدوی اظهارات و دفاعیات از این حیث دارای ایراد و اشکال است.

گرایشات، همایشات، آزمایشات، پاکت، سفارشات، باغات، دهات، منازعات، مرافعات، اقدامات، امتیازات، حیوانات، تفریحات، توقیقات، اشتباهات، اطلاعات، زوجات، افتخارات، احتیاطات، احتیاجات، اتفاقات که در برخی آرای دادگاه‌ها دیده می‌شود. نادرست است. و سزاوار شایسته است که در همه موارد از نشانه‌های جمع فارسی شود.

۸. "علی‌رغم" به معنی "برخلاف"، "به ناخواست"، "هر چند"، "با توجه به" و از ترکیب های اصیل عربی، رایج در فارسی بعد از صفویه و قاجاریه می‌باشد.

مانند: ذی نفع، ذی حساب، ذی حق، علی

هَذَا، ذی قعده، مع ذلک هر چند در نگارش



به صورت پاره جدا نوشته می‌شود و سطر ۷ رأی تجدید نظر رعایت شده است. در هر حال اگر معادل فارسی این کلمه ها استفاده شود، سزاوارتر است.

**تحلیل و تنقید و توصیف ماهوی (محتوایی)**

در سطر ۷ تا ۱۳ دادگاه شعبه ۳۰ تجدید نظر استان تهران آمده است: "زوجه علی رغم صدور حکم به تمکین و فراهم شدن مسکن متناسب از سوی زوجه حاضر به تمکین از وی نیست. بنابراین دعوی زوج با بند ۳ ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ انطباق دارد و تمکن مالی زوج که در ماده ۱۷ قانون مزبور شرط شده است نیز ناظر به بند ۱ ماده ۱۶ قانون یاد شده می‌باشد و در مورد سایر بندهای ماده مزبور چنین شرطی وجود ندارد".

استدلال دادگاه تجدیدنظر بنابر جهات زیر مخدوس و نادرست است زیرا: الف) ماده ۱۷ خانواده وارد و ناظر بر ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده است و این نظارت بر کلیه بندهای نه گانه است نه فقط بند یک، چنانکه آمده است: "متقاضی باید تقاضا نامه ای در دو نسخه به دادگاه، تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضا نامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه به انجام اقدامات ضروری و

تجدیدنظر خواسته نقض و با استناد به بند سه ماده ۱۶ قانون حمایت اجازه ازدواج مجدد برای یک‌مرتبه به زوج داده می‌شود این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۳۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه بیگدلی - ال حبیب

**تحلیل و تنقید و توصیف شکلی (ساختاری و نگارشی)**

۱. در سطر ۹ و ۱۳ دادنامه بدوی و سطر ۱۳ دادنامه تجدید نظر از لفظ "لذا" استفاده شده است که در زبان عربی هر یک از (ل+ذا) می‌باشد که به معنی برای این که و بنابراین و از این رو، به این جهت، به این سبب و از آن رو می‌باشد. با وجود واژگان مناسب در زبان فارسی بکارگیری آن در یک متن رسمی (رأی دادگاه) محل تأمل و دلالت بر ضعف تألیف و کثرت تکرار دارد.

۲. در هر دو رأی از افعال منفی زیادی استفاده شده است. چنانکه در سطر ۱۰ "نمی‌باشد" سطر ۱۱ "نشده" سطر ۱۴ "نمی‌داند" دادنامه بدوی

و سطر ۶ "نگردیده"، سطر ۸ "نیست" سطر ۱۳ "ندارد". افعال منفی موجب سکت (سکته) در عبارت و اجمال و ابهام در مفهوم جمله و انتشار انرژی منفی می‌گردد. از سوی دیگر از روانی کلام می‌کاهد. از طرف دیگر روانی کلام می‌دهد. از طرف دیگر هزینه یک

"ن" اضافی را بر نگارنده و "type" نوشتن به وسیله ماشین تحریر یا رایانه (کامپیوتر) و چاپ می‌شود.

۳. در سطر ۱۴ دادنامه بدوی از تنوین "مستنداً" استفاده شده است. در سطر ۱۳ و ۱۵ دادنامه تجدیدنظر هر چند از علامت تنوین عربی برای ساختن قیدی استفاده نشده است. و از این حیث ایراد تنوین نخستین را ندارد. ولی دارای ایراد تکرار زاید است. چنانچه عبارت سطر ۱۳ تا ۱۶ می‌آید: "به استناد بند ۳ ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده و ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی"

۴. در دادنامه نخستین و تجدید نظر از حرف عطف (واو) بسیار استفاده شده است و از نشانه های نگارشی به جز در پایان رأی استفاده نشده است.

۵. عبارت "به مصلحت نمی‌باشد" (در سطر ۱۰) روشن و گویا نبوده و مبهم است. همچنین عبارت "بطور جدی تمایل خود به ادامه زندگی" (در سطر ۱۱) نیز دارای ایراد و ابهام است. و معلوم نیست منظور از "به طور جدی" چیست؟ واژه "جدی" در مقابل غیرجدی و شوخی بکار می‌رود.

۶. کلمه این و آن که دارای وصف دوگانه صفت و ضمیر اشاره است. در پیوند با کلمه های قبل و بعد خود، هر چند گاه شکل و هویت خود را از دست می‌دهند. ولی در نگارش باید آنها را

**«رای»**  
براساس قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، ضرورت احراز تمکن مالی زوج جهت تجویز ازدواج مجدد تنها ناظر به موردی است که زوجه نسبت به تجدید فراش رضایت داشته باشد و در سایر موارد از جمله عدم تمکین زوجه لزومی به احراز شرط تمکن مالی



دکتر بهرام بهرامی  
قاضی پیشین دیوان عالی کشور و وکیل دادگستری

زوج نیست.  
مستندات: بند یک ماده ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده  
دادنامه: ۳۵۱۰۰۳۵۱-۲۲۳۰۰۹۹۷-۹۲۰ مورخ: ۱۳۹۲/۰۳/۰۵

**«رأی دادگاه»**

در خصوص دادخواست آقای ع.ب. فرزند ه - با وکالت خانم ش.خ. به طرفیت خانم الف.ط. به خواسته صدور حکم بر ازدواج مجدد با توجه به مفاد دادخواست خواهان و اظهارات وکیل محترم ایشان در جلسه رسیدگی و دفاعیات مؤثر خوانده در جلسه و با توجه به اینکه خواهان در مقام پرداخت حقوق مالی زوجه (خوانده) مدعی اعسار شده و اعسارش نیز پذیرفته شده است به نحوی عدم توانایی مالی او احراز گردیده است و لذا تجویز ازدواج مجدد ایشان در حالی که ملائت کافی ندارد به مصلحت نمی‌باشد و از طرفی زوج در جلسه رسیدگی حاضر نشده تا به طور جدی تمایل خود به ادامه زندگی مشترک با زوجه و اجرای حکم تمکین و یا نحوه پرداخت نفقه و حقوق مالی وی را اعلام نماید، لذا دادگاه ادعای خواهان را به کیفیتی که طرح گردیده وارد نمی‌داند و مستنداً به ماده مستندا به ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر بطلان ادعای خواهان را صادر و اعلام می‌نماید. این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. رئیس شعبه ۲۵۸ دادگاه عمومی تهران - حسن‌زاده

**«رأی دادگاه»**

تجدیدنظر خواهی آقای ع.ب. با وکالت خانم ش.خ. به طرفیت خانم الف.ط. نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰-۹۱/۱۸/۱۸-۱ صادره از شعبه ۲۵۸ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن دعوی زوج به خواسته اجازه ازدواج مجدد محکوم به بطلان اعلام شده وارد و موجه است و رأی مذکور مطابق قانون صادر نگردیده است زیرا زوجه علی‌رغم صدور حکم به تمکین و فراهم شدن مسکن متناسب از سوی زوج حاضر به تمکین و فراهم شدن مسکن متناسب از سوی زوج حاضر به تمکین از وی نیست بنابراین دعوی زوج با بند سه ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ انطباق دارد و تمکن مالی زوج که در ماده ۱۷ قانون مزبور شرط شده است نیز ناظر به بند یک ماده ۱۶ قانون یاد شده می‌باشد و در موارد سایر بندهای ماده مزبور چنین شرطی وجود ندارد لذا با استناد به ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی دادنامه

وقتی یک خانواده از حداقل‌های معاش محروم شود، تشکل یا سندیکایی هم برای سازماندهی یا دفاع از حقوق کار به شکلی جدی و مستقل وجود نداشته باشد، شاهد ورود گروه‌های دیگر اجتماعی چون زنان و سالمندان به بازار کار خواهیم بود. واقعیت این است شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی رو به گسترش این سال‌ها منجر به آسیب‌های اجتماعی زیادی شده و در برخی حوزه‌ها به مرحله هشدار یا بحران رسیده است. جمع آوری زباله یا فروش مواد مخدر و تن فروشی کودکان که در برخی محله‌ها خود اعتیاد دارند، تنها سیما رشتنی از مقطعی است که در صورت تداوم، ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. گذار از کودکی در خیابان در صورت عدم چاره جویی بنیادین به تحویل آنها به باندهای قاچاق و فساد منجر می‌شود. دستگاه‌های حمایتی هم تا به حال نتوانستند تحولی بزرگ در این حوزه داشته باشند و فقط یک سوم کودکان کار زیر نظر این سازمان‌هاست است. در سطح کلان و سیاست‌های دولت‌ها یا در سطح تشکل‌های مردم نهاد می‌توان کارهای زیادی کرد. فارغ از این موضوع قریب به ده سال درگیر بودن در این حوزه، رفتن به‌میان خانواده‌ها، نفس به نفس آنها، لمس وضعیتی که منجر به این آسیب‌ها می‌شود، نه در قالب تشکل یا نهادی خاص، شاید درکی متفاوت و ملموس‌تر از درجه‌ی تئوری به من داده باشد. نوعی تلنگر برای به‌جا آوردن حداقل‌های وظایف انسانی خود در قبال جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنیم. ما همه مسئولیم؛ همانطور که تاثیر می‌پذیریم. فقط زمانی که دغدغه و حساسیت‌های ما به آسیب‌ها همه گیر شود می‌تواند امیدوار بود به کم رنگ کردن آنها. اگر بخواهم چکیده‌ی تجارب خود را بیان کنم باید بگویم که ما باید به ریشه‌ها برگردیم. توانمندسازی مادران یا پدران با ایجاد زمینه‌های اشتغال پایدار، به‌جای اعانه‌ی غیرهدفمند، می‌تواند شروعی باشد برای از بین بردن عوارض اجتماعی کودکان کار و جلوگیری از عواملی که کودک را از کودکی و سلامت و بهداشت روانی و جسمانی دور می‌کند. بسیار خرسندم به عنوان عضوی از جامعه زنان ایران اعلام کنم بعد از چند سال تلاش و پی‌گیری و تحمل مشقت‌های فراوان، به زودی بنیاد توسعه کارآفرینی «صوراسرافیل» برای زنان سرپرست خانوار، شروع به فعالیت خواهد کرد. زنان شاکله‌ی اصلی بنیان خانواده هستند، زنان ما توانمند شوند، ریشه‌ی بسیاری از مشکلات جامعه ما خواهد خشکید. به امید روزی که زنان و کودکان این سرزمین به‌جای گرفتار شدن در شرایطی سخت، گرما بخش محفل خانواده و یاری رسان اعتلای فرهنگ و اقتصاد کشور باشند.





## در میزگرد صور اسرافیل بررسی شد

## وکالت در اخمءاء، حذف آزمون

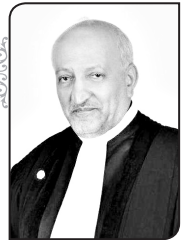


با افزایش روز افزون فارغ التحصیلان رشته حقوق از طریق موسسات و مراکز علمی مختلفی که همخوانی نزدیکی در سطح علمی ندارند، تقاضای این فارغ التحصیلان در جهت کسب حرفه وکالت از مراکز ذی ربط به نحوی فزاینده و بی‌برنامه رو به رشد است. به همین خاطر در دو جهت چه آنهایی که به عنوان وکیل مشغول به کار هستند و چه آنهایی که در مسیر آن هستند از برخی از رفتارهای نهادهای مربوطه انتقاد دارند و این نهاد ها را عاملی برای این چالش‌ها می‌دانند. یکی از این چالش‌ها که در این چند سال اخیر بسیار مورد مناقشه بوده است میزان ظرفیت پذیرش کارآموزان وکالت و همچنین به نوعی حذف آزمون ورودی آن. بدون شک اجرایی کردن چنین خواسته‌هایی نتایج گسترده‌ای را به دنبال دارد که هم کانون و هم جامعه حقوقی و وکالت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین منظور در جهت پاسخ به این مسائل صوراسرافیل با نئی چند از وکلا و حقوقدانان گفت‌وگویی انجام داده است که از نظراتان می‌گذرد.

## شیلان خاکی

افزایش ظرفیت‌های کانون وکلا در پذیرش کارآموز و وکالت چه تبعات مثبت و منفی در پی خواهد داشت؟

با توجه به واکنش گسترده کمپین حذف آزمون کارآموزی وکالت به نظر شما چه راهکاری برای پاسخ به مطالبات فارغ التحصیلان حقوق و این سبیل عظیم آزمون کارآموزی وکالت هست؟



## اسدالله اسلامی

رئیس کانون وکلای استان اصفهان

اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا اساسا ما نیازمند این همه فارغ التحصیل حقوق هستیم؟ آیا حد و مرزی برای تعیین و پذیرش این همه فارغ التحصیل حقوق است؟ در این ایده اساسی و نهایی هر خانواده باید یک وکیل داشته باشد آن وقت شاید بر اساس آن ممکن است قابل توجیه باشد اما در وضعیت فعلی و پاسخی که به مشکلات فارغ التحصیلان رشته حقوق به نظر من تنها حذف حد و مرز و برداشتن آزمون وکالت نیست راهکاری در حد مرز در این موضوع وجود دارد، اولاً وکالت را الزامی کنند که در آن صورت نیاز به وکیل است و کانون‌ها می‌توانند تامین کنند پذیرش بیشتری داشته باشند. ثانیاً زمینه آموزش را فراهم کنند یکی از مسائلی که اساساً شاید مردم به‌طور عموم اطلاع نداشته باشند و حتی بعضی از خواص ما هم ناآگاه هستند امکانات آموزشی است و کسی که در آن امتحان ورودی قبول می‌شود بایستی آموزش طی شود و این امر لازمی است و حدود ۶۵ سال پیش تصویب کردند کسی که می‌خواهد دفاع کند از حق مردم باید توانمندی لازم را داشته باشد یک قسمت از آن در کانون انجام می‌شود اما کانون از تمام امکانات استفاده می‌کند، اما عمده آموزش آنها در محاکم است آیا محاکم ما این امکانات را دارند؟ این توانمندی را دارند؟ می‌توانند این همراهی را داشته باشند؟ که مثلا در امتحان ورودی کانون اصفهان که بیش از ۳۰۰۰ هزار نفر شرکت کننده دارد، ما امتحان را برداریم و حد مرز را برداریم و بگوییم هر ۳۰۰۰ نفر آیا می‌توان همه را آموزش داد آیا می‌شود از امکانات برای این قضیه استفاده کرد؟ بنابراین اولین مطلبی که وجود دارد توسعه امکانات آموزشی است برای آموزش و ایجاد زمینه اشتغال واقعی و دیگر استفاده از فارغ التحصیلان رشته حقوق در سازمان‌ها از بنگاه‌های معاملاتی در هر جایی که امر حقوقی وجود دارد و نیاز به مشاور است می‌توان از آن استفاده کرد و این نیاز به برنامه‌ریزی دقیق تر و کار کارشناسی دارد که بتوان مشکلات این

## ایران زمین

طرح را مطرح کردند از حرفه وکالت و شغل وکالت و جایگاه وکالت است واقعا بی توجهی به این که مسئله در حال حاضر ممکن است اثرات و تبعات بسیار خطرناکی به وجود بیاورد از زمانی که اصلا دادگاه بدون حضور وکیل شاید بتواند بهتر رسیدگی کند بنابراین برای مشکل و رفع این قضایا راهکارهای دیگری وجود دارد می‌توانند بررسی دقیق تری بکنند و کار کارشناسی بکنند اگر با الزامی کردن وکالت در سطح جامعه این عمل در واقع توجه شود، کانون‌ها این آمادگی را دارند بتوانند پذیرش بیشتری داشته باشند. اگر بحث وکالت خانواده به طور دقیق اجرا بشود می‌تواند به طور موثر و مفید باشد ولی در حالی که هیچ کدام از این زمینه‌ها وجود ندارد پذیرش همه فارغ التحصیلان حقوق تریب و تشویق می‌شوند به حرفه وکالت در واقع اگر فارغ التحصیل بیکار است فردا تبدیل به وکیل بیکار می‌شود و وکیل بیکار بسیار خطرناک تر از فارغ التحصیل بیکار خواهد شد.

پیرامون آثار مثبت افزایش؛ تامین وکیل برای مردم از حقوق اساسی می‌باشد در اصل ۳۵ قانون اساسی اشاره شد حق مردم است در دعوی بتوانند از وکیل استفاده کنند اگر توانایی مالی هم ندارند حکومت بتواند برای آنها تامین کند اما برای اجرایی شدن این اصل بستر آن و ملزومات و آثارش باید فراهم باشد. همین تعداد وکیل هم در واقع رو به افزایش بوده با وکیل بیکار هم کم روبرو نیستیم. اگر بجایی برسیم که هر خانواده‌ای یک وکیل دادگستری در واقع داشته باشد یقینا بسیاری از مشکلات و مسائلی که مردم رو به‌رو هستند و در محاکم طرح دعوا می‌کنند با وجود وکیل دادگستری از این آثار جلوگیری می‌شود و تبعات بسیار کمتری دارد اما لازم‌هاش این است که اولاً فرهنگ وکالت در جامعه ترویج شود که امروزه در بیشتر رسانه‌ها از جمله رسانه ملی ما نه تنها ندایی و از ترویج وکالت نیست بلکه با استنباط‌های بسیار اشتباه در مورد این قضیه چهارم‌ای غیرواقعی از وکیل نشان داده می‌شود و این خطرناک است ولی اگر برخورد درستی شناخت درستی از حرفه وکالت شود و از همین رسانه‌ها برای ترویج فرهنگ وکالت اقدام بشود می‌تواند اثر گذار باشد زمینه فراهم باشد که مردم امروز با توجه به تخصصی شدن بسیاری از مسائل قطعا در امورات حقوقی شان باید به اشخاص متخصص روبرو بشوند و برخورد کنند و استفاده کنند این می‌تواند از آثار بسیار مثبت آن باشد نه تنها در آنجا بلکه در بسیاری از سازمان‌های و بنگاه‌های معاملاتی و غیره قابل استفاده هستند نیاز به برنامه‌ریزی و هماهنگی است. پس دو وضوح می‌تواند موثر باشد یکی الزامی شدن وکالت و دیگری ترویج فرهنگ وکالت. جامعه‌ای که از خدمات حرفه وکالت استفاده می‌کند از آسیب‌های اجتماعی کمتری برخوردار هست و نظم و انضباط و رعایت حقوق مردم و در نهایت اجرای عدالت موثر است.



## مسیح‌الله میرزایی

دادستان انتظامی کانون وکلای دادگستری اصفهان

مخالفت کانون‌های وکلای دادگستری به افزایش ظرفیت مربوط می‌شود با شرایط فعلی و حال حاضر کل جامعه و ساختار دادگستری و کانون‌های وکلا بحث کاهش ظرفیت مطرح نیست بستر برای جذب افراد بیشتر از این فراهم نیست. نه در دستگاه قضایی و نه در کانون‌های وکلای دادگستری بحث انحصار و حفظ منافع شخصی وکلا مطرح نیست. در خصوص کمپین حذف باید تاکید شود آزمون یک امر قانونی است و این کار در واقع مقابله با قانون است، قانون حذف شود تا کانون‌ها بپذیرند اما با پذیرش این مسئله این نکته وجود دارد که به سطح علمی توجهی نمی‌شود آسیب‌هایی به وجود می‌آید، معلوم نیست با ظرفیت بیشتر که معضل تکلیف حضور کارآموز در محاکم و شرکت در جلسه دادرسی چگونه حل می‌شود؟

افزایش ظرفیت کانون وکلا و پذیرش کارآموزی از منظرهای مختلفی قابل بحث می‌باشد خوشبختانه‌ترین فرض آن این است که طراحان و مدافعین این بحث در صدد حل یک مشکل اجتماعی یعنی همانا مواجه بودن با انبوه فارغ التحصیلان حقوق که البته به وجود آمدن این مشکلات اجتماعی مسببان کسانی دیگر هستند اما باید توجه داشت که تنها بحث افزایش ظرفیت مطرح نیست مطالب دیگری هم به دنبال این بحث مطرح شده و قابل توجه هست و کانون‌های وکلای دادگستری هم به آن

توجه دارند اگر که افرادی که از این بحث و از این طرح دفاع می‌کنند به مسئولیت کانون‌های وکلا دادگستری و به‌طور خاص مسئولیت وکیل دادگستری در انجام امر وکالت توجه نداشته باشند بی‌تردید هیچ کس نمی‌تواند مدافع یک چنین طرحی شود مسئولیت وکیل دادگستری در امر وکالت و پذیرش وکالت از طرف مردم مسئولیتی است که با هیچ اسم و مسئولیتی با هیچ نهادی قابل مقایسه نیست جان و مال و ناموس مردم در گرو کار یک وکیل دادگستری است. بنابراین کسانی که ندانسته و بدون توجه به این مسئولیت یک چنین مسئله‌ای را مطرح می‌کنند غافل‌اند از اینکه سپردن این حقوق مردم این جان و مال مردم در دست افرادی که بدون توجه و بدون طی مراحل مختلف کارآموزی می‌سپارند، می‌تواند تبعات بسیار زیادی را در سطح جامعه ایجاد کند و خودش بعداً به مشکل برخورد. کانون‌های وکلای دادگستری بنیاد کارایی نیست و مدافعان این موضوع و این طرح را توجه کنیم، دقیقا بی می‌بریم که آنها اصلا تلقی‌شان از کانون وکلای دادگستری یک امر دیگری است و شبیه مشاغل دیگری بی‌توجه به وظیفه و مسئولیت‌هایی که کانون وکلا و وکلای دادگستری دارند بنابراین اساساً طرح موضوع افزایش ظرفیت کانون وکلای دادگستری مطرح نیست افزایش یا کاهش مطرح نیست.

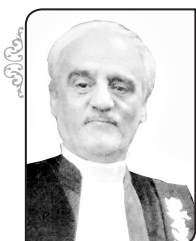


## محمدعلی پورمختار

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

در حال حاضر به جهت نیازمند بودن به تعداد بیشتر وکیل و با توجه فرم کشورهای پیشرفته طبیعتاً تعداد بیشتری از وکیل باید جذب شود که دسترسى آنان تر متقاضیان به وکیل فراهم شود که این موجب کمک به مردم خواهد شد ولی از طرف دیگر ممکن است این آسیب را داشته باشد که بخاطر اینکه حضور وکیل الی در برخی موارد خاص الزامی نیست باعث بیکاری وکلایی بشود که پروانه می‌گیرند و وقت صرف می‌کنند و آزمون می‌دهند و بعد هم پرونده نداشته باشند پس در کنار آن ما بایستی موضوع الزامی شدن وکالت را که بتواند تبعات منفی جذب زیاد و پروانه زیاد وکیل را منتفی بکند در دستور کار قرار بدهیم که در دستور کار کمیسیون قضایی مجلس هم است که امیدوارم با همسازان بکنیم یعنی هم سطح مراجعه به وکلا را افزایش بدهیم و هم سطح دخالت وکلا را در پرونده‌ها ارتقا بدهیم این موجب می‌شود که ما آثار منفی که می‌تواند ناشی از کاهش تعداد پرونده‌ها و کاهش درآمد وکلا شود را از بین ببریم و این را تبدیل کنیم به یک نقطه قوت و مثبت.

بنابراین حذف آزمون نیست و البته این کمپین هم می‌تواند از سوی کسانی باشد که فارغ التحصیل رشته حقوق هستند و بیکار هستند و فکر می‌کنند اگر بیایند وکیل بشوند مشکلاتشان برطرف خواهد شد غافل از اینکه این آزمون در درجه اول در واقع سنجشی است برای توانمندی علمی و آگاهی‌های مختلفی که یک وکیل در مقام دفاع از موکل باید در دادگاه داشته باشد اگر وکیل سواد کافی نداشته باشد و از این فیلترهای آزمون و مصاحبه گذشته باشد مطمئناً در انجام وکالت اش ناموفق خواهد شد و شکست خواهد خورد که اثر و تبعات آن از حیث اعتباری و حیثیتی خیلی بیشتر هست تا اینکه چند مدتی را وقت بگذارد و بخواند و آماده بشود که در آزمون قبول بشود پس موضوع آزمون این حسن را خواهد داشت که به جای خود باقی است.



## عبدالوهاب شهبازی

رئیس کانون وکلای استان مرکزی

تا قبل از سال ۱۳۷۶ که قانون کیفیت اخذ پروانه تصویب بشود کانون‌های ایران سه کانون بیشتر نبود یک کانون مرکز تحت عنوان کانون تهران یکی کانون منطقه فارس

و سومی کانون آذربایجان شرقی و همه کانون‌های ۲۵گانه زیر مجموعه کانون مرکز و تهران بودند آن زمان وظیفه‌های نداشتند همه ساله آزمون بگیرند این نیاز توسط هیات مدیره مطرح می‌شود با توجه به رشد جمعیت شهرها و استان‌ها افراد را انتخاب می‌کردند. از سال ۱۳۷۶ با قید تبصره ماده یک که عنوان کردند کانون‌ها همه ساله مکلف‌اند یک آزمون برگزار کنند تا اینجا هم باز زیاد مشکلی وجود نداریم که بگویند با توجه به نیازی که توسط یک کمیسیون مطرح می‌شود پس اولاً رشد جمعیت همین‌طور که بالا می‌رود جامعه به وکیل بیشتر نیاز دارد همین‌طور که به پزشک و مهندس نیاز دارد اما اگر این تعادل برقرار نشود همیشه دچار افراط و تفریط هستیم در همین زمینه هم همین‌طور بنابراین وقتی در این قانون می‌آید مطرح می‌شود که این طرح می‌کند و آن کمیسیون هم‌طور که بالا می‌رود جامعه به وکیل بیشتر نیاز دارد همین‌طور که به پزشک و مهندس نیاز دارد اما اگر این تعادل برقرار نشود همیشه دچار افراط و تفریط هستیم در همین زمینه هم همین‌طور بنابراین وقتی در این قانون می‌آید مطرح می‌شود که این طرح می‌کند و آن کمیسیون نقره که دو نفر رئیس کل دادگستری هر استان و رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب و رئیس کانون پس اولاً ما در تصمیم‌گیری در اقلیت قرار داریم پس همه ساله در خرداد ماه همه کانون‌ها با تشکیل جلسه‌ای که در حقیقت متشکل از این سه عضو هست میزان این نیاز را با توجه به رشد جمعیت مشخص می‌کند، اما آنچه این تعادل را بهم زده این نیست ما برابر با رشد جمعیت اگر وکیل مدافع در اختیار مردم قرار بدهیم ما ایرادی به این وضعیت نداریم. ایراد ما با دانشکده‌های حقوقی است که وزارت علوم دارد در هر روستا و بخش و هر شهر و شهرستان بدون کار کارشناسی اجازه پذیرش می‌دهد آن هم دانشکده‌هایی که آزمون ورودی ندارند این بدترین آسیب ماست مگر ما نباید شایسته‌سالاری داشته باشیم مگر دانشجوی حقوق از ابتدایی که وارد دانشکده می‌شود و حداقل برای کارشناسی باید ۱۴۶ واحد تخصصی پاس کنند. اولاً اگر بدون کنکور وارد نشود این آسیب اولیه ممکن است به وجود بیاید که بیشتر جوانان به جهت مشکل عزیمت به سربازی بروند ثبت‌نام کنند و دیگر جاذبه کاذب شغل وکالت و پرت درآمد است و اصرار دانشکده‌ها با تبلیغات فراوان بر ثبت‌نام در دانشکده‌هایی که یک فرد تحصیل کرده و دکتری ندارد و لیسانس را درس می‌دهد و فوق لیسانس ندارد شهری که با مرکز استان ۷۰ کیلومتر فاصله دارد کدام استاد محرب و تحصیل کرده در دانشکده‌های جزا و حقوق مدنی و تجارت می‌تواند، تدریس بکند کمیسیون با هماهنگی هر استانی به میزان رشد جمعیت وکیل بگیر رودهای فراوانی را از کوه هدایت کنیم به آن سد اگر تاب و توان نداشته باشد یا سرریز می‌کند یا سد را می‌شکند، نه پاک خواهد ماند و نه پاک نشان بنابراین تعادلی بین فارغ التحصیلان ما نیست خود به خود این مسئله وجود می‌آید که تنگ نظری در کانون‌ها یا می‌گویند که تعداد ظرفیت را چسرا بیشتر نمی‌کنید یا می‌گویند کنکور را چسرا بر نمی‌دارید باید از این افراط و تفریط دست برداریم تا بتوانیم یک دانشکده‌های حقوق ما با مجوز قانونی تشکیل می‌دهند با توجه به جمعیت شهر و تامین استاد باشد که دانشجوی فارغ التحصیل توان علمی درک اصطلاحات حقوقی را داشته باشد حالا بیاید در کنکور شرکت کند چرا که شایسته‌سالاری است و شخصی که پذیرفته می‌شود. ما خوشحالییم که کانون وکلا حداقل ۱۸ ماه برای کارآموزی که بعضی زمان‌ها به ۲۴ ماه هم می‌رسد برای فارغ التحصیلان یعنی کسانی که در آزمون یک بار یک دول علمی را بر گزار کردند قطعاً این وضعیت که وجود دارد چیز مثبتی در آن نیست و معتقدم این روش تا حدی باید کار کارشناسانه بشود و تعادل باشد تا انشالله جوانان آنان شایسته هستند وارد این رشته شوند. همان‌طوری که یک پزشک با جان مردم سرو کار دارد وکیل دادگستری به مراتب با جان مردم و آبرو و شان مردم ارتباط مستقیم دارد پس کار و هدف‌اش والاتر است که نیازمند دقت عمل بیشتری جهت پذیرش می‌باشد. که توانایی علمی بیشتری داشته باشند که بتوانند خدمت درستی به مردم ارائه دهند

این افراد تبعاً تحریک شده افرادی در دنیای مجازی هستند جوانان بدانند که این کار در دراز مدت به صلاحشان نخواهد بود که با حذف کنکور بیایند پروانه وکالت بگیرند قطعاً خودشان هم ضربه خواهند خورد غلش آن است که وقتی شخصی بی‌سواد باشد و نتواند از مولکش دفاع کند اولین شخصی که با او برخورد می‌کند مولکش است دومین شخص منهای وجدان سیستم قضایی و قضات هستند من اگر بگویم، می‌توانم ادبیات فارسی را تدریس کنم باید به اندازه‌ای به فرهنگ و ادب ایران احاطه داشته باشیم. در عالم حقوق این تبحر باید بیشتر باشد این افراد که تحت عنوان احساس زود گذر مسئله‌ای را مطرح می‌کنند، اگر حمایت مسئولین نباشد نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت چراکه امری است ناشدنی که تبلیغ می‌کنند و این برای جامعه ما خوشایند نیست.





# رون و پذیرش بی حصر



**حسن صرام**  
نایب رئیس کانون وکلای اصفهان

کلیت از آنجایی که براساس قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت در سال ۱۳۷۶ برای جذب کار آموز وکالت ظرفیت برای کار آموز کانون‌های وکلا تعیین شد و تصویب این قانون در مجلس شورای اسلامی به لحاظ محدودیت ظرفیت‌های دستگاه قضایی برای خدمت دهی به وکلای دادگستری بوده به نظر می‌رسد طرح مطالبی که در رسانه‌های جمعی در خصوص افزایش ظرفیت پذیرش کارآموز وکالت مشکل را مرتفع نمی‌کند در حال حاضر متاسفانه در بسیاری از محاکم حتی میسر مطالعه پرونده برای وکیل دادگستری وجود ندارد و وکیل برای گرفتن یک پرونده از بایگانی دادگاه‌ها و مطالعه پرونده‌هایی که بعضا صدها صفحه حجم دارد می‌بایست از زانوی خود به جای میز وکالت استفاده نماید بنابراین افزایش ظرفیت وکیل در حالی که ظرفیت‌های لازم در دادگستری وجود ندارد و از طرف دیگر امکان آموزش کارآموزان بارعبایت استانداردهای علمی و عملی در کانون‌ها ممکن نیست امری کارشناسانه نیست.

اول بایستی ببینیم وظیفه وکیل دادگستری چیست ؟ تا براساس آن بسنجیم آیا افزایش تعداد متقاضیان این حرفه و یا افرادی که به این حرفه وارد می‌شوند به چه میزان بایستی محاسبه شود اگر که توجه کنیم که افراد جامعه وقتی که جان مال و ناموس یا آبروی خود دچار خطر می‌شوند به وکیل دادگستری به عنوان یک حمایت گر کسی که از حقوق و ارزش‌های آنها به خوبی دفاع می‌کند مراجعه کند از یک طرف وظیفه دیگر وکیل دادگستری که نظارت بر حسن اجرای قانون در جامعه است از طرف دیگر توجه کنیم می‌بینیم که این شغل جایگاه خاص خودش را دارد افزایش ظرفیت نسنجیده کارآموزان اثر بسیار مخربی به حقوق مردم در جهت احقاق حق از یک طرف و سلامت دستگاه قضایی وکالت و کارآموزان وکالت باید با ۱۸ ماه کارآموزی در جلسات رسیدگی محاکم شرکت و از این جلسات گزارش تهیه تا آداب رسیدگی صحیح و دفاع را فرا گرفته و باید در نزد وکلای سرپرست آداب و تجربه وکالت را کسب و در جلسات کارآموزی آموزش‌های کاربردی حقوقی را فرا بگیرند، تمام این سه قسمت برای آموزش ظرفیت‌های محدودی دارند و اگر بیش از این ظرفیت‌ها جذب شوند و با دادن پروانه به افراد فاقد توان و تجربه اقدام گردد کارچاق کنی به جای وکالت و تضییع حقوق مردم توسعه یافته و فساد در دستگاه‌های قضایی و اداری کشور فزونی می‌یابد به نظر می‌رسد فساد افزایش ظرفیت کارآموزان وکالت از فساد فارغ‌التحصیل بیکار بسیار بیشتر باشد.



**سید جواد میر معصومی**  
رئیس کمیسیون روابط عمومی کانون اصفهان

یک اصل منطقی می‌گوید که مطروف بایستی متناسب با ظرف باشد دریک اصل مالی می‌گویند دستکاری در قانون عرضه و تقاضا همیشه باعث تورم میشود وکالت دادگستری یک حرفه خاص مانند حرفه قضاوت است آیا می‌توان درحالی قضاوت را باز کنیم و بگوییم محلی باشد برای جذب فارغ‌التحصیلان حقوق؟! قطعاً جواب خیر است. حتما باید گزینش‌های علمی و عملی در غالب آزمون‌ها و اختبارات موجد ورود حقوق دانان نخیه و صالح را به حرف شریف شوند چرا که در حرفه وکالت و قضاوت با جان، مال و آبروی انسان‌ها سر و کار دارند قطعاً نگاه تجاری به حرفه وکالت یک نگاه غیرحرفه‌ای است و باز هم عرض می‌کنم باعث دستکاری در قانون عرضه و تقاضا و قطعاً باعث تورم می‌شود نتایج حاصل از تورم در دنیای اقتصاد را همیشه و همگان شاهد آن هستند.



**پیمان توفیقی بروجنی**  
وکیل دادگستری

در زمان ورود دانشجویان حقوق به این رشته هیچ ضابطه و ظرفیت و اصولی وجود ندارد و فارغ‌التحصیلان حقوق از آن دانشگاه‌های متنوع فارغ‌التحصیل می‌شوند، آنان همه نمی‌توانند نخیه در علم حقوق باشند بلکه تعداد محدودی هستند. مثل علم پزشکی نیست شما در رشته های پزشکی و در خلبانی در بدو امر یک محدودیت پذیرش وجود دارد این محدودیت پذیرش باعث می‌شود نخیه‌ها از همان اول بیایند و بعد هم پروانه کار هم می‌گیرند. چرا که از اول فیلتر شده‌اند اما در بحث حقوق بدین گونه نیست و هرکس تمایل داشته باشد می‌تواند لیسانس حقوق بگیرد و این نمی‌تواند صلاحیت شما را به حرفه وکالت که با جان مردم ارتباط دارد ربط بدهد. قوه قضاییه با انبوهی از پرونده‌ها مواجه است، قضاوت به نظر من شغل آسان تری است چرا قاضی جذب نمی‌کنند؟ چون بار مالی برای دولت دارد تنها شغلی که بار مالی ندارد و تبدیل می‌کند حقوق دان بیکار رو به وکیل بیکار وکالت است و آماری برای خودش که وجود می‌آورد و یک نمودار رسم می‌کنند و می‌گویند ما این تعداد افراد را از بیکاری به اشتغال رساندیم و به خودشان می‌بالند. این اشتغال واقعی نیست به نظر من این عمل منجر به نابودی حرفه وکالت خواهد شد از هر نظر که بخواهید به آن نگاه کنید.



**امیر باقریان**  
وکیل دادگستری

با تصمیم‌گیری‌های غلط در ادوار گذشته الان حدود ۴۳۰ دانشکده حقوق در ایران وجود دارد با حدود ۲۵ هزار فارغ‌التحصیل ما وقتی آزمون وکالت سال ۱۳۹۵ را ارزیابی و تحلیل کنیم می‌بینیم که تراز که داوطلبین به دست آوردند اگر ظرفیت وکالت که مورد سوال است که آیا می‌توان آن را افزایش داد؟ بله می‌توان افزایش داد ولی اگر افزایش داده بشود با اندک افزایشی کسانی که آن طراز بسیار پایین را به دست آوردند که تراز بسیار زیر شش و نیم بوده باعث می‌شود این افراد قبول بشوند و وارد جامعه وکالت بشوند. با یک مثال شروع می‌کنم این قضیه را که ما زمانی تیشو و ضربه به آموزش زدیم که معلمین حق تدریس را وارد سیستم آموزشی کردیم کسانی که قرار بوده نسل آینده رو تربیت کنند و آموزش اثراتش را بعدا در اقتصاد سیاست فرهنگ این جوان‌ها خواهد گذاشت ما معلمان حق تدریس با این شیوه جذب و آموزش را پذیرش کردیم. قطعاً اگر کانون وکلا پنجاه وکیل را آموزش دهد با توجه به اینکه بودجه‌اش را از خودش تامین می‌کند و یک ظرفیت محدودی دارد برای آموزش و خدمات رسانی بهتر از این است که تعداد زیادی وکیل را آموزش بدهد با کیفیتی که مشخصاً تعداد زیاد و با این وضعیت ایجاد خواهد کرد بنابراین ما باید توجه داشته باشیم که بحث ظرفیتی که ما اعلام می‌کنیم چرا باید اجازه بدهیم و به هر حال تالی فاسدی که ایجاد خواهد کرد.



**آزیتا مشک افشار**  
وکیل دادگستری و رئیس کمیسیون بانوان کانون وکلای دادگستری اصفهان

افزایش بی‌رویه دانش‌آموختگان رشته حقوق از مؤسسات و دانشگاه‌هایی که از استانداردهای علمی لازم برخوردار نیستند؛ بسر هیچ کس

پوشیده نیست که این افزایش بی‌رویه با توجه به این که فکری برای جذب و استفاده از این سرمایه‌های ملی نشده است چه آثار زیان بار و جبران ناپذیری را در پی داشته و دارد. تعدد مراکز جذب وکیل و مشاوران حقوقی، با توجه به آن که نهادی موازی کانون‌ها به نام مرکز مشاوران حقوقی قوه قضاییه وجود دارد که از کیفیت آموزشی لازم همانند کانون‌های وکلا برخوردار نیست و نتایج منفی و زیانبار آن به قدری زیاد بوده است که این امر متوقف گردیده ولی اخیراً زمره‌هایی احساس می‌گردد جهت احیاء این نهاد موازی و یا ادغام کانون‌های وکلا با این مراکز، اجباری نشدن وکالت، سخن از حذف آزمون وکالت و افزایش ظرفیت‌های جذب وکلا که آثاری به مراتب مخرب‌تر به دنبال دارد. همه‌های متعدد به وکلا از طریق رسانه‌های جمعی چون رادیو و تلویزیون، تحفیف و تضعیف نقش وکلا بین مردم درحالی‌که در سراسر دنیا احترام و اهمیت ویژه برای وکلا قائلمد. افزایش بی‌رویه دانش‌آموختگان حقوق از طریق مراجع و دانشگاه‌های غیر علمی و غیراستاندارد و انبوه فارغ‌التحصیلان این رشته و عدم جذب این نیروها و سرمایه‌های ملی و کمبود امکانات چاره‌اش افزایش ظرفیت های پذیرش کانون‌های وکلا نیست. وکالت حرفه حساسی است، اگر شخصی از مراکز علمی معتبر فارغ‌التحصیل نگردد در نتیجه توانایی‌های علمی لازم را کسب نکرده باشد آیا می‌توان به او مجوز داد که برود از حق ، جان ، مال مردم دفاع کند؟ مسلماً خیر .

آیا هر لیسانس حقوقی می‌تواند وکیل شود، آن هم بدون آزمون و عدم برخورداری از توانایی‌های علمی و عملی لازم؟ اگر این‌گونه باشد نظم قانونی و دفاعی جامعه به هم می‌خورد و مخدوش می‌گردد. در حال حاضر دانشگاه‌هایی در کشور وجود دارد که بدون آزمون ورودی یا کنکور اقدام به جذب دانشجوی رشته حقوق می‌کنند، امکانات آموزش لازم از جمله اساتید فن را در دسترس و اختیار ندارند جهت آموزش، حال تصور کنیم با این شرایط غیراستاندارد بدون آزمون ورودی نیز جذب گردند؟ ببینید چه آثار و تبعات منفی به دنبال خواهد داشت، مردم به جهت تخصص و دانش حقوقی وکلا به او اجازه دفاع از حقوقشان را اعطا می‌کنند، در نظر بگیرید چه وضعیت نابه سامانی بر جامعه حقوقی و ساختار و نظام قانونی حاکم می‌شود، و این کار تضییع حقوق مردم و جامعه است. صرف حذف آزمون وکالت به منزله تیر خلاصی به پیکره جامعه وکالتی کشور و پایان حیات نظام نیمه‌جان وکالت می‌باشد. صرفنظر از موارد یاد شده این ظرفیت را طبق قانون هیات سه نفره متشکل از ریاست دادگستری استان، ریاست شعبه اول دادگاه انقلاب و ریاست کانون استان، مشخص می‌کنند، ملاحظه می‌فرمایید در این هیات اکثریت با قوه قضاییه می‌باشد نه کانون‌ها. کانون وکلا تنها نهاد جذب فارغ‌التحصیلان حقوق نیست، کانون سرفدتران اسناد رسمی و قوه قضاییه با کمبود دفاتر اسناد رسمی و کادر قضایی مواجه اند، چندین سال پیاپی آزمون سرفدتری جهت جذب نیرو برگزار نمی‌گردید، راه حل همه مشکلات تحمیل بر کانون‌های وکلا نیست. کانون‌های وکلا به یک طرف، از طرف دیگر با تضییع حقوق مردم چه می‌خواهند کنند؟!



**محمد رضا قاسمی**  
وکیل دادگستری

هر عقل سلیمی حکم می‌کند که میزان عرضه می‌بایست، برابر تقاضا باشد و هرزمان این تعادل برهم بخورد قطعاً اشکالاتی به بار می‌آورد که شغل وکالت نیز از این رابطه مستثنا نیست و چنانچه حوزه‌های، بیش از ظرفیت مورد نیازش وکیل پذیرش کند هرچند به ظاهر برای لیسانسیه‌های حقوق اشتغال‌زایی شده لیکن در واقع همین نسبت بر وکلای بیکار افزوده است به عبارت دیگر از واژه لیسانسیه بیکار رهایی یافته‌ایم و درگیر واژه وکیل بیکار شده‌ایم با این تفاوت که با دست خودمان ابزار ورود به پرونده‌های مردم و ایجاد فساد را به وی داده‌ایم به‌علاوه بالا بردن ظرفیت کانون‌های وکلا به منزله پذیرش افراد بیشتر با نمره‌های پایین‌تر است و حتی اگر معطل بیکاری وکیل هم چشم‌پوشی کنیم باز هم مشکل بزرگتری تحت عنوان بی‌سوادی وکیل مواجه خواهیم شد وکیل که توان علمی

دفاع از موکل را نداشته و با علم نداشته اش موجبات به یغما رفتن حقوق موکل را فراهم می‌نماید.



**محمد کاظم عمارتی**  
وکیل دادگستری

ظرفیت پذیرش کارآموز وکالت در هر استان، همه ساله در کمیسیون تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۷ فروردین ۷۶ توسط دو نفر نماینده عالی‌رتبه دستگاه قضایی و رئیس کانون وکلای دادگستری آن حوزه، با نظر جمعی و لحاظ نیاز و امکانات دو طرف تعیین می‌شود؛ فرض بر این است در تعداد که توسط این کمیسیون، در نظر گرفته شود کارشناسی شده است و تبعات ناخوشایندی ندارد.

مطالبه معترضین در کمپین، صرفنظر از اهداف پشت پرده گردانندگان و سوءاستفاده‌ی آنان از احساسات جوانان، حذف آزمون نیست؛ زیرا بدیهی است علاوه بر الزام قانونی، ورود به حیطةی دفاع از حقوق مردم و احراز منصب وکالت که صرفاً شغل و دارای جنبه‌ی انتفاعی محسوب نمی‌شود، بدون احراز صلاحیت علمی، معقول و ممکن نیست. اعتراض‌ها ظاهراً، نسبت به وجود ظرفیت در پذیرش است که چنان که عرض کردم، این موضوع نیز تکلیف و تشخیص قانونگذار است. معترضین مدعی هستند باید ظرفیت حذف شود و هر شرکت‌کننده‌ای با کسب نصاب مشخصی از نمره، قبول محسوب شود. صرفنظر از این که این پیشنهاد، غیر کارشناسی و به ضرر شرکت کنندگان است؛ زیرا تعدادی از شرکت کنندگان ، به اعتبار وجود ظرفیت پذیرفته می‌شوند؛ اصولاً باید توجه داشت که راهکار حل مشکل بیکاری فارغ‌التحصیلان حقوق، تحمیل فله‌ای این سیل نیم میلیونی به کانون‌های وکلا نیست. حتی مسئولانی که قوه قضاییه که از این ادعاهای حمایت می‌کنند، می‌دانند شاخص تعداد وکلا به تعداد قضات، محاکم و پرونده‌ها باید متناسب و بستر کارآموزی، فراهم باشد. بنابراین راه حل‌های اصلی چون همکاری قوه قضاییه و سازمان ثبت اسناد و املاک، برای رفع توقف پذیرش متقاضیان سرفدتری اسناد رسمی و برداشتن انحصار از آن است که ده سال است به دلایل نامعلوم، آزمون آن برگزار نمی‌شود، دوم، الزامی شدن وکالت در تمامی دعاوی و مراحل رسیدگی، می‌تواند راه را برای پذیرش بیشتر فراهم کند. سوم، محدود نمودن محل تامین نیاز قضات، به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و تسهیل شرایط جذب وکلای متقاضی منصب قضاوت در قوه قضاییه. چهارم، الزام دولت به استفاده از وکلا در حل و فصل اختلافات و نیز جذب و استخدام کارشناسان حقوقی . پنجم، حذف ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون

وکلای دادگستری که اجازه وکالت به قضات و کارشناسان حقوقی بازنشسته را بدون شرط سنی و آزمون داده است. ششم، در نهایت برای حل ریشه‌ای می‌بایست وزارت علوم، با نظارت بیشتر، پذیرش‌های رشته‌ی حقوق را در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی که قریب به اتفاق آنان، به هیچ وجه از حداقل شرایط علمی استاندارد آموزشی برخوردار نیستند و فقط فارغ‌التحصیل متوقع تولید می‌کنند، لغو و متوقف و از ایجاد فاجعه و سقوط ملت با این کیفیت آموزشی، پیشگیری کند.

**صوراسرافیل: با کمال تشکر از جناب دکتر «بهروز تقی خانی» که در فراهم آمدن امکان این میزگرد ما را یاری رساندند.**

## مهمترین تصمیمات هیات مدیره کانون قم

اهم مصوبات و تصمیمات هیات مدیره کانون قم در دو جلسه اخیر به شرح زیر می‌باشند.

۱- استماع گزارش ریاست کانون از جلسات برگزارشده با ریاست کمیته امداد امام خمینی (ره) و مدیرکل محترم سازمان امور مالیاتی استان قم و سرپرست بانک ملی استان قم و بررسی توافقات و تفاهات صورت گرفته فیما بین.

۲- گزارش ملاقات ریاست کانون با مسوولین حفاظت اطلاعات قوه قضاییه استان قم درخصوص تفاهات نامه نحوه ورود و خروج وکلا به دادگستری و استفاده از گوشی همراه که مقرر گردید پس از توافق نهایی با مرکز مشاوران و کانون کارشناسان و... مراتب را به اطلاع حفاظت اطلاعات دادگستری قم منعکس گردد.

۳- بررسی مشکلات ساختمان کانون با شهرداری و شرکت برق و... و تعیین آقایان دلشاد و افضلی جهت پیگیری امور.

۴- بررسی شرایط برگزاری جلسه مشترک هیات مدیره کانون ها و اسکودا با نمایندگان مجلس جهت رفع مشکلات قانونگذاری نسبت به امر وکالت.

۵- بررسی پیشنهاد اصلاح آیین کار اسکودا، ۶- بررسی نامه ریاست محترم اسکودا مبنی بر بومی گزینی در برخی کانون‌ها.

۷- بررسی مشکلات سامانه ابلاغ الکترونیک دادگستری (ثنا) و لزوم انعکاس مشکلات همکاران به دادگستری.

۸- تعیین جناب آقای افضلی به عنوان رابط و هماهنگ کننده جلسات با رییس کل دادگستری استان و دیگر مسئولین قضایی استان جهت انعکاس مشکلات همکاران و تعامل میان دو نهاد وکالت و قضا.

۹- تعیین اعضای کمیسیون ها و دادرسی انتظامی، ۱۰- تصویب تعیین مشاور امور مالیات جهت مشاوره به کانون درخصوص امور مالیاتی وکلا و کانون.

۱۱- موافقت با تفویض اختیار تعیین محل اشتغال وکالت در سطح استان به برترین کارآموز هر دوره اختیار پایه یک کانون وکلای قم.

۱۲- موافقت با صدور پروانه کارآموزی چندین نفر از پذیرفته شدگان آزمون وکالت ۹۵.

۱۳- تصمیم‌گیری در خصوص نقل و انتقال کارآموزان و وکلای پایه یک در سطح استان و کشوری.

«روابط عمومی کانون وکلای دادگستری قم»

## تایید شورای نگهبان بر آزمون وکالت

سیدمحمد جندی کرمانی پور، عضو هیات‌مدیره کانون وکلای مرکز اعتقاد دارد برگزاری آزمون وکالت به‌هیچ‌وجه مخالف قانون اساسی نیست که اگر بود شورای نگهبان آن را تایید نمی‌کرد.

کرمانی‌پور در رابطه با وضعیت برگزاری آزمون وکالت گفت: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت در سال ۱۳۷۶

به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس به تایید شورای نگهبان رسید. در آن قانون به صراحت آمده است که کانون‌های وکلای دادگستری مکلف هستند

هرساله آزمونی برای جذب متقاضیان برگزار کنند. صحبت‌های کسانی که مخالف وجود ظرفیت

پذیرش وکلا هستند، منطقی به‌نظر نمی‌رسد، زیرا نمی‌توان پذیرفت که هرکس تنها با یک‌لیسانس حقوق بتواند پروانه وکالت اخذ کند. اکنون که داوطلبان

شغل وکالت در معرض آزمون‌های علمی منسجم و نیز ۱۸ ماه دوره کارآموزی هستند، به‌نحو شایسته

در امر وکالت تبحر ندارند، چه رسد زمانی که همین آزمون‌ها نیز وجود نداشته‌باشد. کسانی که می‌گویند

برقراری آزمون خلاف قانون اساسی است، توجه ندارند که قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت به تایید شورای

نگهبان رسیده است. اگر این قانون خلاف قانون اساسی بود، شورای نگهبان آن را تایید نمی‌کرد. اگر کسی بخواهد آزمون

وکالت برداشته شود باید برود و قانون را اصلاح کند که در آن صورت نیز شاهد خواهیم بود که چه آشننگی

و هرج‌ومرجی بر سر جامعه حقوقی کشور خواهد آمد. «روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز»

## کارگاه آموزشی مالیاتی در کانون کرمان

نظر به اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و در ادامه برگزاری کارگاه‌های آموزشی، تخصصی و ارتقاء سطح علمی و عملی وکلا، دومین دوره کارگاه آموزشی مالیاتی با موضوع " نحوه تنظیم اظهارنامه‌های مالیاتی و قوانین مربوطه " برگزار شد.

این کارگاه توسط مدرس آقای عابدی، کارشناس و حسابرس امور مالیاتی، مدرس دوره های آموزشی قانون و مقررات مالیاتهای مستقیم و ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی کشور و عضو شورای عالی مالیاتی

مدیریت شد. در پایان دوره به شرکت‌کنندگان گواهینامه آموزشی دعای مالیاتی اعطاء شد.

«روابط عمومی کانون وکلای دادگستری کرمان»



# در دفاع از حقوق کودک کار



بررسی کار کودک از منظر روانشناسی

## نفسی که سنگین می‌زند



علی اکبر میصباحی  
روانشناس کودک

بی‌شک دوران کودکی، حساس‌ترین مرحله رشد آدمی است، لذا عدم توجه به این دوره و غفلت از آن لطمات جبران‌ناپذیری را در ابعاد فیزیولوژیک، عاطفی - روانی، متوجه فرد خواهد ساخت. با مرور تاریخ جوامع بشری درمی‌یابیم که در موارد متعدد، با درجات متفاوت و در جاهای مختلف کودکان همواره بخش وسیعی از قربانیان زیاده‌خواهی‌های بشر را تشکیل داده‌اند. از اشتغال به کارهای طاقت‌فرسا در کشاورزی و صنعت‌گری در جوامع سنتی گرفته تا تمیز کردن دودکش‌های کارخانجات در اوایل انقلاب صنعتی و به بردگی گرفتن و کارهای مخفیانه در جوامع توسعه‌یافته، همگی گناه محکمی بر این ادعاست.

البته در کنار غفلت، امتناع و اهمال کاری که نسبت به کودکان صورت گرفته در ادوار مختلف تاریخی، افراد، مجامع و نهادهایی را می‌توان مشاهده کرد که در دفاع از کودکان به مبارزه برخاسته و وضعیت آنان را دغدغه‌های ذهنی خویش قرار داده‌اند از این رو در سایه تحولات اجتماعی و... با کمربند شدن کمال‌های فردی، نهادهای حقیقی و حقوقی اعم از منطقی‌هایی، ملی و بین‌المللی مسولیت حمایت از کودکان و احقاق آنان را به دوش می‌کشند.

ناکار آمدی نظام جهانی و به تبع آن آسیب‌های ناشی از آن که متوجه کودکان می‌شود جدی‌تر از آن است که توفیق نهادها در برخورد با نقض حقوق کودکان به حد مطلوب و کمال برسد.

یکی از آسیب‌های جدی که این افراد با آن روبه‌رو هستند کار کودکان در خیابان و حضور آنان در این مکان‌ها و همچنین عقب افتادگی‌های تحصیلی ورزشی و ... است.

کودکان از احساساتی لطیف و ذهنی آرام و بدون درگیری‌ها و جنگ‌های اعصاب، برخوردارند. ولی هستند کودکانی که با وجود سنی کم اما با دغدغه‌ها و مشغله‌های ذهنی بسیار از جمله کودکان کار خیابانی که یکی به دنبال رزق حلال، یکی دنبال سرگرمی، یکی به فکر سیر کردن خود و دیگری به فکر سرپناهی برای شب و ... که هر کدام به شیوه‌ای تحت فشار روانی هستند و از آن رنج می‌برند.

آدمی در تمام مراحل زندگی کنجکاو بوده و نیازمند آموزش و به روز بودن دارد، زیرا انسان‌ها روز به روز در حال دگرگونی بوده و متغیر هستند و هر روز باید خود را به دانش و مهارت‌های بیشتری مسلح کنند. همچنین آدمی در بدو تولد در حال یادگیری است و بسیاری از چیزهای که یاد می‌گیرد اکتسابی هستند و از محیط و پیرامون خود یاد می‌گیرد ولی بسیاری از چیزهای دیگر را باید از خانواده و جامعه آموخت.

انسان‌ها در هر زمان و مکانی رفتارها و قوانینی را برای خود و همچنین جامعه رفتار ها و قوانینی را برای آدمیانی که در آن زندگی می‌کنند ایجاد می‌کند و این قوانین را هنجار می‌کنند تعریف می‌کنند. هنجارها می‌تواند هم برای خود فرد و هم برای جامعه مفید باشد و ناهنجارها مضر و آسیب رسان باشد. از ناهنجارها می‌توان به اعتیاد، بزه کاری و... اشاره کرد.

یکی دیگر از وظایف این مرکز آموزش مهارت‌های زندگی، آگاه سازی و پیشگیری از آسیب‌ها و ناهنجاری هاست.

مهارت‌های جنسیتی با توجه به این که مسایل و آسیب‌های وجود دارد که جنسیت آدمی را مورد هدف قرار می‌دهد و همچنین باید کودکان را از این آسیب‌ها آگاه کرد، برگزار شد.



محمد صالح تفره‌کار  
ویکل دادگستری

در تعبیر لطیفی از احادیث نبوی است که یکی از بهانه‌های نظر لطف پروردگار به اهل زمین وجود کودکان معصوم است. آنها که حمایت و بهداشت و تامین بزرگترها را پشتوانه رشد و بالندگی خود می‌خواهند. اما و اما... مباد بر ما روزی که کار طاقت سوز

کودکان معصومی که دوران شادی و رشد آنهاست برایمان عادی شود. چهره غمبار کودک کاری که برای امرار معاش بزرگترش یا بقای خودش به کار خشن و نامناسب تن داده است در تصویر روزمرگی‌هایمان گم شود. کار تفریح کودک نیست. زندگی کودک با کودکی و نه کارگری عجین است. جهان فهمیده که این پدیده مذموم چقدر برای سرنوشت کودک کار سنگین است و نمی‌خواهد این سرنوشت برای معصومیت‌های لگدمال شده باز و باز تکرار



رها شود. غیرت و حمیت ملی سرمایه این حرکت جمعی برای حمایت از کودکان کار نیازمند است.

سطح نازل این تعهدات پیمان‌نامه حقوق کودک است که بعنوان یک کنوانسیون بین‌المللی مبادرت به طرح و توصیف حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان می‌کند. ولی اصل هنجارهای بومی و ملی ماست که همه شهروندان را در قبال کودک مسئول می‌داند.

البته از حیث بین المللی دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایات‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. ولی بار اصلی بر دوش وجدان ملی است که به سرنوشت کودک کار بی توجهی نکند کلام رسول خدا تابلوی فرآوری ماست که می‌فرماید: «از ما نیست، کسی که به خردسالان رحم نکند». کودکان مایه برکت و جلب رحمت الهی هستند. حقوق آنها را پاس بداریم. یادمان باشد اولیای دین مبین گفته‌اند که هر کس سیر بخوابد و همسایه او در کنارش گرسنه باشد و او بداند، به خدا و رسول ایمان ندارد. باید سعی کنیم وسواس و حساسیت عمومی را به این مهم افزون کنیم.

کودکان محروم کشور از کیره‌های سیستان گرفته تا کوه‌های مریوان تا همین دروازه تهران تا سر چهارراه و متروها ببندیشیم و تدبیر کنیم که این موهبت‌های الهی و سرمایه‌های میهن چه حقوقی دارند و برای استغای آن تلاش کنیم.

وکلای زیادی را می‌شناسم که بی دریغ برای حل مسائل کودکان کار همت می‌گمارند و خدمات خدایسندانه و انسان دوستانه حقوقی از اخذ شناسنامه تا مدد کاری و اقدامات حمایتی و ارشادی حقوقی می‌دهند. افراد دلسوز زیادی در این کشور زجر ناله کودک کار را از بن دندان احساس و برای ترمیم زخم‌های عمیقشان مرهم و محرم می‌شوند.

کشور ما تعهدات حقوق بشری در قبال کودکان کار دارد که نباید زمین بماند. از آن مهمتر که تعهدات انسانی دینی و ملی در قبال این فرزندان میهن داریم که نباید

آسیب برساند سقف سن کار را تا ۱۸ سال بالا برده است. با وجود تمام نواقص قانونی می‌توان ماد ۸۴ را به نوعی قانونی پیشرو دانست که توانسته است شرایط روحی و روانی کودکان را مدنظر قرار بدهد. زیرا کودکان بیشترین شکل‌گیری شخصیتی و روانیشان در این سنین صورت می‌پذیرد. با این وجود ما در رابطه با کودکان کار هیچ نهاد قانونی و رسمی بر مبنای قانون خاص خود نداریم تا به مسائل بپردازد یکی از این عوارض نداشتن سطح آمار معتبر در کشور است. به همین دلیل است که بسیاری از فعالان کودکان کار بر این باورند که نزدیک به ۴۵ درصد از کودکان کار در معرض بیماری‌های عفونی همانند ایدز، هیپاتیت، سفلیس و غیره هستند که با توجه به نوع تغذیه و محیط و روابط آنان دچار چنین بیماری‌هایی می‌شوند. که با توجه به نبود قانونی منضبط در این رابطه در هنگام بیماری آنها بیشتر کودکانی که سرپرستی تحت عنوان پدر و مادر و قیم نیز ندارند در هنگام مراجعه به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها

زمینه به صورتی بنیادین آنگونه که نهادهای رسمی باید بر عهده بگیرند، اقدام به حل این معضلات نکنند. به همین خاطر بیشترین تلاشی که این نهادها انجام می‌دهند در زمینه‌های آموزشی در ابعاد مختلف چه کاری و چه بهداشتی به کودکان و سرپرستان آنها انجام می‌گیرد. اما واقعیت این است که تا بنیادهای مادی و مالی این معضلات به نوعی حل نشود آموزش توان بسیار زیادی را در حل این مشکلات را به همراه سازمان بهزیستی کشور با مشاهده روند رو به افزایش تعداد کودکان خیابانی در سطح جامعه از سال ۱۳۷۸ اقدام به تهیه و



اجرای طرح پذیرش، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی در سطح کشور کرده و از سال ۱۳۸۴ با تصویب آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۶ وظیفه ساماندهی این افراد و خانواده‌های آن‌ها به صورت قانونی به سازمان بهزیستی محول شده است.

همچنین سازمان بهزیستی با بررسی روند اجرای طرح فوق و ویژگی‌های کودکان پذیرش شده به این نتیجه رسیده است که

دچار مشکل برای درمان خویش می‌شوند. فارغ از غفلت دولت‌مردان در ارتباط با اتخاذ تصمیمی در جهت تصویب قانونی مناسب برای کودکان کار. هیچ اقدامی را در راستای کاهش دادن این معضل انجام نمی‌دهند و درون برنامه‌های دولتی هیچ جایگاهی ندارد. اما با شروع کار دولت اخیر فرصتی مناسب برای نهادهایی مردی و حمایتی از جانب فعالین و مددکاران اجتماعی در جهت کمک به این کودکان، تاسیس شده است. بیشتر کار این نهادها با توجه به این واقعیت که از لحاظ مالی و محدوده مکانی و اختیارات اجرایی محدود هستند آنچنان نمی‌توانند در این

# کودکان کار و چالش‌های قانونی و اجرایی

نگهداری کوتاه مدت کودکان و ارایه خدمات به آن‌ها در مدت نگهداری با توجه به جمعیت بالای ۸۰ درصدی کودکان دارای خانواده، کمک چندانی به مقابله با این پدیده نمی‌کند و لازم است اقدام

مداخله‌ای خاصی در این خصوص صورت پذیرد. لذا این سازمان از سال جاری اقدام به راه‌اندازی رسمی مراکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده کرده است. نحوه ارایه خدمات در این مراکز به شرح زیر است:

- اگر چه ایران در سال ۱۳۷۳ به پیمان‌نامه مربوط به کودکان کار پیوست اما در حوزه تبیین و تصویب قانون مناسب تاکنون اقدامی صورت نگرفته است و تنها به صورتی متفرقه در قانون کار کشور در دو ماده ۷۹ و ۸۴ آمده است که این مواد نیز متضمن ضمانت اجرا یا راهکاری که به نفع کودکان کار باشد نیست

در ابتدای کار تیم تخصصی طبق یک برنامه مدون به امکان‌پژندی و عمومی‌مراجعت می‌کنند و به شناسایی کودکان خیابانی و خانواده‌شان می‌پردازند. سپس اطلاعات لازم را در زمینه چگونگی امکان بهره‌مندی کودک و خانواده وی از حمایت‌های این فعالیت به او انتقال می‌دهند. همچنین تلاش می‌کنند امکان ارایه برخی خدمات (آموزشی، بهداشتی، درمانی و...) را در محل حضور کودکان بدون الزام آن‌ها برای مراجعه به مرکز بررسی نمایند و پیشنهادات لازم را به مسوول مرکز ارایه دهند.

**تعداد کودکان تحت پوشش**  
تعداد مراکز سازمان برای ساماندهی کودکان خیابانی در سال ۹۲ به ۴۱ مرکز رسید که ۵۰۰۰ کودک خیابانی در آن‌ها پذیرش شدند. از چالش‌های پیش روی سازمان بهزیستی در فرایند بازتوانی کودکان خیابانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الف - محدودیت‌های قانونی در حمایت و تحت پوشش قرار دادن کودکان دارای خانواده؛ در اکثر موارد پدر کودک با حکم قاضی کودک را از مرکز خارج کرده و او را دوباره برای تکدی‌گری و کار به خیابان می‌فرستد.
- ب - محدودیت‌های قانونی برای مددکاران اجتماعی در فرایند کمک به کودکان دارای سرپرست.
- ج - اجرا نشدن قوانین مربوط به اتباع خارجی.
- د - تمایل نداشتن بخش غیردولتی به حمایت از کودکان خیابانی ایرانی دارای خانواده.
- م - محدودیت منابع دولتی؛ برای اجرای بهینه این فعالیت نیاز است حداقل ۲۵ مرکز غیردولتی با سرانه هزینه راه‌اندازی به میزان ۸۰۰ میلیون ریال به مراکز موجود اضافه شود. هزینه اشتغال، مسکن، حرفه‌آموزی، بیمه بازنشستگی و توانمندسازی بلند مدت جهت هر کودک و خانواده به طور متوسط ۴۰ میلیون ریال است.
- ن - عدم اجرای مصوبه هیات وزیران در ساماندهی کودکان خیابانی از سوی ۱۱ دستگاه موظف.
- ی - در حال حاضر مجوزهای مراکز غیردولتی فعال در زمینه کودکان کار و خیابان توسط وزارت کشور صادر می‌شود که این مساله عملاً امکان نظارت تخصصی بر فعالیت‌های این مراکز و همچنین همکاری بین سازمان بهزیستی با این مراکز را مختل نموده است.





## آسیب‌پذیری کودکان در کار

کودکان کار در شرایط نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند و به راحتی باز بچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندتهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد... قرار گیرند و عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند. تاثیرات اقتصادی - اجتماعی کار کودکان کارکودکان جنبه‌های منفی اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی دربردارد، این کارمناع افزایش جدی مهارت‌ها، آموزش و دانش می‌شود، بهره‌وری افت می‌کند، درآمدهای بیمه اجتماعی کاهش پیدا می‌کند، صدمه‌های جانی و مالی بالا می‌رود، انواع آسیب‌های اجتماعی شامل سوءاستفاده جنسی، اعتیاد، خرده‌فروشی موادمخدر، بزهکاری کودکان و نوجوانان افزایش پیدامی‌کند، مهاجرت‌ها به دلیل امکان کارکردن کودکان به گونه‌های زیان‌بار و آسیب‌رسان بالا می‌رود. همچنین سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می‌شود که کودکان را مورد استثمار قرار می‌دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می‌کند و فقر و تهی‌دستی را افزایش می‌دهد.



آزاد هاشی  
فعال حقوق کودکان

ما در این کشور مهمتر از فرزندان و کودکان چه داریم؟ همه تلاش نهادهای مدنی، دولت و مردم برای آینده کشور و فرزندانمان است اما وقتی این کودکان از آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برند چرا ما نسبت به چنین موضوع مهمی بی‌توجه هستیم.

بخشی از قانون کار که درباره کارگاه‌هایی با زیر ۱۰ کارگر استثنائاتی قائل شده است، یکی از قوانین مضر برای کودکان کار است. همچنین برخی از مراکز از کودکان استفاده می‌کنند و می‌گویند اینجا یک کارگاه خانگی است بنابراین لازم نیست که تامین اجتماعی را از این موضوع مطلع کنیم؛ در صورتی که در برخی از این مراکز کودکان کار بیشترین آسیب اجتماعی را متحمل می‌شوند. در حالی که برای ساماندهی بیشتر موضوعات اجتماعی شوراهایی عالی تشکیل شده است، کودکان به عنوان آینده‌سازان و اداره‌کنندگان آینده از چنین سیاستگذاری‌هایی محروم‌اند.

## کودکان کار و مسیر ناهموار آینده

این کودکان برای تامین مخارج زندگی، کار و پول ندارند، مجبورند که کودکان خود را برای کسب و کار به خیابان‌ها بفرستند تا بتوانند اجاره خانه و پول مایحتاج خانواده را بپردازند در حالی که براساس کنوانسیون حقوق کودک و در قوانین داخلی ایران، تحصیلات تا پایان دوره متوسطه باید رایگان باشد و اگر خانواده‌ای فرزند خود را به مدرسه نفرستد مقامات قضایی می‌توانند پدر را تحت تعقیب قرار دهند. در حالی ما در کشور شاهد حضور حجم گسترده‌ای از کودکان خیابانی هستیم که خانواده‌های هیچ یک از آنان مورد سوال قرار نمی‌گیرند و این بچه‌ها حتی از سوی دولت نیز حمایت نمی‌شوند تا بتوانند به مدرسه بروند.

براساس اطلاعات مرکز آمار ایران و اطلاعات وزارت آموزش و پرورش مشخص است که ما چه تعداد کودک در سن مدرسه داریم. بخشی از آنان اکنون به مدرسه می‌روند حالا سوال اینجاست که بقیه این کودکان کجا هستند؟ بخش زیادی از مشکلات کودکان ما مرتبط با فقر و آسیب‌های اجتماعی موجود در خانواده‌های آنان است. فرزندی که به

بزرگترین معضل کودکان کار این است که در سال‌هایی که باید به بازی و تحصیل بپردازند در حال کار کردن بوده و در خیابان‌ها رها هستند و مورد آزار و اهذیت‌های فراوانی قرار می‌گیرند، کودکانی که در خانواده‌هایی به دنیا آمده‌اند که به دلایل متعدد توانایی ندارند فرزندشان به شکل طبیعی در فرآیند رشد و تکامل قرار گیرد.

بخشی از این مشکلات مربوط به خانواده باشد اما بخش مهمی از این موضوع وظیفه دولت‌هاست که باید به نوعی از این خانواده‌ها و کودکانشان حمایت کنند. این کودکان در خانواده‌هایی به دنیا آمده‌اند که معمولاً با اعتیاد، فقر، آسیب اجتماعی، گسست و طلاق، خشونت و مهاجرت به دلایل اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و همه این مسائل دلایلی برای فرستادن کودکان به خیابان است. نقش دولت‌ها برای به حداقل رساندن این آسیب اجتماعی این است که وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هایی که وظایف حمایت از این کودکان را دارند به درستی انجام وظیفه کنند تا ما این کودکان را در خیابان‌ها نبینیم. بیشترین کودکان خیابانی کودکانی هستند که خانواده دارند. بچه‌های فروشنده در مترو، کودکان دارای خانواده هستند اما چون والدین



یلارا ارشد  
مدکار اجتماعی و فعال حقوق کودکان

براساس کنوانسیون حقوق کودک و در قوانین داخلی ایران، تحصیلات تا پایان دوره متوسطه باید رایگان باشد و اگر خانواده‌ای فرزند خود را به مدرسه نفرستد مقامات قضایی می‌توانند پدر را تحت تعقیب قرار دهند

اجتماعی و عاطفی روبه‌رو می‌شود. پرسش مهم این است که این کودک در آینده چگونه شهروندی خواهد شد؟

اکنون نهادی به نام شورای عالی کودک در ایران نیاز داریم. ما امروز در ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی را داریم و حتی برای بسیاری از موضوعات شاهد وجود شوراهای عالی هستیم در حالی که برای کودکان تاکنون هیچ شورایی در نظر نگرفته‌ایم اما

## تراژدی روایت ناتمام کار کودکان

(چند سکنس از زندگی کودک کار)



مسئله‌ای که همواره فراموش می‌شود این است که کودک جویای لذت است حتی کمترین و کوچکترین چیز هم می‌تواند موجب خوشحالی را فراهم بیاورد و مکانیزم دفاعی که برای آرامش خود به کار می‌گیرد لذت بردن از آن چیزی است که انجام می‌دهد اگر بیشتر کودکان کار زیر ۹ سالی را که تاکنون دیده‌اید در ذهنتان مرور کنید در غالب موارد به جز وقت‌هایی که برای تکی‌گری گریه می‌کنند، غالباً آنها را شاد و راضی از موقعیت فعلی شان تجسم می‌کنید. درک دنیای کودکان هم پیچیده هست و هم نیست. وجود کودکان کار و خیابان امروز چه در عرصه تولید مثل کوره‌پزخانه و کارگاه‌های کوچک مثل فرش‌بافی و شیشه‌سازی و مانند آن و چه در عرصه خیابان مثل فروش گل، پاک کردن شیشه ماشین‌ها، آدامس فروشی و امثال آن در شهرهای بزرگ و کوچک ایران بسیار عادی می‌نماید و اتفاقاً افراد بسیاری منافع بیشماری از کار کودکان کسب می‌کنند. تاجرهای پنهانی که به خوبی از موقعیت‌های اجتماعی آگاهی دارند و انواع فنون رفتارگرایی را جهت به دست آوردن سود بیشتر به کار می‌گیرند.

قانون‌های رفتارگرایی مثل تقویت و پاسخ بسیار خوب در مورد این کودکان به کار گرفته می‌شود و اگر خوب به سال‌های اخیر دقت کنیم تعداد کودکان کار هر روز افزوده‌تر می‌شود البته سطحی از این افزایش کودکان کار به زاد و ولدی که در مناطق پایین شهر اتفاق می‌افتد هم برمی‌گردد. به دنیا آوردن کودک در بین زنان مصرف‌کننده به نوعی تجارت مبدل گشته و متأسفانه انگار جنبش‌های اجتماعی در کنترل چنین وضعیتی نا کارآمد بوده‌اند.

یکی از بزرگترین معضلات در ناکارآمدی کمک به حل مشکل کار کودکان عدم دسترسی داشتن آمار نسبتاً دقیق، عدم درک دنیای کودکان کار و سطح‌بندی این گروه است. چالش مدیریتی و روانشناسی به وضوح در کمک به این مهم جلوه می‌نماید. برگزاری و تقدس شماری یک روز و هیجان و برگزاری جلسات و همایش‌های دو یا سه روزه تاثیر شگرفی در این راه نخواهد داشت. بدون هماهنگی متخصصان و جامعه شناسان و سازماندهی NGOها و ارگان‌های فعال در این حیطه امید به کاهش آمار کار کودکان سربا بیش نخواهد بود.

نیازهایش به او کمک می‌کند. کدام حرکت و کدام رفتار و کدام موقعیت وجود کودکان‌هاش را به سوی موقعیتی دیگر و تغییری از جنس پیش‌روی به سوی بهتر شدن یا تغییری از جنس حرکتی انتقام‌جویانه از این محیط خصمانه و ناعادلانه یا خشمی معطوف به خود سوق می‌دهد.



اگر درس می‌خواند آیا به خواندنش و امید ساختن آینده‌ای بهتر ایمان دارد یا درس نمی‌خواند و مدام با خود مرور می‌کند من روزی پول دار می‌شوم. به موقعیت دیگری برویم کودکی که داخل

نیازهایش به او کمک می‌کند. کدام حرکت و کدام رفتار و کدام موقعیت وجود کودکان‌هاش را به سوی موقعیتی دیگر و تغییری از جنس پیش‌روی به سوی بهتر شدن یا تغییری از جنس حرکتی انتقام‌جویانه از این محیط خصمانه و ناعادلانه یا خشمی معطوف به خود سوق می‌دهد.

اگر درس می‌خواند آیا به خواندنش و امید ساختن آینده‌ای بهتر ایمان دارد یا درس نمی‌خواند و مدام با خود مرور می‌کند من روزی پول دار می‌شوم. به موقعیت دیگری برویم کودکی که داخل

اگر درس می‌خواند آیا به خواندنش و امید ساختن آینده‌ای بهتر ایمان دارد یا درس نمی‌خواند و مدام با خود مرور می‌کند من روزی پول دار می‌شوم. به موقعیت دیگری برویم کودکی که داخل

## نتیجه

یکی از بزرگترین معضلات در ناکارآمدی کمک به حل مشکل کار کودکان عدم دسترسی داشتن آمار نسبتاً دقیق، عدم درک دنیای کودکان کار و سطح‌بندی این گروه است. چالش مدیریتی و روانشناسی به وضوح در کمک به این مهم جلوه می‌نماید. برگزاری و تقدس شماری یک روز و هیجان و برگزاری جلسات و همایش‌های دو یا سه روزه تاثیر شگرفی در این راه نخواهد داشت

## نتیجه

## رویکرد عدالت

سوال: اگر پدر برای مخالفت با ازدواج دختر تهدید به قتل وی کرد، تکلیف چیست؟

پاسخ: مطابق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدر او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده است پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید از طرفی توهین و تهدید و ضرب و شتم افراد نیز اعمالی خلاف قانون و جرم می‌باشد، لکن مرتکب آن قابل مجازات خواهد بود ولو آنکه پدر فرد باشد.







امیرحسین نوروزیخ  
پژوهشگر آزاد

## شیخ تروریسم

شبیخی بر اروپا و خاورمیانه سایه افکنده است. شیخ شوم تروریسم. میکروب‌های سیاسی و ویروس‌های اجتماعی از هر سو به این مه‌د روشنگری و تمدن بشری هجوم می‌آورند. به میراث اندیشه‌های مشایی و

رواقی، به دموکراسی یونانی، به پارلمان‌یسم انگلستان و تفکر قاره‌ای پروس، به بقایای انقلاب کبیر فرانسه و ... ترور و وحشت امروز برای اروپا یک مریضی دموکراتیک است. بیماری‌های دموکراتیک معمولاً زیر جلدی وارد می‌شوند و به آرامی ریشه می‌دوانند. آنقدر که به آسانی موجبات طیب و تشنج اجتماعی را فراهم می‌آورند. سرگیجه و درد و التهاب حاصل از نفوذ ارتجاع و تاجر در جان جامعه ی اروپایی از یک سو و واکنش‌های نژادپرستانه و راسیستی نسبت به آن با سرکار آمدن احزاب دسته راستی و محافظه‌کار و نیروهای نئونازیستی از سوی دیگر، کار را لحظه به لحظه بر شهروندان بی‌گناه و روشنفکران سرگشته و سیاستمداران بی‌تدبیر تنگ‌تر می‌کند. اینجا باید سخن‌ها یک را به یاد آورد که گفته بود: «باید از دموکراسی علیه دموکراسی حمایت کرد»

مردم‌سالاری منافذ بازی دارد و ورود آفات به آن به سادگی امکان پذیر است. آنان با پوششی عوام‌فریبانه وارد می‌شوند و در دراز مدت دموکراسی را به دماغ‌وژی تبدیل می‌کنند. اروپا در حقیقت هزینه‌ی تسلط اندیشه‌ی تحلیلی و جز نگر بر فلسفه‌ی سیاسی‌ر می‌پردازد. اینجا اما باید سخنان راستین رییس جمهور ایران دکتر حسن روحانی را به یاد آورد که گفت: «جریان تکفیری دامان حامیانش را خواهد گرفت» کوله‌فکری و جزیی نگری سیاست‌ورزان اروپایی سبب شد تا آنان جهان را یک جزیره‌ی جدا از هم بپندارند و با ارسال سلاح و کمک‌های مالی به تروریست‌ها در خاورمیانه زمینیه‌ی فعالیت‌های علنی آنان را فراهم آورند. آنان با فراموش کردن روح متحد جهان میان بخش‌های گوناگون تمدن بشری به اشتباه تفکیک قائل شدند و شعار دهکده‌ی کوچک جهانی را به راحتی از یاد بردند. جزیره‌ای اندیشیدن سبب شکل‌گیری جهانی‌هازی شده است. دنیایی که در آن به ذات بشر با بدبینی نگریده می‌شود. در نظر توماس هابز «انسان گرگ انسان است» شهروندی محکوم به نابودیست و بربریت جایگزین ناخواستگی آن است. گروه های ترور و ماشین‌های کشتار و خشونت‌ی که در خاورمیانه مستقر هستند، هیچ نیازی به عضوگیری تشکیلاتی در خاک غرب ندارند. آنان ذهن و روح ناخودآگاه ساکنان مهاجر را از اختیار گرفته‌اند و با این سلاح، قلب حوزه (سپهر) عمومی را نشانه می‌روند. مراکز فرهنگی و کنسترت‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر، فروشگاه‌ها، مراکز خرید، ورزشگاه‌ها و ... هر جا و مکانی که در آن امکان گفت‌وگو و مفاهمه موجود باشد، در کانون اصلی حملات قرار می‌گیرند! طنز تاریخ دقیقاً همین جاست که شهر مونیخ که نبض امنیت اروپا را در دست دارد و هر ساله میزبان اجلاس امنیتی کشورهای جهان است، به دست چند جانی نیپیلیست مومن نما به لرزه درمی‌آید. نواهای مهیبی که از پاریس و نیس بلند می‌شود هم در حقیقت مسئله صدای بمب نیست.

این اوای نرفت ما انسان‌ها از یکدیگر است که هر لحظه شدیدتر می‌شود. این مرثیه‌ای برای مرگ مدنیت است. نفس‌های آزادی در اروپای دهشت زده به شماره افتاده است و روز به روز بیش از پیش به بدبینی و بی‌زای شهروندان از یکدیگر می‌انجامد. از اکنون می‌توان روزهایی را تصور کرد که در آن مجالس قانون‌گذاری مغرب اروپا و حتی اتحادیه ی و شورای اروپا قوانین محدود کننده‌ی تابعیت و مهاجرت و حتی قواعدی برای سلب آزادی به بهانه ی پاسداری از امنیت تصویب کنند. اما شوالیه‌های بزدلی که برای ریشه کنی مدنیت شمشیر کشیده‌اند، بی‌تردید بر عبث می‌پایند. آنان بازگشت اندیشه‌های قاره‌ای و کل نگر برای بازتولید مدنی محوری جهانی را دست کم گرفته‌اند. روحی بزرگواری و عظیم که همواره شکوفا خواهد شد.



## چهارسو

# آموزش صلح؛ بهترین نیکی‌ها

جناب آقای یونسسی، مشاور محترم زیاست جمهوری در سخنرانی خود فرمودند که ریاست محترم جمهوری ایران در شعار جهان بدون خشونت بسیار پاراجا هستند. استدعای من آنست که پیام مرا به عالیجناب ریاست محترم جمهوری برسانند که ایشان در کشور خودمان در کنار شعار صلح و عدم خشونت در جهان، که بسیار شعار قرآنی و انسانی است ، به مقامات و مسئولین تحت امر خود دستور بدهند که فرهنگ صلح دوستی، آرامش و ضدخشونت را در داخل کشور ترویج نمایند و برای تحقق آن تلاش کنند. به آموزش پرورش دستور بدهند که با مشورت کارشناسان خبری برای آموزش دادن صلح دوستی و آرامش و نیز حفظ محیط زیست طبیعی به کودکان از کودکان و دبستان طرحی خردمندانه تهیه نمایند و عملی سازند. به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دستور بدهند برای اعتلای فرهنگ آرامش، دوستی و مهر‌رانی در درون دانشگاه‌ها راه‌های مقتضی را مطالعه فرمایند. به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستور بدهند که برای ترویج اینگونه مفاهیم مساعی جمیله خویش را معمول نمایند. برای بالا بردن فرهنگ این مفاهیم راه‌های مختلفی وجوددارد که حسب مورد تفاوت میکند. یکی از راه‌های آن که شاید در حیط باشد راه هنر است. اصولاً ارتقای هنر در کشور رابطه مستقیم دارد با تقلیل جنایت و اعتیاد و امثال آنها. اگر از هنر مردان کشورمان خواهیم که در راه‌های رفع روحیه خشونت کار کنند من مطمئنم که فرزندان این سرزمین آماده هرگونه تلاش و ابداع و نوآوری هستند. با کمال تأسف روان جامعه ما عبوس و خشن شده است. درجرائد و خیابان‌ها همه روزه نمونه‌های زیادی می بینیم که دو اتومبیل به خاطر عدم گذشت و دادن حق تقدم به دیگری کارشان به نزاع کشیده و با تلخ‌گونی به روی هم پنجه وحتی گاهی طپانچه کشیده‌اند.

ما از صدا و سیما می خواهیم که اگر صحنه دفاع مقدس را نشان می‌دهند و جان نثاری‌ها و فداکاری‌های خالصانه عزیزان ما را در دفاع از وطن اسلامی نشان می‌دهند صحنه‌های مهربانی‌ها و صمیمیت‌ها و انسان دوستی‌های برگرفته از تعالیم و آموزه‌های دینی که در همان میدان‌ها از آن‌ها دیده شده و واقعا آموزنده است نیز نشان دهد. از آن گذشته فیلم‌هایی که برای سرگرمی مردم ساخته می‌شود با استفاده از هنر اسلامی لاقابل برخی را به آموزش دوستی، مهربانی، اشتی ملی و صمیمیت اختصاص دهد و نه فقط صحنه‌های دروغین کشتار و خونریزی. مسئولین محترم صدا و سیما باید توجه داشته باشند که دین اسلام مجموعه‌ای است کامل و هرگز نباید آن را یک بعدی ارائه دهند. ارائه دادن یک بعدی دین عملی انحرافی بلکه خیانتی بزرگ است. دین اسلام مجموعه‌ای است که اگر یک‌سویش دفاع خونین، فداکاری و جان نثاری است، سوی دیگران مهربانی، دوستی، برادری، ولایت به معنای محبت است. تا آنجا که امام باقر (ع) فرموده‌اند: هل الدین الا الحب - مگر دین جز دوستی چیز دیگری است ؟ والسلام.

منابع مقاله در دفتر نشر به موجود است.

نوشته بودند که ما باید سعی کنیم که فرهنگ صلح را در میان جوامع بالا ببریم و انسان‌ها را علاقمند به صلح کنیم.

من در اینجا می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم و آن این است که مسئله توصیه به صلح و سلام از مسلمات ادبیات اسلامی و در راس آن قرآن مجید است. در قرآن مجید به عنوان یک اصل کلی آمده است که «الصلح خیر» یعنی صلح؛ بهترین نیکی‌هاست. «سلام» که به معنای صلح و آشتی است نامی از نام‌های الهی و شعار اسلامی در دنیا و شعار بهشتیان است. در قرآن مجید سوره‌ای به عنوان سوره فتح یعنی پیروزی وجود دارد. این عنوان اشاره به فرار صلح معروف به صلح حدیبیه است. صلحی که میان رسول الله(ص) با مشرکین مکه منعقد شد. قرآن مجید صلح را «پیروزی آشکار» خوانده است: إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (فتح/۱) حقا که ما فتحنی نمایان برای تو پیش آورده‌ایم.

حضرت حسن بن علی (ع) سبط اکبر رسول الله (ص) و امام دوم شیعیان برای جلوگیری از خونریزی با معاویه برغم آنکه حکومت او را نامشروع میدانست صلح کرد. به نظر محققین تاریخ شیعی ، امام حسین(ع) حتی بعد از وفات امام حسن نیز به معاهده او پایبند بود و هیچ‌گاه بر خلاف اراده برادرش اقدامی نکرد.

ولی نمی‌توان از این حقیقت چشم پوشید که منابع ادیان اعم از اسلام، مسیحیت و یهودیت به دست هر کس بیفتند براساس طرز فکر خود تفسیر می‌کنند. در قرون وسطی آن همه خشونت بنام دین صورت گرفته و هم اکنون ما می‌بینیم عده‌ای در منطقه بنام دین مهمترین خشونت هارا مرتکب

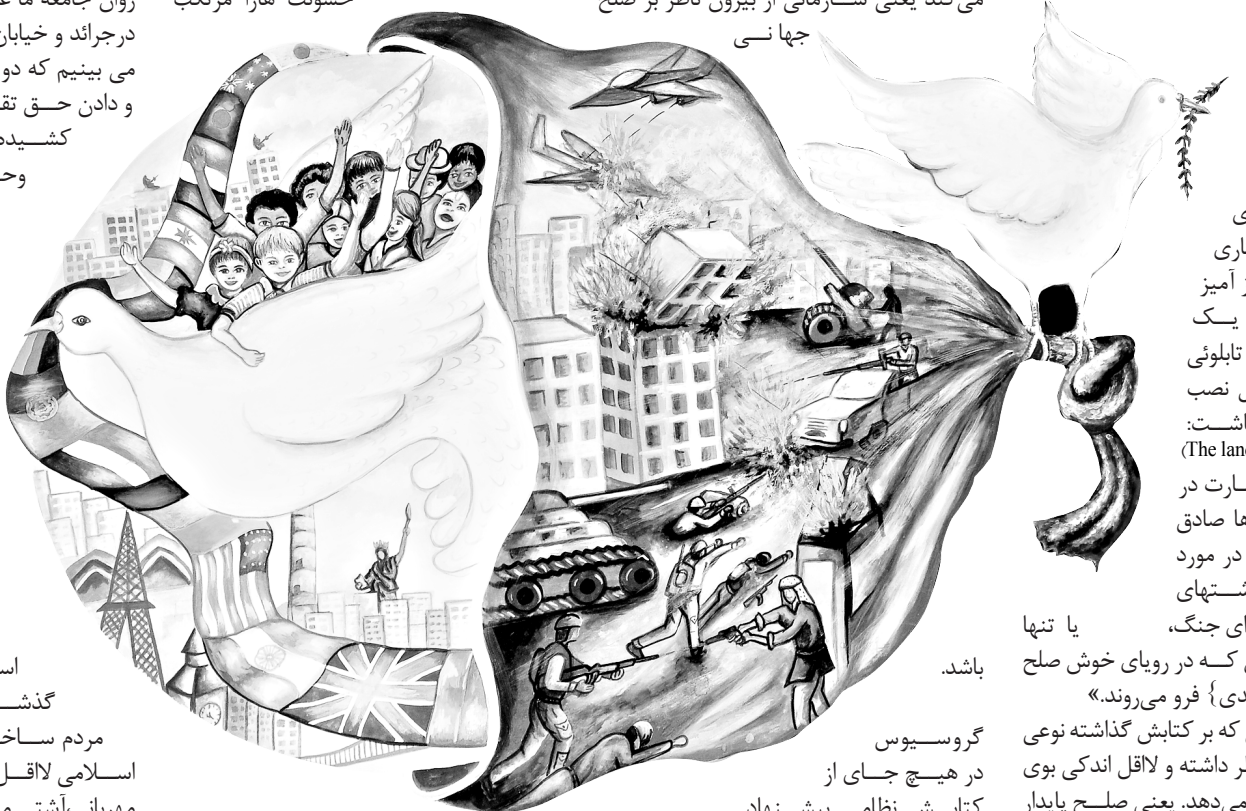
می‌زیسته کتابی بنام صلح و جنگ نوشت و به خاطر تالیف همین کتاب مغضوب پادشاه هلند قرار گرفت و به زندان افتاد.

در باب علت تالیف کتاب حقوق جنگ و صلح در مقدمه این کتاب گروسویوس چنین نوشته است:

«دیدم که در سراسر عالم مسیحیت یک لجام گسیختگی در جنگ حکم فرمایی می‌کند که حتی اقوام بربر می‌پایست از آن شرم داشته باشند. به علل به معنی و حتی بدون دلیل به اسلحه متوسل می‌شدند و هنگامی که اسلحه به دست می‌گرفتند، هیچ‌گونه احترام برای قوانین الهی و بشری قایل نبودند، عیناً مانند این که از آن لحظه مردم خود را مجاز می‌دانستند که هر جنایتی که می‌خواهند مرتکب شوند، بدون اینکه به هیچ قیدی خود را پایبند بدانند.»

گروسویوس حقوق طبیعی را مطرح کرد و البته قبل از او توماس آکوئیناس و بسیاری دیگر از فلاسفه مطرح کرده بودند. بنابراین چرا کانت را پدر صلح جهانی لقب داده‌اند؟

پاسخ این است که آری قبل از کانت هم موضوع صلح و عدالت و امثال این‌گونه مفاهیم را بسیاری مطرح کرده بودند ولی به هیچ وجه سازوکاری را ارائه نداده بودند. نظامی را طراحی نکرده بود. کانت اولاً کرامت ذاتی بشر را مطرح کرد و گفت کرامت از ذات حقیقت جوی بشر سرچشمه می‌گیرد هرچند که برخی به حقیقت نرسند ولی استعداد آن در تمام انسان‌ها وجود دارد و ثانیاً کانت به راه حلی رسیده که یک راه حلی حقوقی است. او پیشنهاد تشکیل سازمانی را که چیزی شبیه سازمان ملل فعلی است مطرح می‌کند یعنی سازمانی از بیرون ناظر بر صلح جهانی



باشد.

گروسویوس در هیچ جای از کتابش نظامی پیشنهاد نکرده بود.

رساله کانت به زبان اصلی او یعنی آلمانی است تالیف شده که البته در زمان فعلی به زبان‌های مختلف ترجمه شده حدود ۱۳۰ صفحه است. یکی از منتقدین کانت می‌نویسد به عدد صفحات این رساله، در آلمان جنگ اتفاق افتاده است!.

هیچ کس نمی‌تواند نقش سازمان ملل را در تحقق صلح منکر شود ولی از طرفی نمی‌توان گفت که با تشکیل سازمان ملل فریت جنگ برای همیشه از میان جامعه بشریت رخت بر بسته است. از پیام آقای دبیر کل سازمان ملل در روز جهانی صلح کاملاً پیداست که سازمان ملل خود متوجه شده است که تحقق صلح بدون کار فرهنگی امکان پذیر نمی‌باشد. ایشان

کاش ملاحظه معرفی افراد در انتخابات، کارنامه و رزومه علمی و مدیریتی آنان باشد نه تخریب دیگران.

۸- اگر اهل لایه‌گری و مهندسی انتخابات بودم، هیچ‌گاه آن همه تلاش برای اجرای کردن طرح «انتخابات آنلاین» نمی‌نمودم. این طرح ضمن اینکه می‌توانست، موجب رشد و پیشرفت چشمگیر کانون‌ها از حیث الکترونیک شود، انتخاباتی بی حاشیه و سریع و حداکثری را رقم می‌زد. اما ببینید در همایش گیلان در این مورد چه گذشت و این گناه تاریخی به گردن چه کسانی است که دلیل مخالفت شان با این طرح را صراحتاً این گونه اعلام کردند که «سالی یکبار قرار است همکاران بیایند در کانون ما را ببینند و ما آنها را ببینیم و با الکترونیک شدن انتخابات این فرصت سلب خواهد شد». آیا این تفکر همان نیست که در روز انتخابات دیوار انسانی تشکیل میدهد تا به زعم خود «رای وکیل» را هنگام عبور از این دیوار استحاله و مصادره کند؟! مگر فرصت دیدارهای نوروزی و جشن استقلال برای دید و بازدید با همکاران کافی نبوده است؟! کاش ملاحظه معرفی افراد در انتخابات، کارنامه و رزومه علمی و مدیریتی آنان باشد نه تخریب دیگران.

تحلیل کرده‌ام، پیشنهاد الف - ایجاد معاونت پارلمانی و ب- تبدیل پست نواب رئیس به معاونت‌ها را در تاریخ ۹۵/۱۱/۲۵

به اتحادیه داده و شورای اجرایی در جلسه ۹۵/۱۱/۲۸ آن را پذیرفت و پیش‌نویس اصلاح اساسنامه هم آماده و به کانون‌ها ارسال شده است. اگر قرار باشد نشست مجمع عمومی تا پاییز به تعویق افتد به این معناست که انتخابات بعدی اسکودا نیز باید بر اساس همین ساختار فشل فعلی صورت گیرد و تا دو سال دیگر همچنان با این مشکل دست به گریبان خواهیم بود. برای گریز از این مشکل باید قبل از برگزاری انتخابات، مجمع عمومی نسبت به اصلاح اساسنامه اقدام نماید. بنابراین به خاطر رعایت مصالح عالی‌ه جامعه و کالت و پیشگیری از آسیب پذیری آن، این اصلاحات ضروری است و فکر می‌کنم «همین یک دستور جلسه» برای تشکیل مجمع عمومی کافی خواهد بود.

۱۱- پاسخ‌نامه مجرمانه اسکودا را فاش می‌گویم و از گفته خود خرسندم که اینجانب مطلقاً با تصمیم به عدم برگزاری جلسه مجمع عمومی و تعویق آن تا پاییز مخالف بوده و هستم.

ادامه صفحه ۱

### دکتر هما داودی

این اهانت صنفی سنگین را از کسانی که داعیه دغدغه‌مندی برای پیشرفت صنف وکالت دارند، قابل بخشش نمی‌دانم. ۶- همچنین آن اندازه خویشتن‌داری و ادب در خود می‌بینم که اگر فردی مانند استاد علم و اخلاق یعنی دکتر مرتضی شهبازی نیا برای انتخابات اسکودا ورود نماید، در میدانی که ایشان وارد شده عرض اندام نکنم و حد نهدارم. این بسیار تهمت سخیفی است که بخواهم ایشان را بازپیه برد انتخاباتی خود قرار دهیم. آیا می‌دانید چه نوشته اید و چه می‌نویسید؟! ۷- هزاران شکر به درگاه خداوند که از رشته «مهندسی انتخابات» سر رشته ندارم و منش و مشی تخریب، لابی‌گری، رایزنی، جریان‌سازی‌های قبل از انتخابات، تلاش برای حضور در عکس‌ها و در کنار بزرگان، شرکت در مراسم ختم و یادبود، تلفن‌های شب و روز و بی‌هنگام به همکاران برای احوال پرسسی، نهار و شام دادن و وعده‌های رفاهی که همه را اهانتی بزرگ به ساحت همکاران می‌دانم، نداشته و منزّه از این شیوه‌ها، همواره مورد لطف و اعتماد همکاران قرار گرفته‌ام.





**کار کودک از منظر بین الملل**

کودک کار کودکی است که به یکی از اشکال کار «سبک، سخت» و «داوطلبانه، اجباری» جهت کسب درآمد و نه کسب توانمندی اشتغال دارد. منظور از کار کودک درگیر نمودن کودکان در آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که مانع تحصیل، آموزش و برخورداری آنان



رحمت نواندیش  
فعال کارآفرین

از امکانات اولیه ی رشد فردی و اجتماعی‌شان می‌شود و با آسیب و بهره‌کشی همراه است.

**روز جهانی مقابله با کار کودک**

سازمان بین‌المللی کار، از سال ۲۰۰۲ بر گستره جهانی کار کودک و اقدامات و تلاش‌های مورد نیاز برای محو آن تمرکز کرد. بر همین اساس روز ۱۲ ژوئن از همان سال به عنوان روز جهانی مقابله با کار کودک اعلام شد که مستلزم همکاری دولت‌ها، کارفرمایان و سازمان‌های کار، جامعه مدنی و میلیون‌ها انسان از سراسر جهان است تا بتوان اقدام مؤثری را برای کمک به کارگران کودک انتظار داشت.

در جهان، تعداد زیادی از کودکان در مشاغل خانگی بدون مزد یا با مزد در خانه فرد ثالث یا کارفرما مشغول هستند. این کودکان نسبت به استثمار بسیار آسیب‌پذیر هستند. کار آنها اغلب از نگاه جامعه مخفی است، احتمال دارد این کودکان منزوی شوند و آنها در موارد بسیاری جدا از خانه و خانواده خود به سر می‌برند. موارد اذیت و آزار کودکان در کار خانگی واقعیت تلخی است که متأسفانه رواج فراوان دارد.

**تعریف کار کودک در نظام بین‌المللی**

کار کودک به معنای کاری است که برای کودکان در گروه‌های سنی معین ممنوع است. کاری است که توسط کودکان، زیر حداقل سن قانونی معین برای آن کار انجام گیرد و یا به دلیل ماهیت یا شرایط خاص، آن کار برای کودکان غیرقابل پذیرش و ممنوع است.

امروزه در سراسر جهان، ۲۱۵ میلیون کودک کار شناسایی شده‌اند که بسیاری از آنها به کار تمام‌وقت اشتغال دارند. این کودکان مدرسه نمی‌روند و وقت کمی برای بازی دارند و یا اصلاً چنین وقتی ندارند. اغلب این کودکان از تعدیه و مراقبت مقتضی برخوردار نیستند و در کل از امکان فرصت کودک‌بودن محروم هستند. بیش از نیمی از این کودکان، در معرض بدترین اشکال کار کودک هستند که از جمله به کار در محیط‌های خطرناک، بردگی یا دیگر اشکال کار اجباری، فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر و فحشاء و نیز مشارکت در مخاصمات مسلحانه اشاره شده است.

**اقدامات سازمان بین‌المللی کار در زمینه مقابله با کار کودک**

اقدام سازمان بین‌المللی کار در مورد مقابله با کار کودک طی چهار دهه اخیر گسترش زیادی داشته و پیشرفت‌های مهمی از زمان انتشار اولین گزارش جهانی درباره این موضوع حاصل شده است. با این وجود چالش اصلی سازمان بین‌المللی کار، نحوه تعامل با نظام‌های ملی و حمایت از آنها برای مقابله با کار کودک و محو قطعی آن در جهان است. برخی از مهم‌ترین اقدامات سازمان بین‌المللی کار در زمینه مقابله با کار کودک عبارتند از: تلاش برای تصویب جهانی کنوانسیون‌های این سازمان در زمینه کار کودک، تضمین تمرکز جدید بر راهبردها و برنامه‌های ملی برای ارتقای رویکردی جامع در زمینه اصول و حقوق مبنایی کار، توسعه زمینه‌های مبارزه با عوامل ریشه‌ای کار کودک، تثبیت حداقل سن پذیرش برای استخدام و تعیین سن آموزش اجبار، توسعه امنیت و سلامت محیط کار برای همه کارگران، با لحاظ اقدامات حفاظتی ویژه برای کودکان در سنین میان حداقل سن استخدام و سن ۱۸ سال و ارائه فهرست جامعی از کارهای خطرناک کودکان، ارتقا و توسعه عملکرد نهادها و مکانیزم‌های نظارتی (مانند دادگاه‌ها، ادارات پلیس و غیره) بر اعمال مؤثر حقوق مبنایی در محیط کار از جمله حمایت علیه کار کودک، توسعه مستمر مشارکت راهبردی و فعال در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی و ارتقای جنبش جهانی علیه کار کودک، توسعه و انتقال رویه‌های مطلوب که واجد نتایج پایدار بوده‌اند.

تدوین: سقراط... ایشمن و دکتر محمد مصدق  
ترجمه و گردآوری: مهندس مصطفی شمسو و دکتر مهندس انوشیروان خلعتبری



تقویت می‌کند که اینجا هم رأی بین استثمار شوندگان و ثروتمندان صادر می‌شود. وانزتی طولانی‌تر و مفصل‌تر صحبت کرد: «هیچ‌گاه قتل نکرده‌ام، هیچ‌گاه خون نریخته‌ام... من در سراسر عمرم برای محو جنایت در جهان مبارزه کردم...»

روز دهم اوت ۱۹۲۷ این دو را برای صندلی الکتریکی آماده کردند. اما خبر رسید که حکمران فولر با یک تعویق دیگر موافقت کرده است: در این مدت دادگاه عالی درباره درخواست جدید و کلای مدافع تصمیم‌گیری می‌کند. دادگاه این درخواست را رد می‌کند. حال فقط یک راه وجود دارد: تخفیف و حکمران می‌توانست به علت زمان انتظار طولانی و غیرانسانی تخفیف قائل شود. ولی او اصلاً فکرسش را هم نمی‌کند که این عدالت را اجرا نماید. بدین شکل روز ۲۷ اوت ۱۹۲۷ اعدام این دو اجرا می‌شود.

ساعت هفت و نیم هیات منصفه توافق حاصل کرده‌اند. آنها هر دو متهم را مقصر می‌شناسند. آن‌گونه که در ماساچوست رسم است قاضی بدون اعلام رأی تعویق می‌گوید به بازداشتی‌ها امکان دهد تا فرجام خواهی نمایند. در این زمان در آمریکا چندین کمیته دفاع وجود دارد که وظیفه آنها دفاع از ساکو و وانزتی است. فعالیت کمیته عبارت است از فراخواندن جلساتی که گزارش‌های مربوط را برای دادستان، قاضی و حکمران فولی که فعلاً نقشی ندارد به پوستون می‌فرستند. فعالیت‌های کمیته بازبینی‌آ را باید به حساب ورود مرد جدیدی در محاکمه، حقوقدانی از نیویورک به نام ویلیام تامپسون، گذاشت او متهمین را شخصاً نمی‌شناسد ولی یک طرفدار دو آتشه قانون است. اولین درخواست و کلای مدافع، پس از اعلام تصمیم هیات‌منصفه انجام می‌شود. این اعتراض روز بیست و پنجم دسامبر ۱۹۲۱ توسط قاضی تاپلر رد می‌شود.

توانست دلیل عدم حضور قاطعی ارائه دهد. ولی وانزتی به دوازده تا پانزده سال زندان محکوم شد. هیچ‌گاه ثابت نشد و سعی نیز نشد که ثابت شود ساکو و وانزتی فعالیتی بیش از شرکت در اعتصابات و جلسات اعتراضی داشته باشند. آنها هنوز از آنچه در اعلامیه‌هایی که خود تدوین کرده ولی پخش نموده‌اند دفاع کرده. یکی از اولین شاهدانی که خوانده شد پلیسی است به نام کونولسی که ساکو و وانزتی را دستگیر کرده بود.

شاهد: «من پرسیدم در بریج واتر چه کار می‌کردید؟ آنها گفتند ما آن جا با یک دوست ملاقات کردیم من گفتم این دوست کیست؟ آنها نتوانستند نامی بگویند من احساس کردم که وانزتی قصد دارد یک هفت تیر از جیبش بیرون بکشد.»

وانزتی صحبت شاهد را قطع می‌کند: «شما دروغ می‌گویید!»

هدف [دادگاه] این نیست که نقش این دو را در حمله‌ها شناسایی کنند. بلکه هدف آن است به هیات منصفه تلقین کنند که اینها انارشئیست هستند، خان هستند و در جنگ از انجام خدمت سربازی طفره رفته‌اند. در واقع هدف کاتسمن فقط ثابت کردن این است که وانزتی میهن پرست نیست.

**ساکو و وانزتی - ۱۹۲۱ میلادی**  
روز بیست‌ویکم مه ۱۹۲۱، در شهر هام بالاخره محاکمه‌ای شروع می‌شود که مردم منتظر آن هستند. مستخدم دادگاه اعلام می‌کند «دادگاه». حضار از جا بر می‌خیزند و ویسترتایر، قاضی دادگاه عالی وارد سالن می‌شود. سه دستیار دادستان نیز حضور دارند. وکیل مدافع نیز هست.

انتخاب هیات منصفه نیز به خاطر پیشداوری‌ها به مشکل برخورد. ۵۰۰ شهروند اختیار بودند ولی بسیاری خود به خود کنار رفتند چون هم اکنون و قبل از محاکمه نظر خود را درباره گناهکار بودن یا بی‌گناهی متهمین اعلام کرده‌اند.

دادستان دوم آغاز محاکمه را اعلام می‌کند. مسئله بر چیست؟ اول کی محاکمه می‌شود؟ یکی نیکولاساکو است، بیست و نه ساله. پیشه کفاشی را آموخته و این پیشه را یک شغل خود کرده بود. از نظریه‌های انارشئیستی در حد انسانیت، مساوات و برادری می‌فهمد. در هر صورت او سوسیالیست یا کمونیست نیست. تنها به طور مرتب در جلسات سندیکا و جلسات گروه‌های دیگر حاضر می‌شود.

متهم دوم بارتولو وانزتی او عقیده دیگری دارد. یک فرد رویایی، تکر و ولی اگر لازم باشد مرد عمل است. اقدامات او عبارتند از نوشتن پراکنده مقاله برای یک روزنامه کوچک به نام «رادیکال» و یا سخنرانی در خیابان است. پارسال ساکو و وانزتی به خاطر دو جمله به کسانی که پول حقوق را حمل می‌کردند دستگیر شدند. یک حمله در شب کریسمس ۱۹۱۹ در یک خیابان شهر بریج واتر به اتومبیلی اتفاق افتاد. این اتومبیل توسط یک اتومبیل دیگر متوقف شد. دو تا از آن خارجی‌ها تیراندازی کردند. راننده اتومبیل حمل پول به تیراندازی جواب داد و دزدان فرار کردند.

یک حمله مشابه پنجم آوریل ۱۹۲۰ در سوت برین‌تری رخ داد. این بار به دو مامور پرداخت حمله شد. آنها با صدای «ایست» در جا ایستادند، دست‌هایشان را بالا بردند ولی باز هم کشته شدند به نظر پلیس که تحقیقات دقیقی هم نکرده بود، ساکو و وانزتی در هر دو حمله شرکت داشتند.

این برای پلیس کافی بود البته در مورد ساکو کافی نبود. او برای حمله شب کریسمس

گام بعدی فراخوان دادگان عالی ماساچوست است اما دادگاه عالی دلیلی برای دخالت نمی‌بیند. و کلای مدافع اعتراض می‌کنند و مسئله شناسایی گلوله مرگ‌بار مطرح می‌شود. رد اعتراض و باز هم درخواست مجدد، چون یکی از شاهدان که در اختیار بوده بازپرسی نگردید.

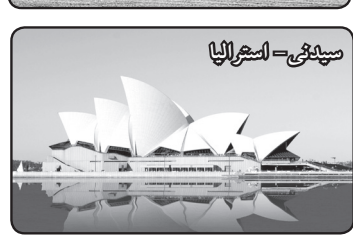
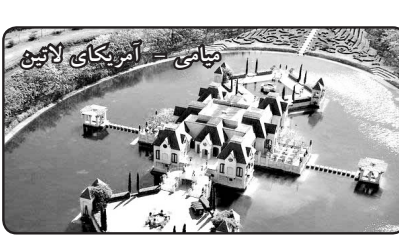
حال مدتی است که حکمران ایالت ماساچوست وارد عمل شده است. و کمیته‌ای را منصوب می‌کند که باید این مورد را یک بار دیگر بررسی کرده و گزارش دهد. و کلای مدافع درخواست می‌کند که جلسات کمیته علنی باشد ولی این درخواست هم رد می‌شود. کمیته بالاخره به این تصمیم واحد می‌رسد که محاکمه منصفانه انجام گرفته است و حکم صحیح می‌باشد کوشش برای لغو حکم و صدور حکم جدید شش سال به طول می‌انجامد. وقتی تمام کوشش‌ها برای باز ایستادن این روند ناکام ماند و قاضی تایر می‌بایست تاریخ اعدام را اعلام کند ساکو اجازه داشت سخنی بگوید: «من سخنران نیستم.» و ادامه داد: «من زبان انگلیسی را به خوبی نمی‌دانم و ... هیچ‌گاه در تاریخ چیزی خواندم که بتوان با بی‌رحمی این دادگاه مقایسه کرد... تجمع همه این افراد خوب در اینجا در من این باور را

برای وانزتی آقای مک انارزی صحبت می‌کند و روز بعد موضوع را جمع‌بندی می‌نماید اما بعد از ظهر هیات منصفه به مشاوره نمی‌پردازد. یک پیک را برای آوردن میکروسکوپ می‌فرستند چون مایلند یک بار دیگر گلوله‌ای را ببینند که یکی از این مردها را در سوت برین‌تری به قتل رسانده و اینکه آیا صحیح است که این گلوله‌ها از هفت تیر ساکو شلیک شده‌اند یا نه.

**همایش‌های خرجی**

**تقویم سمینارها و کنفرانس‌های کانون بین‌المللی وکلا ۲۰۱۷**

ردیف	موضوع	مکان	زمان
۱	نشست میان سالانه ABI-۲۰۱۷	بلغاست - ایرلند شمالی	۲۵ تا ۲۷ می
۲	شانزدهم کنفرانس ادغام بین‌المللی و مالکیت ABI	آمریکا - نیویورک	۶-۷ ژوئن
۳	کنفرانس حقوق حمل و نقل دریایی	ریو دوژائیرو - برزیل	۷ تا ۸ ژوئن
۴	پانزدهمین کنفرانس سالانه مبارزه با فساد ABI	پاریس - فرانسه	۱۳ تا ۱۴ ژوئن
۵	دهمین نشست سالانه آمریکا- راهبردهای برنامه‌ریزی مالیاتی	میامی - آمریکای لاتین	۱۴ تا ۱۶ ژوئن
۶	کنفرانس سالانه IBA	سیدنی - استرالیا	۸ تا ۱۳ اکتبر





## حذف ظرفیت حرفه وکالت یا مثله کردن حق دفاع؟!

شاپور اسماعیلیان - حقوقدان

این روزها از سوی جمعیتی، خیرهای ناگواری با بوق و کرنا برای درهم کوبیدن نهاد قانونی کانون وکلا به گوش می‌رسد. اگرچه طلابه‌داران و حامیان این جمعیت اکمپین فارغ‌التحصیلان بیکارحقوق حذف معیار محدودیت ظرفیت حرفه وکالت را با شعارهای فریبنده و وسوسه‌انگیز سرداده اند؛ «هموزکسب وکار»، «شکست انحصار» و «ایجاد یک میلیون ظرفیت شغلی» اما با یک بررسی کارشناسانه می‌توان ادعان کرد تحقق خواسته آنان، آن هم با تصویب مجلسیان، حاصلی جز در معرض خطر قرار گرفتن جان، مسال، حیثیت، عرض و آبروی مردم و مثله کردن حق دفاع خواهد داشت و این درحالی است که نمایندگان همین مردم برابر اصل ۶۷ قانون اساسی سوگند یاد کرده‌اند یا تکیه بر شرف انسانی خویش... ودیعه‌ای را که ملت به آنان سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری نمایند... و... در انجام وظایف وکالت نمایندگی، امانت و تقوا را رعایت... و تأمین مصالح آنها را... مدنظر داشته باشند.

جدای از اینکه ذکر فرآیند مستمر نقض استقلال وکیل و وکالت در دهه‌های اخیر با رویکردهای مختلف یا تلاش در جهت خدشه به حق دفاع مردم و ابزار اصلی آن وکیل فاضل، شجاع و مستقل در برابر حاکمیت، موجب ملال است، اینک به نظر می‌رسد اراده قوی در پشت پرده با همکاری برخی از نمایندگان مجلس «همسو» اداره کنندگان کمپین درصدد است با جوسازی از طریق برخی

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و با سردادن شعارهای پوپولیست گونه «ایجاد یک میلیون ظرفیت شغلی» و «به امیدآنکه هرایرانی یک پروانه وکالت داشته باشد طرحی را تدارک نماید تا با تصویب آن در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس معیار ظرفیت حرفه وکالت حذف شود! افزون براین، نمایندگان کمپین و برخی حامیان آنان در مجلس با تفسیربیه رای و برداشت‌های نادرست از برخی مصوبات نامربوط (که یادداشت دیگری را می‌طلبد) مدعی‌اند که تبصره یک از ماده یک قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت ۱۳۷۶ نسخ ضمنی شده است!... شاید آنان تفسیرشان درست است زیرا در شرایطی که استقرار بدون چون و چرای حاکمیت قانون، چالشی جدی است، حامیان این کمین‌ها حرفه مقدس وکالت رانه به عنوان یک «ارزش» بلکه بانگه تجاری و در حدکسب وکارآزادچون «خواروبارفروشی» و یا «بنگانه مشاوره املاک» پندارند و هرگز اعتقادی به قدیس بودن آن و لزوم شایستگی و تخصص وکیل در مقام دفاع از حقوق مردم نداشته باشند! ناگفته پیداست تأسیس موسسات حقوقی کار چاق کنی توسط اشخاص فاقد اطلاعات حقوقی و چه بسا بی‌سواد برای مدیریت وکلا جوان مضطر و بیکار، عزم اداره کنندگان کمپین و حامیان آنان را جزم کرده تا در شرایط رکود اقتصادی و وکلا، لاقلا یک هزاران مدرک‌دار، رزشته حقوق را به خیل وکلا بیسکار بیافزایند اما آنان و برخی مجلسیان حامی، غافلند از اینکه: ۱. آموزش و تربیت این همه وکیل بیکار و نظارت بر کار آنان (به فرض اشتغال) به عهده کدام نهاد و با چه امکاناتی خواهد بود؟ ۲. دستگاه قضایی به فرض مقرون به مصلحت قضایی بودن افزایش ظرفیت(فله ای) تعداد وکلا در محاکم، با وجود کمبودهای اساسی و این همه نارضایتی از رویکرد برخی وکلا با چه تمهیداتی آنان را در دادگاه‌ها برای کارآموزی خواهد پذیرفت؟ ۳. دارندگان مدارک حقوق از ۴۵۰ دانشکده یا مرکزآموزش عالی انتفاعی(!) باغیرانتفاعی یا آزاد با ویژگی اغلب مشترک (پذیرش بدون آزمون یافته ای) باکدامین استاندارد قانونی و بضاعت علمی، نقش (بال دیگر فرشته عدالت) را ایفا خواهند کرد؟

مجلسیان محترم! آیا سزاوار است بیش از این، حقوق مردم شریف «بی حساب و کتاب» ضایع شود!

## دیدگاه

او با بیان این که حکم اغلب مدیران انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، در طی یک سال و نیم گذشته توسط بالاترین مقام دستگاه صادر شده است، تأکید کرد: البته به دلیل پرهیز از ایجاد ساختارهای جدید، مدیران روابط عمومی یا آمار یا برنامه‌ریزی با حفظ سمت منصوب شده‌اند و برای اجرای رویه‌های جدید توجیه شده‌اند.

دبیر کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در عین حال تصریح کرد: بدهی است در ابتدای کار با اشکالاتی مواجه باشیم ولی مهم، سیاست مثبت دولت و عزم عمومی است که به تحقق و فراگیری این قانون و روح حاکم بر آن بینجامد. این چالش‌ها دامنه وسیعی را شامل می‌شود، از مبانی فرهنگی یعنی حق و روحیه مطالبه‌گری و وظیفه پاسخگویی تا مسائل زیرساختی و نبود آرشوهای جامع. اما نباید به بهانه احتمال چنین چالش‌هایی، از حرکت به سمت اجرا و کمال، سر باز نیم. به نظر خیلی از کارشناسان، خود قانون هم نیاز به اصلاح و تکمیل دارد تا اولاً دامنه بیشتری از اطلاعات را شامل شود، ثانیاً تضمین بیشتری ایجاد کند و ثالثاً ترکیب غالب آن غیر دولتی شود.

بگذارند. همچنین مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی از قبیل بانک‌ها هم مشمول این قانون هستند.

پیگیری رسانه‌ها بهترین سازوکار اجرای قانون انتظامی در ادامه توضیح داد: مطابق آیین نامه اجرایی این قانون، ارائه درخواست به دو شکل مراجعه حضوری به دستگاه یا از طریق سامانه الکترونیکی خواهد بود و پاسخ دستگاه به یکی از چهار شکل (مراجعه حضوری، ایمیل، پست یا کارپوشه ملی ایرانیان) به انتخاب متقاضی است. در مرحله بعدی، دفاتر پیشخوان دولت هم به عنوان محل دریافت درخواست‌ها اضافه خواهد شد. وی افزود: سامانه دسترسی به اطلاعات به گونه‌ای طراحی شده که هر دستگاه مشمول به آن می‌پیوندد و آمادگی خود را برای ارائه خدمت اعلام می‌کند. طبعاً دستگاه‌هایی که نام‌شان در فهرست نیست یا بعداً نباشند، به معنای این است که هنوز به این سامانه نیوسته‌اند. دبیرخانه هم اصراری ندارد که بیش از این پیگیری کند بلکه معتقدیم فشار افکار عمومی و پیگیری رسانه‌ها بهترین ساز و کار برای پیوستن همه دستگاه‌های مشمول قانون به این سامانه خواهد بود. در حال حاضر فقط به لایه اصلی هر دستگاه، دسترسی داده می‌شود و سازمان‌های تابعه هر وزارتخانه یا دستگاه، فعلاً زیر نام اصلی تعریف می‌شوند. به مرور و چنانچه درخواست‌های اطلاعات از سازمان‌های تابعه، به نصاب خاصی برسد و خود دستگاه اعلام آمادگی بکند برای سازمان‌های تابعه آن هم دسترسی جداگانه تعریف می‌شود.

هر شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی

می‌تواند درخواست خود برای دسترسی

به اطلاعات را به صورت برخط از

طریق درگاه الکترونیک حقیقی یا

ثبت‌نام در سامانه به آدرس foia.

iran.gov.ir و ایجاد حساب کاربری،

پیشخوان دولت الکترونیک، پست یا

مراجعه حضوری به واحد اطلاع‌رسانی

مؤسسه درخواست‌شونده، تسلیم کند.

نهادهای وابسته به آنها و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شوند و همچنین هر مؤسسه، شرکت یا نهادی که تمام یا بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به دولت به معنای عام کلمه و نه فقط قوه مجریه است، مکلفند طبق قانون، اطلاعات درخواستی شهروندان را در اختیارشان

سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات به عهده وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفته یا می‌گیرد ... ، لذا آن دسته از اراضی که در اجرای قانون زمین شهری از جمله ماده ۱۰ به وزارت مسکن و شهرسازی منتقل می‌شود به نام دولت جمهوری اسلامی ایران

به نمایندگی سازمان ملی زمین و مسکن سند مالکیت آن صادر می‌شود. توضیح این که وزارت مسکن و شهرسازی وفق تبصره ۴ ماده ۱۰ مکلف بوده تا اراضی حاصل از موضوع ماده مرقوم را به ادارات و سازمان‌های مذکور در حد نیاز اداری و تأسیساتی مجاناً واگذار نموده و در صورتی که بر اساس سیاست عمومی کشور و طبق آئین‌نامه اجرائی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام نماید و بهای واگذاری زمین به اشخاص نباید از قیمت‌های منطقه‌ای زمان واگذاری (ارزش‌های معاملاتی) تجاوز نماید. ولی چنانچه برای دولت بیش از قیمت منطقه‌ای تمام شده باشد به بهای تمام شده واگذار می‌گردد.

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و اهداف وضع آن در ماده یک و حوزه عملکرد دستگاه متولی این قانون (وزارت مسکن و شهرسازی) کاملاً پیداست که حکم مقرر در ماده ۱۰ صرفاً ناظر بر اراضی شهری است. قانون زمین شهری در ماده ۲ اراضی شهری را زمین‌هایی دانسته

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

است که در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرک‌ها قرار گرفته است. تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ و

بدا باید اظهار داشت که:

۱. باتوجه به تبصره ۷ از ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، دولت و ... می‌توانند برای اجرای طرح‌های دولتی و تأسیسات عمومی زیر بنایی خود زمین مورد نیاز را در شهرها و شهرک‌های سراسر کشور با رعایت کلیه ضوابط و تبصره‌های این ماده تملک شهری مسکن و شهرسازی

موظف است زمین‌های مورد نیاز برای امر مسکن و خدمات عمومی را ضمن استفاده از کلیه اراضی موات دولتی در شهرهایی که به پیوست این قانون به دلیل عدم تکافوی اراضی مذکور در این شهرها ضرورت آن حتمی است به ترتیب از زمین‌های بایر و دایر شهری تأمین نموده و تقویم آن بر اساس تبصره ۹ از ماده ۹ قانون مزبور بر اساس قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملات) زمین بوده و بهای اعیانی‌ها در اراضی و سایر حقوق قانونی طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری بر اساس بهای عادلانه روز تعیین می‌گردد.

۲. از آنجایی که وفق ماده ۱۰ قانون زمین شهری و از تاریخ تصویب قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ کلیه زمین‌های متعلق به وزارتخانه‌ها و نیروهای مسلح و موسسات دولتی و بانک‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام است و کلیه بنیادها و نهادهای انقلابی در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار می‌گیرد و

سازمان فوق و طبق تبصره ۴ از ماده ۱۰ قانون زمین شهری مکلف گردیده است که اراضی موضوع ماده ۱۰ قانون زمین شهری را به ادارات و سازمان‌های مذکور در حد نیاز اداری و تأسیساتی مجاناً واگذار نماید.

۳. طی ماده ۱۱ قانون زمین شهری نیز وزارت مسکن و شهرسازی موظف است براساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند و تبصره ۲ ماده

آن دسته از اراضی که در اجرای قانون زمین

شهری از جمله ماده ۱۰ به وزارت مسکن

و شهرسازی منتقل می‌شود به نام دولت

جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی سازمان

ملی زمین و مسکن سند مالکیت آن صادر

می‌شود



مهدی سقیانی

دانش‌آموخته حقوق